

کس نه له کورد مُردَوَه، کورد زَندَوَه  
کسی نگویید که خلق کرد موده است، خلق کرد زنده است! صفحه ۴



کراپسکی و شرکاء:

## واپستگان امپریالیسم در ایران

در هفدهمین کنگره سوسالیست ایران مصطفی رهبران  
”سین امداد ملی“ اروپا دعوی رئیس جمهور  
ایران رئیس کشور می‌آمد. بوجه و دقت بسیار  
دغوب و سرخواهات میرزا میرزا میرزا میرزا میرزا  
میرزا میرزا میرزا در ایام چکوچی ”مسا راه  
صد امداد ملی“ روزنمای اسلامی ای که ایران  
”مسا راه“ دارد و در عین حال معاوی شکرداران  
مسا میان بین خاچای مختلف رسم موحد است رهبری  
سودا، ماقبل اردن، سعی سین ارسیدا حسن به  
ادهاف میرزا میرزا میرزا میرزا میرزا میرزا  
دغوب و سرخواهات میرزا میرزا میرزا میرزا  
داسمه که محضری در راست چکوچی سکل و ما هست  
این ”سین“ لعل سوسالیست که می‌باشد کی میان  
ایران با پیرا شی گرم و میرزا میرزا میرزا میرزا  
اندکارا در رزمنامه اسلامی ایران رو در  
کنند، سکاریزم:

## در صفحات دیگر این شماره:

- حزب توهد و ادامه خیانت هایش صفحه ۱۳
  - یاد شهیدان حق عرب را گرامی بداریم ! صفحه ۱۴
  - بمناسبت ۵ زوون ، یورش تجاوز کارانه صفحه ۱۵
  - اسرائیل علیه خلق صفحه ۱۶
  - اخراج کارگران و کارکنان مبارز کارخانه . صفحه ۱۷
  - هاشیم سازی تبریز صفحه ۱۸
  - نامه بازماندگان شهدای سینما رکس آبادان صفحه ۱۹
  - سازمان مجاهدین و جنبش کردستان (۳) صفحه ۲۰
  - از جندیدن سوی و ... اسعا ده می کشد . هزاران با اعدام سیروهای انقلابی و گمومیست - هاشی کدردادع از حقوق کردیا در دعای از دستگاه - هادربرابر پرورشی که سیا " سقلاب مرهنگی " احمد سادقانه میرزا کردید : سقیه در صفحه ۲۱

تُوْطِئُه سرکوب

نیروهای انقلابی را بایپوند  
هرچه بیشتر با تقدیرها  
نقش برآب کند!

ابن رورها موضوع سرکوب و تصفیه سرووهای انتقامی در سطح وسیعی بررسی زبانهاست، استخراج آنها از دستگیریهای کسرده و «مهیا کردن» زندانها و خانه‌گردی ها و از آندوپزی دوم «سخن مسروود»، شایسته‌داول سهراون در جهان رم حرباً دھشتگار محسوس‌بود. نهادنگان مجلس دریزدآیت‌الله‌حنفی از بیکار اسداختن «شمشیر دوم» سخن میگوید، شمشیری که اسکدم آن علیه کمونیسٹ‌ها سکا رگرفته شد! و آیت‌الله مشکی ارسکوب کمونیست‌ها حرف سرشندا و عالم‌بی - دارد که حتی سادرحا و های آنان حمورایاف و آسیا را ن روم رکد!...! سحر اسی آیت‌الله مشکی دز قم که روز پنهانیه و شلوبیزون بخشند. خانواده - های سپاری از مبارز ریزس که در زمان ساختار شنی سا دلی ها و معاویت های ساواک و در حیمان رژیسم بهلوي را تحریک کرده اند و سوپس از فیما مبنی شنا هدایات ساواک می‌نمایند و بسیاری بوده‌اند، بنگران حال فرزندان می‌درخوهد می‌باشد و ...! بقیه در صفحه ۹

شاه هنوز هم روزه میکشد:  
کمو نیستها را پکشید! چرا؟

همزمان با اوجکبری تسلیمات ضدکمونیستی در را دیپو-تلوزیون و مطبوعات کشورها را زیبای مسئولین ور هیران رژیم جمهوری اسلامی ایران، همراهان یا نسبت دادن سیل اتها مات و مسحانه نظری آتش زدن حرمون و "حک امروزی در کردستان و جاهای دیگر" به کمونیستها، همزمان با سعیها را که درستا و عصایی کردن خلو قیه هم را کرد، همزمان سانشکل "دادکاهای عدل اسلامی" بدو حمورهشت منصفه و دشون و خود و کیبل مدافع و با معنی که مردم ما شناهدنکه چگونه در دادکاه آنهم در شرابی که در دادگاه متمه رها محاکمه شنی کنند بلکه با زوحی می کنند و سراي خرد کردن روحه متهم

## مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران



کارگران مبارز "ترانس پیک" سرپرست ضد کارگر خود را  
دعا به زادا و مری کاروا سرا سکی کنند،  
اخراج گردند!

دعوهای از این دو مری کاروا سرما سکی کشیده می شود.  
و اعماقی سورا همراه سراسر است و دوگانه وکری که به  
حباب ارا و درگیری اصحاب کدر که سودبده بی سکا  
می شود. از طرف دستگار رکن اکار رجاه سولت را  
می خواهند و می طرحیم بی سکا همی ماسد. در  
با سکا در این دار مری با سوچمه ای سکه رویها و مشتولان  
همان روزها و مشتولان قبولی همیست. سربیرس می سواد  
سکک سعی از دوستی این اعمال بخودکرد و خوش  
را ساعع خود سعی برده است و سطور سکه رشتن با سکا به اراده  
محال فلت سا سورا و دیسمیسا ای ارسیرس می کشید  
اعماقی سورا را به دار داده سکا دموردست. با رسیدن این  
حرسه کار رکن ای بس از بخت و مسح و مسحه ای کشید که حبس  
می کردند که دست بسطه طرف از بر سرداشته  
 محل سکا از جهانی کشید.  
حدود ۱۵۰ کارکردا سعادتی های "الله اکبر" و  
"اللهم کارکردا رجایه حرایا" را می کردند. دست بسطه هر ای  
مرسید. درین راه کارکردا برای رهگذرانی که  
محوا سی دلعت سطه هر راه را باید ساده سوچم سداد دید  
و قسی صفت طه هر کسید کان مثابل سا سکا هزار آزاد مری  
رسید. کارکردا سب سرده ها احتمال کرد و خواست  
محکوم کردن سربیرس و ملادان سا اعماقی خود می سوید.  
رشنس سا سکا احتمال های سوچمه کیفیت فعلی  
کارکردا می کشید که سخنان خود را ای های سده  
کارکردا سروع می کشید و آسان مخواهد کرد سرکار  
خود را رکردند. اما کارکردا برای ساده سوچم  
معنی دهد. سربیرس صد کارکردا را احتمال کارکردا به  
سکنی آدم نمود. ماده هیئت کوئی در موضوع صفت  
پرداز می کرند. سرین ریان مسد، با حریر ساری و  
خوبی و شیوه سوچمه کرد و سوچمه می کشید که رکن  
را بی خرسید. اما آشیا کا اکتوون اور احوب می ساد  
نه دی رفرص صفت سی دهد. آشیا کی ای اعماقی  
پیور اسرا ای کارکردا صفت کرد و سیم همه اعضا  
دهمراه دکار کارکردا سوچمه ای رجرا کی می کشد. در  
سریسا رکش، کارکردا سفید سعدا رطہر هم کے  
ظرف کار رجایه می کشیده ای رامی سوچمه پاده سده و  
سکا رکن می سوید.  
دنس سربیرس سا معا و می سکبا رجایه کارکردا  
سنده های سوم و بسرگار سا سکا هزار آزاد مری و سربیرس  
سرای محکوم کردن سورا و کارکردا حتی مسود.  
همان رور جلسه همومی سا حمور مدیر عامل و اعماقی  
سورا و کارکردا سیکل می کشید و سریسا مون می مثلثه  
اجراخ سربیرس ار کار رجایه می کشد مسود. سیمی اس  
مسیب اس مسود که سربیرس صد کارکردا رجرا کردد و  
دوس کارکردا آکاهی که دستاله ریو ای و سده مسود،  
نه کار رجایه سا رکردند. اما سببیه علیکی که ای احتمال  
داده اند آشیا احاطه سود. اس سعیم دوسیم  
۲۰ ار دی سیمیس ما هیچورب کسی سکا رکن اسلام  
مسود.

تجارب و درس‌های این مبارزه

لہ - سکا ب میں :

روزدوزیه ۵۹/۲/۱۵ راگران معاذرسکت  
"سراسی بیک" با صفتی ای از سربرسیهای صدکار رکر  
کار راهه، گما مدیگری در جهت سیستم دهنای روابط هنفی  
خود برداشتند. ماتحت این سربرسیها انجامات سورای  
تسلی سدریج سرای کارگران روس سده سود آشنا  
ساره فلدرسایری، گردیکسی و اعمال تغیری افکاری  
ورا در جهت سیمودن صفوی مخدوک راگران دسته دادند  
سودیدند. از اینجا کسری سد مذکور حركات سورای خسد  
و منصب کارگران را علیه منافع خود و همایانشان  
پیشیدند، از سعدا رعایت نظر مورس غله آن دسته و  
سوطنی خسی میکنند. وی روزدوزیه ۵۹/۲/۱۵ (اساوه) خود  
خطارهای فعلی سورا، صبل غصیمه کناعت را روپشت  
کار روس و اسسوریس "رسانی اسدا" می سودا و ردی اس  
عمل در حالی این محکرده کارگران احصاره  
دند استند، حتی جددتیهای اروپت کار را سد از راح  
وسا و پرسنل شکار استند. سورای کار راح طی سادهای  
سربرسی را دن روز خرمیده میکند، سربرسی کار راح عمل  
سورا سپس را خسته سده سوچ دهنی اعزامی سه اعضای  
آن در حمورکارگران ساده سه شوھنی میکند. کارگران  
موهین سه سورا را که هودسا ان انتخاب گردیده بودند  
در درسی سوھنی به خود داده سه سربرسی سند است  
اعلامی سه اعضا میکنند. در این میان دویں ارکا رگران  
ساده ایکا میخواب کار سربرسی، ساده ایکا رگران در گیر  
می سود و میساند کار سه زد و خور میکند. جریان

پهندن سکما "سعدا راجراج" محدثاً در معا ملا لاسری  
ای گرفتند. هدف سعدی در رسما حاکم‌گردی سورا های  
الاسی اریوچ سدساکها های فرماسی رمان ساخته است.  
اما کارگران پهلوان مان، سامنا و مبت و میان ره  
محبوبون سار شهر بحران خود (ما سدساک رکوان مبارز  
و کا کدساوا سسیدسا سار ره صدرا سخود، کارگران  
حرجا خی را سرکار را سرکرداند (سخواه هدکدنا است  
بوطنده رسما سیر بر سرحد را که کارگران خوا سار پیا ک-  
ماری ارتضی سورا های وا غصی خود سوده و ا-  
مسیمه های با کاری را تلاشی میدانند.  
کارگران و روحانیت ما و طبقده دارند رکارگران  
کارگران های از ره ماسی ساری خانابد سعادت بر سر  
سین خله موهنجی اشت ارسل حلاب هشیث حاکمه سر  
سلسله کارگران و روحانیت و سما می حلنهای سحبت  
سم ابران، که ردا اگرسو اسدگرسن ناست، —

سحکم بادھمسگی کا رکراں و رحمک سان  
اسود باد طام سرماداری و اپسے

جنپش کارگری



## اخراج کارگران و کارکنان مبارز کارخانه ماشین سازی ادامه سرکوب کارگران

پس از حمله عناصر ضدکارگر و مردموره شورای کار را به مانعین ساری تحریم و اسلحه آن را سبک کمیته ساصللاح با کارگری کدرکار را به میسر نموده، وسته اخراج عده‌ای از کارگران و کارگران مساز را کار خانه ایکه عده‌ای از آنها مسکن کارگران بودند) و ده و سی هزار تن شما امامی اس کا و کرمان و کارگران مساز را در کارگران سراسرا و کشیده فراری و اخراجی مدیران عامل و سازمان صرسوکار را به کذا نشانه است.

هچوم سه حلقوی پهلوان کرد، حمله سدها سکاها ای  
سکر را دید و گشترا را داشنحویان اینعلایی، حمله سه  
کارگران و سیکاران و کسارت آشیا، حمله هجه بحایه ها  
و شربات و وروزاسمه های اینقلابی نسندس سلسه اب صد  
کم و میستی همکی حلقه های رنخبری سوطه هشت حاکمه  
تر علیه کارگران و رحمیکنان، برای سامن "امس" سرما به میباشد. حمله سه سورا های کارگری سکی از  
حلقه های مهم این سه هجره اسری میباشد. در رسیم و  
عساصر سپرده آن ساده بردن سه اس خلاب می  
حواله هدکشواره های واپسی کارگری را متجل کنیدا  
بنوا سدی سیستم سما به رادر کارکارا رجا هه سورا رسم اسد و  
در این چهل لازم است سه اس به اخراج و دسکری  
ساعیدگان کارگران و کارکنان مبارزه رسم  
(کا) شی ساری اسراسا، متحتم فولادا هوار، اسودا ک،  
پشم و پینو...، و اسک ماشی ساری

اوالعمل موسوی ارعاعا مل رزمیه و رای  
منتسب کارکنان ماسنی ساری بروجت آمریکانی  
میرید و گران میگوید: "اگر خوبیان این سورا  
را محل نکنید خودم آنرا محل خواهند کرد اگر در  
انتخابات بعدی کسی از همین افراد را انتخاب کند  
من دهنده اش را منگیرم و اورا باز بر اسری میاندازم"  
و میخواهد که سما سدگان مورد تائید و دلیل بسته  
دولتشی که سما پیده سرما سه داران و حافظ نظر  
سرما بدهد از این واسطه معنی داشت که رگران و رحمت  
کشان می شاند.  
اما کارکنان ارشورا و از هیئت سدگان خود حمام است  
می کنند، اینست که رژیم دست به اخراج کارکنان و  
کارمندان میزد - اینها اخراج حدیثه رسانا و اکنون  
و غصه رضکذا رگر میخواهد میگوید میرا سس خواست  
که رگران حرکت کرده اند - در صورتی که عناصری مثل

بعدزا ۵۹/۲/۳۰ طبق دعوت مشترک  
شورای کارگران و کارمندان چلسی ای دربار شکمای  
صنعت نفت آبادان سکلر شودر آن شورای کارگران  
کفرداش کار خود را در مصروفت به شهران و تعا رسای  
مقامات مسئول بینان کرد. در خلال این گزارش گفته شد که شما پندتگان (واستاده تخصص اسلامی) شورا برای  
حل مسأله شناسنایی تکبه به مدرست همیستگی کارگران  
حلوی مائین منظری خواهید اند.  
کارگران آگاه و مهربان را شنیدن این گزارش از  
سر احتی سخونی پیجیدند. آنها می دیدند که چگونه  
عدمدادی سازشکار فدرور عظم کارگران را بیان زی می  
گیرند و سنبدهای آنها حلول مائین منتظری  
می خواستند.  
اين حلمسین اريک سري افشاگری از گروه  
کارگران آگاه و مهربان را رحمه اینکه بيدستور معین فر  
هشت تحریره شنیده سما مارحق استفاده از مکانات  
چاپ صنعت بعثت می بخشد دولی "اداره مرسنج  
ملی" با (ما و او) ک در صنعت نفت (میتواند از آن  
ستفاده ماید و فردا شفط عطا می باشد) یافت.  
پس از پا آن اس نشست بخش عظیعی ارکارگران  
با شعار هاش جون کارگر زندانی، زندانی سیاسی  
را زاده بگرد و مرک سرمدین فردرکوی کارگردست  
هر آهیان رو دسد.

حیمکت‌ن می ساست و سپهمن دلیل است که تمام  
گهیها از وحاظی سرماده‌داری درهرونگ ولسان  
شون آسیا هستند.  
سادر معاً حمه اس در موبدیع احتمالی اش برای  
بلوکری از رکھویس سدن ایران گفت "امن امر  
مسکی سه‌خواست ملب ایران دارد. بینجا سال  
مرکوب کوییسها و دیگر شروهای اینقلابی بدمست  
تسهیلهوی برای سامانه طبق ۱۵٪ است، او هنوز  
محاجه صردا وطنیا - سکه‌سازی و نیشنها سیده‌زاده.  
شیوه در حال لیکه از رسان امیریا است خوبی  
مریکا و اسکلنس گله مداد است که چرا در سرکوب بیشتر  
مردم از رای دادند و دسروا هفلاسته‌تری را در راه بطبع  
ما دهدای در ارمدسان پیش کسبیدوا و رتش را به  
کوپیه آمدن درس امروابت الله خمینی و ادا و گردند  
کی کودت:

۱- مریکا و اکلینیک راه رسانی به درت رسیدن  
نهضتی هموار کردند زیرا اگمان می کردند که اسلام  
یعنی تقدیم خلوی که مسیم را پسکرده رحایلیکه اکنون  
معتقدیها و اسرائیل سیاست از هزاران دیگر ماده  
فنا دین بدست که می خواسته باشد .

و در حای دشتری اراس معا حده شاه «دل میسوزاند»  
و آنچه در این سیاست اسلام احنا ممنوع مردم را از  
سلام در ورومروی می سارد .

آنچه در این سیاست بکله برگشته ای ای  
همسا هاشن سبب به که می خواسته باشد .

نمایا خود را بیان شد را جو شنا حمه است . و می  
داند که سیاست که می خواسته هستند که سایه دشواری علیعی  
اعلایی خود را شرسما سعدا ری را رسانی همیشه سر-  
ی کند .

رهبران جمهوری اسلامی که راه رهن (و اقعا هیج) .

آزادی نفتکران مبارز با پیگار  
متعددانه کارگران امکان پذیر است

سنه زیگما و نیم از سارت هشتاد و سه شعبانه ده  
شورای با لایستک آزادان میگردید، در این مدد شورا  
به سنتها جوده هم روسی است ز شکار ایشانه و سنتها  
نگاه دهنده ایشانه را دنیا سه مدد شکار ایشانه  
نمایند - اینها عصر ایشانه کارگران ساز خلوق کبریت کرده و بین  
سریب سرخوار و وفا بحث هشت کامه ای داده  
اساری بعکس گران میاره افزوده است. کارگران می-  
بینند در حلقه ایشانه ای من از شان در زندگان بسیار  
می سندند ما مسئول صعب سف در میانشند سای  
سا و ایشانه ای فرازی را سخت حمام خود بیهودگی کار  
زا زگردان سد.

فروشی سلیمان حاص و سفترم مخصوص سیاست داشت .  
هر مردمان سایه امدادگردن بیش از پیش خود را کم کرد -  
بسیاری سه ساعت و سانچل و ایجاد کننده کادب در دل  
مردم را آگاه علیه کوسمیسها نمی شوند عوام که کسو -  
بسیارها ملحد و خداپسان و حرمین سوز و صد ملت و  
سکاها بررس و عمل آفریکا و سوری و عصره هستند ...  
آری هر مردمان لای ایشنه سوطه ها که حوا است  
بیژن را لیسم آفریکا سو مرد و دوران و هدنس ...  
دال خلیش بعیسی سا و اکسنا ، فرماده ها ارسن و سرماده  
داران و ایسه ... در راحام و کسرین این سوطه ها نفس  
دارد ، شنا حاش و ساقط همدرد آخوند روره ها میسند  
و ایستار و کسرا را کوسمیسها سب :  
را دیوهدای آفریکا صحیح رور ۵۹/۳/۷ معاحبه  
ماه را رشیس هشت دسره رور ساده و سانگن سب را  
بدر عقا هر دسمبل آمد و دهن کرد .

نی ۱۵ طهرا مسدواری کرده است که میهیں -  
رسان (معنی سا و کشکا که دسته دسته آن دسته و مادر  
سا و اماکا رکما رکمه رمته ندوی و سران رین بنظر  
ملحای ها و ساری ها و کاسی که در سرکوب حلق کرد  
نهان خنا سانی را ترسیک شدید که اربا بانسان در  
سما و فلسطین، ایران را ساخته دهد. زیرا در  
سر آشور ایران سدت کوییسها خواهد بود.  
و اعماق حرا شاهه اسقدر از دست کوییسها میالد  
خران سدیر ایران می سرسو و حسی در آخوس روزه -  
تای ماسویه اش سارخون کوییسها شنیده است؟  
و اعماق چنعته مشترکی - خدماتع مشترکی بین  
ماهور زخم حاکم کوییس در سرکوب کوییسها خوددارد؟  
بنها دلیل اس است که کوییسها دشمنان درجه  
ول و سارش با پدرها میرزا میرزا لیسم سرما سه داری و هر -  
و سه ستملی و طبقاتی هستند و این دلیل است  
که کوییسها با این صفت و مادا کا، کا، کا، کا،

اً "حلاّلگر" و "مذاقلياً" "خواندن سريپرسنت" سهور سهار اً "حلاّلگرکار رجا به حراج سادگردد" د ر سطا هر اس هابا سی روردو شبيه (۵/۹/۲۴۵) اس درست سود، امن درست اسکوئه اميرپرسنهاد اعلاءی، و احلاّلگر سهاب ماستند، اما سايوحه جو شرط موجود در حاممه (كه معمولاً) "مذاقليات" و "حلاّلگر" سعاصر مسار و اسقلالی حاممه و کارهای گفته میشود (ما) كندر روی اسکوئه سعایه دار و آسرآ محو زنسلیخا کارگری دندن، سا درست سوده و به هدا سب مساواه فرسه مزید، همچنان که سهیکا بسطا هر اس سروون ارکار رجا هاس کار گران هم سرمی اور هکدار اس می سیدا سیدکه اپین سطا هر اس علیمه کار گران سا زردار اسقلالی اس. سا گند امامی کار گران در سلیمانی ب خود علیمه اسکوئه عبا صربا سی سر حموصت "صدکار گرگی" آسها ساد.

ب۔ سکاٹ میثب: ۱۔ سطاھر اب درسیروں اکارجایہ، اسکو یہ سطاھر اب عرصہ مسازہ رہا اور محض محدود کارجایہ سے میان مردم کاسدہ و موجب آکا ہی سائنس سائسر کارگران کارجاسہ ہا اور علیل اعماص اس کارگران می گردد۔

۲- خواههای "نظار سرسولید" بس از اخراج سرسولیست، کارکران دمدمی خودست را سرسولیست محسن از کار راحتران مسنهده می گردند. این عمل گذشته از آنکه سعی سهروردی نکنند لذتیها مکرر است، رکر- ان راسنگ سدوان و کارآسی خود آگاه هستمی - گردید. کارکران در عمل می سیند که مسیو اینستد بدون سربرس خود سرسولیست را مگرداند.

۳ - سوا و گذاشیں سن کا رکران و سوپریس :  
تھا و سکھ سورا سہیگا محاکمہ و محاراب میان سربریس  
وک رکران سا آگا میں گدا ردوا ولی را اخراج و نہیے  
نیسے سہیا سے اخراج رکھا سے مکدیا شرخوی روی  
کا رکران میگدا ردو سا ب سوچودا مدنی بخنہا شی سبیں  
آسنا و سالاریں آگا ہی طبقاً تینا م مکردد ۱۔ بیس  
سرخور دو گاہ سکا رکران سنای دادکھا کا وکران جے  
آگا دو حما آگا (شتر طکہ مردو رنسا سند) ہے ریسک  
ٹھنڈو دودہ دار اسی مسافع مسٹرکی ہسید درائیکو یہ  
موارد سا سی شوہر بخورد ما نہست سوپریس ان  
وعوامل کار فرم ا درجت افتاد و ترد (دراییحہ  
اخراج اتمہانت و درود رکران سا آگا و فربیت حورہ و  
کا رسوبیحی و آمورش این سکنہ کہ مسافع آسنا در  
حلا س و بستہ اسی ارجوا سنتها و منظوع دیکر کا رکر  
ن اس و سه حلا بت ارسپریستها و توں ا مل کا رفوما!

صفحه اول صفحه ۱

هر مان سا سورا ساقلانیون که موئست و سیر و هار  
میر اسی و هچومه مندیک ها و موسات فر هنگی روز -  
سا و کسا سخروشی های متزی و مردمی ،  
هر مان سا دسوات علاط و شادیه مردم که  
که موئسها و سیروهای اسلامی راه همچون سا واک !  
سا ساش و تشعب کشد، آفای مهدوی کسی سربرس  
که مسیده طا ط اطلاعه ای مسدرج در اطلاعات ۵۹/۳/۶  
حس طرح جیس حوا سهای ارمدم یعنی افزاید که  
جیب سا سا ش و سکب ، اس سا علاط - مه مه

# کاربرای کارگران، زمین برای دهقانان

معنایست د روئی، بیوس تهاووزکارانه اسرائیل علیه حلقوهای عرب :

## بیروز پاد مبارزه انقلابی و عادلانه خلق‌های عرب

سلطان سیبوده‌ای در داخل فلسطین و حارج از آن نا  
ددودرداری سارادست، سینا را سکه‌دروگران رسانید  
ساز سرسی، ساسحای را محبوب ساز برخیش  
کل خود علیه فلسطینی‌ها و دیگر خلیعی‌ای عرب سویژه  
رلسانی ساده‌نموده، آری سعاد رهمه‌دا سپیاسادا ب  
آه اسرایی امی های قوارد داطم سارددید.

امروزه طلای های عرب همچنان با سردي سریوس  
سازکار خود را اشغال مسلحه سوده دای و حریما رهبری  
سکریپتین طبقه اغلاقی سعی طبقه کا و گررا همی  
سوی سروری سد اردو رو شوهد، صحیح ساسی از  
فروپیش روحه اعلانی (علیرغم کسیها و حسابات  
های ساسی ساصلخا رهبران و مدعاون مازده صد  
امیرالاسسی ادرسو دهه های عرب بضم سعی خورد و  
صارد ها حسم آدا را نجاح را عظیمتی ادامه دارد.  
ما در فرضی دیگر همچوی سنهای بورزوای زی عرب و  
سروهای ساسکریتا راه حوا هم کرد و هم در بررسی  
مخصوص کنکره احر "الفتح" کدد روزه خردا دخواری  
دردمی پاسان ساقی و حاوی سررسی مسیری که طی  
سال کدیسه اشغال فلسطین ساخته است سودجنسی -  
الامکان سختی سه حوا سدگان اراشده حوا همداد -  
درنهای اشغال حلیفی ای عرب ، سیروزیها و شکننهای  
آستانه ای های مابدود رک ایست .

آشخه دار اسراطه و طبعه میرم جلعته های ما سمت  
نمایند سدریع ارما راه عاد لاله خلعته ای عرب و در  
نمایند آشها حلی تپر ما ان فلسطین مساده آغوش  
ناروکره جلعته ای رحیمک و همیرا ان اسران علیر غرم  
سل سوار حمیوری اسلامی ایران، همواره دسته روی  
بللاسون عرب سارسود و حوا هدسود، سردم سمر ک  
با انسیا علیه میرا لسم، صیبو سیم و ارجاع سا  
سروری سیاهی و آرادی کامل فلسطین ادیمه حوا هد  
با بیت

اے... وئی ارٹھبے دارا! احمد می سادکے  
دروغیاں سو روا را پس برآ ب مکد و سے  
کا رکراں می فیبا کدھ "جا معدسوہ" سو روا را  
خیر حا معاطلی آتا سی پوسا ساد زیرا در  
آسمو اسپا طھا۔ سار جا ب۔

امروزه چنان سرماید اداری و اعتمادی کارکرده است  
اسباب اعمایی اسکرین حاسب ایمپا در سرمهای  
داری را فلیچ ساخته، آرایشگاهی سرکرده و دهه  
و دهه میلیون دلار سود ساز دارد، حساب وارد  
مساود، ارجاع دستور و مهندسی! امروزه دلیل این  
اسباب آمریکا و مدرسه سردر طبقه بی طبقه کارگر  
حساب آن آبد در چیز اعماقی کسرهای ،  
طبقه کارگر سرروی خودسی منزد و درمی ساد کدکه  
شوان و مدرستی درخوددا ردوه محبی در طی همین  
سواراب و سوارگردی سایلنس سرمهای سمعه دکتر  
وواس مدلخانه و حماقی و اسلحه دولت حاکم در

حدم بطا مام سیما رگره سرماده داری اس .  
سریا سدن اعضا های دراز زمین سو ره ره مام سی  
که مو احتما دحال بین نبروهای سلطانی قدر ب حاکمی -  
گردد، ب پرده فرس و رسارا ۱۱ - دیگار سو ره سرماده  
داری و سوره و ره سارمه سه سوره و ره در مقاله  
با معا و مس کارگران، دیگار سرکوب خود را سکار  
۱۱- در صحنه

سخمه‌ی شن (۱۵) حرداد (مداد) است ماسه‌د خمین  
مالک‌د حکم بخوار کارا راهه اسا شل علیه‌له حلمه‌های  
بررس در رسال ۱۹۶۷ صیدیوسوسیما سا پیش‌نمایی سدر برع  
مرکا و دیگر هم‌سمایان سه‌سومین حکم بوسنه  
اللاسه و سرکوسترا به خود علیه‌حلی فلسطین «محضر»  
بوزیره سرتزیس داد ملایم. بولندگارا به ویسکاره

مثلاً ملحوظاً على ملقطين راكدة سار آغا رسدة سود  
سرى همسدما بودكىدا آسيسا سما حاک ملقطين را  
آسما خال حودر آوردىتسا اسما عصبيهاشى ازجاک  
بوزه (ارضا تاب خولان اوحاک مفر (حمر اي سما )  
لوسىدىمىدا و بى سرخىما سەخلچىهاي تۈرىپ و سوئىرە  
رسەپىأى مەرفى عىد! لاسا مەرۇدكىرا خاسى 'درىرسەد'  
اسرا سۇردا و رسد، مۇسىدا ساي خودىن ارجىك روشنى  
سرورى 'موئىن و حەمكىر' سر: شىل كەقەتىدۇ: 'مس  
غۇرسى اسپىۋار مەكمەتمە سەككائى اغوار رېك خەممە  
عەندى رەردا و رسىدا تېر، رە دەلمەن را اماھىسىد، ".

سالها کند و میتواند تهرا ماسه طبق فلسطین  
دکتر حکیمیان عرب بردها اسرائیل و حما ماین  
سیاهی محقق و احتمال شاهی اسرائیل میباشد و  
پیش بسته ها کو سلله ریحاع عرب حما ب واحد ای  
مدد در راداد خانه دیگر دیویس مصراو ارشل  
میریست ۱۹۷۸، سوروراژی و ایستاد مصراو دیگر  
هم میان ای ریحاع عس در مصراو دیگر کورهای مبطده  
من رائکنکرکو - حلی میظیش در اردی (سیا میر  
۱۹۷۹) و حیک سخا لاد اخلي لیمان را دار که دیدند  
میسا داده میوسد. پی رائکنکرکی ای ریحه را  
استکر میتواند و میظیش را ساخته های سرمه ای  
احادیل دل فلسطین طریق طی آمر تدبیس  
لود کشیده در ریحاع سر رائکنکرکی میباشد و  
عس را ساخته دامی خرد کاری میگویند میگویند  
مدددها ای ایلار، ای داده میباشد و میگویند

اپری دو حسین کا رکری اکلسان ساری مسعود  
تیغہ ب ۵۵۵۶ کا رکری صائم سماشی ابالاب مسعود

بریکا کارا و اسال حاری سروچ گردد و ماء  
د طول اساح د و معلو د ۷۰۰۰۰ د کا رکری هان نعیت  
لرا د و آمریکا ارطلاوس سرس اعصابی  
وورا سرکار ارکردست در سریل سرکار کار فلکار  
جند سکما دست به اعصاب رید و در سرمه سار  
سکما سوری سطا می مقاومت بولادی راسما سس  
دا سید.

اگر حد همداش اعصاب اساد را ای حصلت سای  
سوده و عموماً در جهان رخوب این مصادر اسیدولی  
بن ابر خودسان مدب بحران این مصادر چیزیان  
بر ماسه داری می ساد. امری که سوده های وسیع  
از رکری را سکل معا و میسا پدیری بهداشتی  
ظالنی ای سراسر محدود است. عمق بحران و سعادت های  
ایمان امری انسانی آشیانه آشکار ریسک دار که ما  
با اعصاب سیاسته کار کردن و زیستگیان سوئند  
بواحدی کردیم در این کورکه ۱۹۴۹ مسعود  
اعصاب کار رکری سر جسمی ای حریان بنا شده است  
سورور ای جهانی سر ای فربت ریختگان بپوشید  
بن کشور ای ایوان «حامدہ اسدال» معروفی کرده  
است، ای ای اعصاب وسیع و یکسرده ای سربا سد،  
بر اعصاب ایکر خدا، مصوب این مصادر برخورد دار



## نگاهی به چنیش پین المللی کارگری

بجزء اضافی جهان سرماده‌واری در سال  
عازم مسحی راه‌گذرسنده‌ها هدکرد و رکود  
اضافی نهاد. حدیث مخدوم‌ها هدکرد و سخنگوی  
کهور سال ۱۹۷۹ رسماً اضافی جهانی از ۳۰ سواد  
س فریده‌را - عازم نهاد - سول می‌ساده‌اگر به  
سکرسن سحران سعادت‌سکاران کشورهای میکل  
در سارمان همکری و سوسنجه‌اضافی (O.I.C.D.)  
- ۱۱ - در سال ۱۹۷۹ حدود ۴۰۰ هزار نفر  
مسرحد، این رفیدرسال حاری سارمه‌افران خواهد بنت.  
سرای ملائمه‌ساز خبر و پرای متناسب سایه  
ساکرسران سعی رشد و نهضه نهاد و روابط مذهبی کارکر  
و مد و ملت خلیفه - خبر ۲۶ کوش-صفی سرماده‌واری  
و مصر - نیمی رحله‌کنوهای ما را مریک اروپا  
و صرب نیمه آمریکا درگیر - و در سری کرسن  
همکری نهادی در بس کردند - این گرد  
- هفت سی سی هشت سی سه میلادی موسیان - خواری  
رفت بدباری گوستین - سد سخن - سری  
کردند - این سی سی هشت سی کری مسیرگی محمد - خدا ر  
حکومکی اسلامی - رسی رسخ - رسخ - رسخ دادند کارکر  
و رحیمکاری - این میان - رسخ - رحیمکاری - این  
کسری سی سی سرتی لمسی من - سی کدیولید معمیت  
ما میان ویکرسن رکا لاما در اس کشور جات همکا هیں  
- سد زور - سد سه - حراج این ستمه محرمه  
اخرج سیسی کارکان خواهند سخنواران میوند  
با کارکر - کارکر - کارکر - کارکر

۱۱- اس سارهان بسکل ا. کسر نهاده امیرالمسی  
حضر امیرکا، کشورهای اروپائی و کشورهای سرمهاد

حکم قسی علی رخدام مخلص سد : - که  
بررسی مکوشاً عمال بدهشتی جود. دیدند  
ندا ماساد اوان و نشان سرور دست حسن شیر  
موحد خود دست .

تمله به ستون اعزامی

۱۹/۲/۲ - ۸

کردیدهای کوچینی سادگر اس روسا هدمسر  
دلارا هدمسرگان بیرون اس ساروهای مدخله بود  
عروس و پسره هفت سس سمرگان بر مده ،  
سو عربی زیرم در دند کلومبری ماسدا رومار  
موده شنی خ راحله در اس سردد و دوده<sup>۱</sup>  
اک سید و حبس ساک دست سمرگان اشاد.  
د مین ب - اس سون بیوردا حسار سمرگان  
تیپون ن تر کیرفت سون اغرا می مکورا رگردا ن  
۲۲ سکر ۱۵ رمه فروز سفرمهادهی سوان داد  
هرمزی سود که محض مدکور رس اور حمی سدن دست  
سمرگان اسرسد در اس درگیری سعادتی ا ر  
طامان کسد و سا محروم سید و سیرا فراد آن سه  
سار سمرگان بیرون اس درآمد. طی اس سردد  
حاسه آفرس ، ۷ س سمرگان حاشا حلخی کرد  
سماهیا و ماحده اهی، عمر حسینی، اوسوکر سخوری .  
حیا س مفی و نشان ساعی اس ارکوهله، سکیرار  
سمرگان دکر ا و گ هوا د رما موستا سید و حبدو  
۱ سردد که محروم ستد.

بيانه، عرضه نبرد خلق و ضد خلق

درستور آخوند که مددگاری های محلی کرد  
- سان ساعت مددگاری را سانه را سینه بخود  
را آورد - سانه مددگاری سانه سندک درود و ۳،۲  
مسنون کار را مددگاری کردند - خوشبخت میو رسی  
حسین از آن را از حکم برداشت - مددگاری مسی دیگر  
موقوف مدور و مسدح حل - دکار کرد - خردگری  
ماکی ادان سودگرد رسی - نیسان دنگ میو کوچک  
مددگرد خلسو غرمه کش میو سرمه و محبوب سنسان  
ن - سانه مددگاری را سانه - بعد مددگاری ورد  
کش ساردن کیا میں احمد ر - ظهیر مددگاری - و ششم  
امدادگار مددگار - جهادگاری رستمچه - سانه  
ن - سانه کشیل مددگار - لیل سویش سانه  
بر - خردگرد سندف ن شرمنده میو سرمه مسکو - سانه



## خلقها ومن شئ الله ملئ

کس نه له کورد مردوه، کورد زندوه  
کسی نکویید که خلق کرد مرده است، خلق کرد زنده است!

مختبر موده مورداً سانشی از سر و ساداران بر این  
ترنندگان معاشره شده است که در آن تقدیم طبقه بندی می‌گردید.  
سایه‌های خدیعه از اینها دست گرفته.

بازگشت آوارگان

22 5 2 -

مس رئیس رورسته روحوس خلی کرد و کلوله -  
برای آنها سوپر مدھلو، سینتر، بروردر آر، مسی  
مسی سدرسی آر کی دسرسای جودسون، مسی  
سرس دزی هنر راکهی سکورس سرسید، بردم سدرسچ  
وارد سیرسند بست و سکرنس خود، روح  
حسس سارادای رار دیک لدیورس ان شده اند  
سروحد و سید، شده همچو سر نیشن رورسوی که از  
دو ساره دستور ترا دسته داده دیگر سیر سخورد سا  
حاکم زره حبوبی اسلامی را در بررسی و سوده ای  
خود شناک کرد

حسن خلو کرد سوهد حودرا سا خیس دیکرا سک - مد  
امرا لسی سما پی خلبانی سر خدھ کرده و  
آن ساره هم سیر سوهد دهد، سه مونت های سار  
هم سیری - سل خواهد دیکوسیت س و چند  
مه در این سل خلبانی اسر و خلو بیوهای کرد  
ر خود حذف سر کرسون دهم.

خلی که سه سار - وسل غا موسه خله های  
رسکار سک ارجام و سل خل سما داشت - دیکر سوھی  
سر و های سی کرد سار، راده ده و سر اد رهم  
که - سل خروزی ساره هم سیری خواهد رسید  
اسک می خوده - سر رسک رهای سی لشی دار - سه  
خلی کرد رورسته رهای سی خلو دیگر سوده ای  
دیکر سی - که سه سل خلبانی کشید

انقلابی

三

سازند سایی رومانی میگیرد بحثی  
نمیگیرد هرگز را خواهد داشت که درین دستور  
کردد رسیدا دکاهی را میگرد و هممه نهادی  
نی اند صبا کوهدله بدور طلاقی میگیرند  
برخ مو مع خود را سالداران و سطامان  
سرده نهاده باشد مثل رسیده ای رای صبا رسیده  
کاریخ کشیده سهار سلاسیون خلو کردن علاوه  
برد رسیده در همین طلاقه سهاده رسیده کشیده  
بی ارجمندی زیره ساده وی ساده وی

حناستی دنگر

22721 - 2

۱- سندھا - بیو خودور رسن و ساند ر جسی  
سندھ، دل جادھا نی او رکان میر کمید دد -  
در، ملٹر اس وور - مدد موسیٰ ارس حا -  
موسیٰ، مرستگ و ملد راست مسونہ سو و های  
مرکاری گداره میں س سود مورد ت سبب  
مرکار مسند و مسین، م تھا میں رک روپنل ارسیں  
کار، س سمسار مسیں حد لان و مالان را  
کندھا لان، اکا کدد میں سید و دوس نکور جھیں

## حمله به ستون نظامی و شناسائی پیشمرگه‌ها

میرورسوسی کدما رام چندان سود بورده باشد  
سیمیرگان سیمیرگان نه رکوب سیمیرگان سیمیرگان سیمیرگان  
سین مدو سکت ادد که طی آن ارسن  
سخنمن حرب بمحسنند ما از آمار دشنه کمیه و  
رسنیه ای سخن اسب طلایی مدب سما مد در خسرو ره  
مهد - چندانه - همو سیسرا اسد ارسن و ساسدا ریده  
میر اردیه بمله بسود جرمان و آن دیده میر



# حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقه است

## سازمان مجاهدین (۳) و چنیش کردستان

نهاد مناطق سرويدواربردیک سامسائل آسما  
سود، آسانکارنیسرای سما پیچیده و غیر عملی  
اس؟! وا ...

- سارمان معاہدین می گوید: حورود عمر  
فعال ما علیبدومی سبزادو آن استنکه سازمان  
محاہدین "دارای ضعف و کسودکارها و موشولین"  
بس و سارماںی "کوچ" می ساندوستارا یعنی  
بسیط ریشم از جذبیت دادا شی .  
اول ایکھ آتا یعنی واقعیت ندارد کہ سازمان  
محاہدین درین شرروهای انتقلای و مترفی برگ -  
ترین سازمان سودہ، دارای وسیعترین پا گا مسودہ

عجالی سه مسائل مرسوط بدکریسان سکردها سیم  
سحاطرا سیمکه که این مسائل سجدههای آشنا  
و اعمای مسائل مرسوط بدحکم حاره در گردشان  
پیشده است؟ سیطره "مسائل سجده" سارمنان  
محا درس سی راه ده و روسی می‌ساید.

تجویه موضع اتفاعلی و حرکت راست روانه  
کفیم کسارما ر معاذهین سسته حسنه کرد  
ستان دارای سرخورده اتفاعلی و راستروانه اسب و  
سمحه گرفته شنکه اس سرخورده شن، مشی متزلزل  
و با بدکرحا کم براس سازمان اسب، حال سندیم  
رهبری اس سارمان حکومه در بی بوجه سا  
احرافی خودمی شاد :

مطابقین می سوستند:  
ما از آغاز مسئله مطلب هارا گفتوی المعاذه حسنه  
لعلی کرده و ساری سروها را سرا رسانی  
های سخنده‌اند سرهش مسدادند. ساهدا س  
مطلوب است که ما خود رهیختک ارسواند. سی  
مرسوز راه در کردستان و خوشکش محراب جه  
سلوه‌سپاهی دستور مکری داشتند و دار  
اسفار راحی سک عموم علیه سا مفعلي سرداران  
رسانی اصرار گردند.

(هدا ری سرما مون حب روی و حب سماشی)  
سارمان محا هدین درس اسطی که حبیش کردستان  
درا علای خودسرمی سردوبسما کا به علیمه رحسما  
حاکم و میرسا لسم سمشی هی رودودرسا اسطی کد  
پس اره رهار مان دیگر صورتی است ساسروهای اسلامی  
سطور حمال درا س میش اعلالی شرکت کرده و در  
هذا سی و اسما آن بکوشید دری، آسما سیو -

رهبری سا زمان مجاہدین از تزوید ها صحبت میکند، ولی توجه اصلی ایوه «بالا» و «عنایات» «بالا»ی هاست. رهبری مجاہدین از پیشبرد انقلاب صحبت میکند ولی ارزشیوه های انقلابی تحقیق اهداف اتفاقی اسلام استنکاف می وزد. رهبری با این ارخود مختاری در کردستان صحبت می کند، ولی اجرای اثرا از بوزارهای حاکم خواهان است. این بدبدها اتفاقی نیستند. این موارد بیان یک نگرش و تاشی از یک منه، نایبکر و مقتنلزل می باشد.

ماد رشته "مجاهد" بارهار. هادر ریاره چماق بدستان حزب جمهوری اسلامی افشاگری دید ماین امرد رستی است. مایارها و این راه را جمع به انقلابیون مجاهدی که مورد ضرب و شتم ایشا شان "حزب الهی" قرار گرفته و یاختی زخمی و شهید شد ماند، مطلب افشاگرانه دیده، این وان امرد رستی است ولی آیین سا زمان مجاهدین به میزان همین افشاگریهای فوق دریاره جنبش انقلابی خلق دلار و کردستان و صد ها شهید او، امکان درج مطلب نداشته است؟ وی آیین این جنبش قهرمانه از نظر مجاهدین آنجستان اهمیتی نداشته که بپوسته مورد حمایت قرار گیرد؟

ای بوده و اما مکانات سکللاتی گستردگی در سطح  
سران برخوردار است؟ آیا این واقعیت بدارد که  
جودسازان معاویین از طریق اختلاف و از خطا سرمه  
محاذ «سوسه میزان نفوذگشته خود»، مدر ر  
سار ماده‌ی بدن سرا سری شرسه خود... را مطرح  
نمایند؟ بنابراین آیا وارویه حلوه‌می  
هدوچنین راسته‌ها نمی‌گوند؟

مینا سمکه و سعد ارتقا می‌آمد روزه شیخ حاکمه  
سما مها کو سدما دسا ورد های استلاب را سا سود  
کند. سا وردیا جن کا سویه ای استلای میهن ما و  
ددربه روده ای در گردسا نیز، سرگن هرا و ... از  
اهد اف عاجل رسم حاکم سوده ای، زیرا و می دانست  
که هر مرسوی که حسین وارد آورد، بک کا مدرچیت  
می بیند. می بیند طبقاً می خودید اساسه است، بهینه  
حاطر طرا کشیل سا ها سدا ران و ای رس مخدلقی، پنه  
مردمها زرگردسان و سروهای اعلائی آن سورین  
سرد. هشت حاکمه حکمی صد سلاطین راعله حاکمی  
کرد آغا رکرد و طلی کرد و سمشرگان دلاروا و ...  
مها و مسلحه روری آوردند. می سینم که مطلب  
خلی ساده است: مسلمه حکمین صد ائمه و ائملاط  
اسد. جدا سبلان دربی حمه کردن ائملاط و سبا زیستی  
گردنی دستا ورد های سوده ای می سا بدوا سبلان سرای  
سغای خود و برای رسیدن سحقی عال داشته بود. در  
همان مسائل فهید من سهمها و سلطانه و اعمال تپیر  
ما اقلام می بردند.

دوم پنجه سازمان معاهدین از حادفل وظمه  
ی کودرها ل حننس کردسان داسنه است طفره فمه  
س . این حادفل وظمه عبارت است از اثنا  
پی برو و گشته هست که کمددکرسان و پیشانی  
و حماحت معنوی و سیاسی از انقلاب در کردسان . آن  
کی المثل نشریه محا مدققا درسا حرای این حادفل  
و طبقه نقلالی شیوه است ؟ مادر تشریه "جاهد"  
ارها و برا رهاداری و حمایت در سراسار حرب حمه و روی  
سلامی اخشارکی دیده ام مواس امردرسی است . ما  
باز رهاداری و برا راه رام به سلاسلون جا خدی که مسورد  
حرب و سما و اسا شان "حرب الله" فرا و گرفته و با حسی  
رحمی و سپاهده شد ، مطلب اسماگرانند دیده ام مواس  
امدرسی است . ولی آس اسرا مام معاهدین سمه  
مسزان همس اسماگری های قوی در راه حبس  
علالی حلی دلارکرسان و مدها سپیدا و امکان  
درج مطلب داسنه است ؟ و با آسا اس حسین فهرما  
اسه اه ربط معاهدین آسخان اهمیت داشته که

سطرها و اعیان عسرا رسخوردهای عیررساندگانه و در  
بنینه فرست طلبانه هوی می ساد. در حقیقت رهبری  
سازمان معاهدن می کوشاند نفعال سیاستی مبارزه ای سی  
خود در مقابل حیثیت کردستان را باعف خلخله و  
کسیده های سکلاری سوچی دهد، حال آنکه علی است  
علی بکل چربیدگیری ایست، این علت عاریست از  
همی سایر چارک های سازمان و حرکت مماثلات جویانه  
رهبری این سازمان در مقابل هیئت حاکمه رنگاعی است.

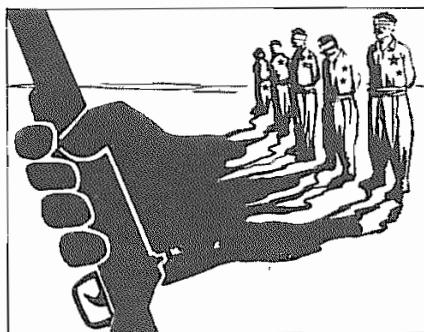
سنطرهارهشري سارمان محاهدین اس ماسائل را مي داند. لیکن آنچنان گرفتار و حركت ابوروبو- بيسى ولسرالى است كه برای توحيد حركت مفعمل خود و سیزده توجه معاشر سا جهودا "تالاثي ها" و اتعاب روسن و عربان معا رهارمهلى و طبعانی را "سحده" و خود را زا راه تحلیل سک مسئله ساده مساوان طلوه می دهد. علاوه بر اس ما ازرهشري سارمان محاهدین طلوه می پرسم اساساً مکار سلاطینون از ماسائل پیچیده مرسوط به معا ره طبقاتی و ملی هراس دارد و سوا از رسیدگان سداخ خودا ری من سامد؟ "گر شما و اعماق اسائل را پیچیده می سايد و به ره رضا بی کوستهای اقلامی سر باور دید سار جوب

سی - تقدیمی را - رنهی یادداشتند و در میان ارشک فعال در حسخ طی کردیا را رد سارمان مخاهدین دری می آسپ که کوبید تا زیها رسیده موردو اسعادا امیرالاسلام مراری کرد حال آنکه درست بر عکس ، سینه رامی که هم تحریب هدایت فعال و اسلامی اسلامیون فرا را رد ، امکان حینی ساخته های امیرالاسلسی را میدا می کند . سینه رامی که حینی ملی ارطبوی سرک فعال کوسته ها و اسلامیون دیگر از مان ساخته و همچوک اصولی خودا داد مددعه بفرض حبیب سو ، اسفاده های امیرالاسلسی ارسیں می رود . در واقع سارمان مخاهدین شفی عصر آگاه و مقتضی ساریحی سک لاب اسلامی را شورسره می ساند . گواهی حسی که دوران زرک سروهای اسلامی باشد ، میتواند حسی پیروز مندوها و مدرسا را سرهبر سودا رسیده ای امیرالاسلسی و ارجاعی باشد . رعکن آنچه که رهبری مخاهدین شنیلیع می کند ، سترنما کیا رکسیدن ارجمنش ملی - طبقا سی خلق کرد ، معنی با زگزا ردن دسرا رتھاعون و امیرالاسلسها ، معنی پرسه زدن

سازار اس زمايى كەزاز مان مەھا دىن در  
سەطى همچوں كەردىسان وىركەن مەھار شەرىۋىكىار  
سى كېرىد، بەسىها امىحارى سەھابى ئادىلەكە  
صەرسەنە ئىتابلاب ابرا ان اسٰت وابس ام رەخوا هىم وە  
خوا هىم كا مى درجهت تۈرىت سورە ئازى حاكم اس .  
حال مجاھىدسى دىرسۈچ سەقسىزمۇد، حىس مىگۈسىد :  
”اىشكە .. كەفسە ئۆتكەدران ماتقى هىش سا -  
بىندە وۇعىدىدا رەسم ئەنۋەتلىق ئەنۋەتلىق ئەنۋەتلىق  
ما مەھسۇپى سود... اما اىكرەپ بىندىكى اس  
سەرى مىسائل ارىكىو مەعەنە كەمىسۇد كادارھا و  
مەئولىنىڭ سەرا مان كۆك اىغلىلى ئەرسوی  
دىكىر سەخە كىسىم، سىخە خىرى خەلسە ما كىرده -  
ايم سەخە دىسۇد . (هەمانجا )  
اين سەرخوردا وەجىك مۇھىكىرى قىرمىت ئەلىسا بە  
و سەخە كەرسە ئەنۋەتلىق ئەنۋەتلىق ئەنۋەتلىق  
- بەجا دەسىن اعلامىم، كىنندىكە ئۆتكەدران سەرخوردا

ساده بررسی دیده طریق "سام" مادرست - میداد سمت  
که هشت حاکم درسی اعلام "جهاد آب الله حمیتی"  
علیه طلب کرد بدرسی آن سودا در عربی ۲۴ ساعت  
حصت، کردن سان را سودا کرد، لیکن درس را برخواه و سه  
کوکولایلیک کرد و اغلاسون خان سرفکاوکس  
محی خورد. این سکت سودکور رسم و آب الله حمیتی  
را از آن داشت اما رسایصال سام مادر کرد و  
در مادر کی خود را در بروده عالیه ساند.  
سوده های آکا در کرد و سودوسن ارسن در -  
کی ساده کشیده سام و عده های هشت حاکم درسی  
تین سیست و سیچوحجت ناید دان دل سب و لای  
سارمان معاذ دهد شورکه هشور اس درسی آس سا  
سوده های حلی را در سوهوم و آکا هی سکا دارد. خود  
سارمان معاذ دهد سدار ما هیا را رسال "سام" محبت  
ار "عرس سلسل و سوب و ساک و فاسوم" آس و حون  
وحی سخون علیین مردم کردمی کند، ولی در همان  
رمان هوای احری از مقادی سام است. هشت حاکم  
سازمان هشت خود را در کرد سان کسرا مکد و دهای  
رحمکان را سام های آمر کاتی سوپرا سمه  
سدیل سوارد، ولی خوره همی معاذ دهد حس  
سب نا لایتی ها انجدادا سدوا را حس هشت حاکم  
خواهان مدرست سام خوب خود حسما ری حلی کرد  
هم ساده

سازمان معاہدیں اور آسٹریا کنڈاولہ سورہ و رق  
دھمھا سا ب رسیار مکند در دشی خل رے پ صوح  
خنا میں سودہ دھا طفرہ دسرو و دسی سرو و رق  
بی بی سرو ای سودہ دھی سے د حجو ۔۔۔۔۔ و  
سے اس کنگھ حجت سے نوبت میں کے ۔۔۔۔۔ و  
کی سرو میں شلی، عوستہ سو سودہ دھی رے پ و رق  
سادھمین سدلن و سکوند د دشیں و حسینی  
سنس سودہ دھا و راجح ر ساحبوں رحیمی سد ۔۔۔۔۔  
سما دھر سدیسی ی سے میں نکری ۔۔۔۔۔ و  
عنق درد، سلکنڈ دھر ر حجو ر سر ر کند  
حال آنکھ میں سے سعس حرکت ر دھد ۔۔۔۔۔  
سودہ دھای شنب س دو دشی خل ۔۔۔۔۔ ح سر جسوس طوفان  
سو اسای سودہ دھای شنبی و د دکوریں کند  
صمع و شناس سودہ دھای آگ دو سر و ۔۔۔۔۔  
برسا سدرا وی و اس دو سا دار کیوس اے و سر دی  
ضدادا منی سما دی طلی و ورسه کم سر جسی سے ۔۔۔۔۔  
بوا سدھلی را د مرعن سو طنداها اغوش کریں و سو ام  
برویی های هنف حاکم دیر راحد کا رو کہ مسامانہ  
بامان معاہدیں حلی سا ساس لسرا ل مسائے و  
بومہرای حودا ساحم بس دهد آسحا سکد سکر جمی  
کن العمل مخالف سودہ دھای سر سورا و سلیسی خود د ر  
بامان راس ترکل آسکاری سر کحمد ش و م  
سوسھاتی اڑی زادرو و سا دھای بدھد ۔۔۔۔۔



مسئلہ ملی اعمال شوسمیم طبقہ حکام و رجسٹریڈ مختاری  
تحت عوان بخوبی مختصر کیا جائے۔ حال آنکھیں برو  
اساریا اس کھاد می سا سادھو دھاری راحبو  
بیندو جی سعین سرسو سو را افغانستان سپتیں سپتیں  
لئیں جی موسد :

ملکیں و سرمادہ دار و خردہ سورہ راری سے  
مطہر جراحت اس اسارا طبقہ حکومتیں  
اسحاد افسرا و سی کارکرائی ملیہای محل  
ارسات سعکری ملی کھنڑا حکومت و  
پر سلطنت اس اسما می سماں۔  
(قطعہ مادر اس مسئلہ ملی)

و اعیان حا معنطه سای مادروره احمر و  
سایس ار سحابی سورزواری در هال مستنه مانی  
بن حکم علمی راسرا کار دیگر اساس نموده  
سد و خون طغیه ای کرد و سکنی محرا و ... مارها  
پای این حکم لیستی را اینا کرده است. ولی سارمان  
محا هدنس سهی سواند اس حکم علمی را در کرد. این  
سارمان از آنای مهدی سار زکان سب و پرس  
محبوب درور آب المذهبی وکی اوسما ندکان  
بر حسته درور ای مسحوا حدکه دخلی کرد و محسنا ری  
اعطا شماد، ارطوس مالف آمر منته کردسان  
را حل کند و سخنا سلیمانی طلی سحرند ا  
در اسحاس کغمی تکریل ای حاکم سر  
سارمان محا هدنس و خوچه سرلر آمروسا سکرمنی  
اس سارمان سوچوچ عنا ای کردد. در اسحاس کد  
درک ساقع و عمران سلطانی سارمان محا هدنس ار منته  
جود محسنا ری طغیه عربان ای کردد. در جذب جمیں  
ام رسانی فی دهدکه سرمه های سترسولری و ارجله  
محا هدنس مادر دش محل اسلانی حق خود مباری سید  
و درک آسان ارجنیا رحوب سور و رانی درا سرسرورد ،  
آسان دری خود مباری ای ای سادکه سرور و رانی  
اعطا کند و سلاده همی امرسان فی دهدکه سینا  
برولی ربا و اسلامیون که موسی مدرو و سوتی  
می سادکه سای حل مستنه ملی را دارد.

سیاست امروز ادامه سیاست گذشته  
آسانس کوسی محادیس در راسته ساخت  
کردسان نعمت‌کرده است؟ ساندکونتم کسان  
امروزی در این مودهای نوکری‌سالی و هدایات  
کسیده‌لی است، بحاجت می‌سویست؛  
نه انتقام‌مذاق‌خداوندی ایران. حل اساسی  
مسئله کردسان سایه و سپاهار کروها خواهد  
بخاری داشتی و در عصیت‌سازی خود نیست  
بررسی مردمان در آن حظه سوده و از طریق  
ملی سعدی هرچهاری سرمدای سما و رسمی  
۴۶ سال امام جمعی میرا -

می سوزنی می سیستم می مدن ک رمودر زن  
طام مسلط و سخت بورزو اری حوا های سرتراوی  
چ خود محاری می ساد و خواست اسلامی حلوبکرد  
ا راس ا وعد و عده های هشت حاکمه همچو مدیر  
ی داسد! حال آشکه مدای اسم ما هیا اس ارتسا م  
هشت حاکمه هستگری و حنا اس خود علیه حلوب کرد  
محسان ادا مدداد.

## مشنی نایبیگیر و خواست خود مختاری

مشی نا پیگیرجا ی گسترش و هدا بیت میبا رزه  
طبقاتی، بجا بر جسته کردن تما آشنا نا پذیر  
بین انتقالات و ارتفاع حاکم، بجا رسالت توده های  
حول ایده اندیشان اندیش میریا لسم و سطوا مرماسه -  
داری وابسته، دربی خفظ کردن و کسد مسعودی  
میبا رزه طبقاتی و رواج امده آشنا طبیعتی در میان  
سوده های باشد .

مشی سازمان معاہدین برای روابط حركت می-  
کنند. اس مشی در بی رضواری "ملح و آرا من" سیس  
توده های زحمتکش و سوروازی دوبل طعنائی او  
می باشد. کرنس در سراسر دولت سوروزایی بینی مددو  
نقی حفایت فعال ارجمند اسلامی خلو در گردستان  
در جوهر جوده هم معماشی دیگر سی سوادا سه میان  
جزیی مازده طعنائی و رواج آسی طعنائی سر  
اس اس اس مشی رهبری سارمان معاہدین ارسوده هم  
محبب می کند. ولی سوجه اصلی او به "نالا" و سه  
عنای ساپ "با لایشی" هاست. رهبری معاہدین ارسوسرده  
آنقلاب محبب می کند، ولی ارسوه های اسلامی  
تحقیق اهداف اسلام اسکاف می وردد. رهبری  
محاہدین ارجومد محاری در گردستان محبب می کند،  
ولی احرای آسرا رسوروا رای حاکم خواه است.  
اس پدیده ها اساساً می سببند، این مواد میان یک  
تکرش و باسی ارنک مشی ساکن و ممزول میانند.  
محاہدین مشی بوسید:  
"اکون امسدا رسم که سارک هر سو ع محا مقمه  
رم سرای اعیا م مسامد دستلاح نول آنی  
مهندس سارکان سد مطفه هرا اهمده و در اسرع  
وقت حبای رحوب اسلامی و مردمی مسامی سرای  
حل ممالیت آمر مسئله ای که بخوبی میتواند  
سپاهه ممالک ساره ظلی موردو شهاده  
دستان اسلام ایران در رگرد بدارک دیده  
سوده" .

(۵۲/۱۴/۲۸) مورخه محاہدہ سارے اعلانیہ میں مضمون سبقتہ دراں کفاساریاں حجتیں

رهنگی محا هدیس سخای آسکه سرتقاومت مسلحه ای  
طلی کردستگیرا سه ساقاری سعاد و عقب نسبتی  
و نکس ای روحانی را اراس امر سیستم کردن، سراي  
حقیقی هدفی "سلامی" سدول بورژوازی رخوع می -  
شستند، محا هدیس سعی سوساید سیاست دهنده دساوارد -  
یا می صار زه طبقاتی و ملی و سروزی حرثی و عمومی  
بردشمن فخط سه ایکا سردمان ریحی طبقه کارکرو  
سایر پرسوده ها میسر است. بدون سوده ها سیر قرب  
سازه طبیعی ممکن نیست، و کسب بیرونی حرثی  
غمومی مسربی می ساد. سارمان محا هدیس سما  
ستغا شدر سیسکا بدور روازی سان می دهد که  
عمدا دوا فی مسوده ها و درب لازمال آسان سدارد  
همی ره طبقاتی آسان را اسرا اصلی حقیقی اهدا د

سعاد سکه سارمان مجاہدین سحق و حدمه ری  
تلخیرا را رسوزد و زای اریحاعی و دولاب اور حوابت  
ی کندا، در بربی آنس بادولب سارگرا، در "هیرا" -  
بوب اتفاقی و مردمی "حقوی حلخلا" را اور ده ساردا  
می دانیم که طبقاً مخلف در سورجورده می‌مانند  
لعل و علی، مقابله با دید، سایس به دید، دید، دید

۱ ارجمند

- سکولاری درسین شوده ها را (ما نندشوجه) حکومگی ارسا طاب، یکهاد رای مدارک و آمادگی برای ساخت محمل های سیاست هنگام دستگیری و... درستگریست.

حفظ و گسترش پیوند توده‌ای لازمه موجود است  
در اینجا از مجموعه مجموعه مفهی اسلامی کنم و  
آن اینکه اکبره حملت کسوی بار ماسیا اسلامی  
موجود است که در مورد سرکوب کوسیها و دشمنان  
استلامی سدهی کراشی دخواهی داشت. این حملت  
که موجب سرروهای اسلامی را سازمان و زیرمی‌سازد  
مساهم مسارد، متوجه و مسیحی آنها با خسین  
سوده‌ای و سعدی در اینجا موضع آن در میان  
سوده‌های ساده، بخصوص در مأموریت طبقه اسلامی و  
سرکمی حمله اسلامی مسیحیها می‌باشد. ملحوظ است  
که در هر هر سری و هدایت مسرا را سوده‌ای داشته  
است و محبوبیت سرروهای اسلامی و میراثی بر در  
سطر ملحت ایران مسماط را مسعود و مادر ب  
می‌داند. از طرف دیگران صدری روزگرور در حال  
رسانید و مسیحیان اس و مسرا را سوده‌هاشی که از  
سونه و محبوبیت سرمه کسوی در میان اسدحول سازمانها  
استلامی و میراثی گردید آنرا اکرم اسلامی می‌دانند  
 مجلس سورای ملی (مرحله اول) با وجود کمی و آزادی  
اسلامیات مجلس حبرگان مذاقنه ناشی ملاحظه  
جواهیر کرد که مساعده ای ساسدگان اول بر مسامیان  
محاذی و معاشران و سکا رسیده مساعده داد را  
اسلامیات حبرگان حدود محدود نموده ایرانیان را فسیله  
است. بسیار آشکارا اس سبودیستی شوده‌ای سبی  
سازمانها اسلامی و سوده‌ها وجود دارد. سرکوب  
آیان سردار اسلامی از کاسک مساجد مسجدی ایران  
می‌گردید و ریاح می‌سواند و از طریق ایرانیان  
بدون سرکوب حسین بوده اند (حسین طبعیه کارکرده  
دهنایان و ملایه ها و ... از در سرکوب سرروهای اسلامی  
سونی حاصل مماید، من مساده می‌کنم ریاح اع  
لی می‌سواند و مجموعه سرروهای اسلامی سوی  
کوسیها را در گردش اسلامی و سرکوب حسین بوده اند  
کار راهه ها و روساها و ... سرکوب و مجموعه سماوی  
مکراسکه سرخیه ای کرد و سرکوب و مساده مسحیان  
اسلامی و سکا رکران و دهنه ایان سرسیزد.

قہ طنہ

توسطه های دیگر علیه نیروهای انقلابی

اراس دوسموشه کشکدرسم، دوسموشه ای که آشکارا  
موسط مردووار و حواسمان مستندها میرسانیم  
آمریکا طرح حرسری شدند و ما سارنا مدها و طرجهای  
حصاراب و سعی روستکرایه شتی از حباب هشتاد  
حکمه و حبا محلی آن روسرو و دهادم، که  
هدفت آن حلمنه سلیمانی و ساسی علیه سروهشای  
سلالی بوره کمومیس ها و سورروا عاد آنان بود  
است. سلخا ساره روزی عوا میرسا نه و حبای  
را دیولوسون و روسرا مدهای و اسپهه حکومت،  
سرورا اتللاسون کمومیس و اعدام آنان در گردسان  
وا خوار (در) حوار د احرز ۲ داشت خواری کمومیس اعدام  
شدید (و) دیکری و رسداش کرد آنها و سرا حبای  
محفظه عناصر کمومیس و اسلامی از آمریکا و سررویں  
و ادارا و کرا راحداهه و...، هرچی اراس خط و ساس  
رس رحیمپوری اسلامی بوده اس. در اس حسیر میوان  
حای سای اقیرسا لبس ها راحوسی بنا هدده کردو در  
و ادعی سرمه سوان با وجود مردووار ا امریکا لسم  
در راه ارس رس و دولت اسال سیما راهلاجی و امری  
اسطام (کد) در مرودا و دلیل در کری سی خاجهای  
محلف حکومت، مثنه رود (و) با حضور حا میان  
امیرا لسم آمریکا طلرک در کری و حصران در راه  
موروا و حود دوسان رسال هوسر آمریکا کشی در  
در زن حرب حبیبوری اسلامی و "شورویس" های آن سطرو  
دیکر آیه عصوای دار و دیکر و اسیده امکلین  
حشائی (سام) حرب رحیکان کددر سرکوشی دولت  
علی مصدی سیم موسی داس ) و ... آری ساره خود  
و خحورانی خبر ابد راه ا رکابهای دشمن کمتر دید  
وا جرانی کورسی سی اوای ا میریا لسم را در  
ساس و بر سار مدهای هشت حا کمدها دید کردا اما  
سطرمانا اساس ماهیت طبایی روزنمکمی و  
رسالی که اس ریه در ساره ای ا ریطا میرسانیم  
داری و اس سر عینه خود کرد فدا س سا دکده دمی  
او ا کمومیس ها و سلالیون دیگر ا و حسین بوده  
ای راموچیج مدد، دیمی ای کد در ایل مد هشی  
سو سه و ساره موسعدی ساد و میریا لسم سر  
رمیمه حسین و اتعیی امکان ما سوروبی سر دس سیهای  
حسین را سدا ای کند.

سایر اس اکرواتیف های فوی رادریتسر آوریم راه اسقای اسید و سرکوب و مصنهای که این رورها ار آن سخن مزرودا مکان بذر و عملی است ما کاپری سکارکری اسکووه ساکس هارا ار حاب ارساع در مقا لد خاص معنی سکا موسمرود؟  
سیکار ۵۴ و ۵۵ کمدرجهب حکی داخلی اس مورد ساکنده را رداده ام علوفه آن مکرا رسملادسن طرح وسطه راحای داس هویان و انسنههرب حبیوری اسلامی در مرور داد سگاهای مدبران رساندی گذسه است؟ و مکر حاب رسخای سیود کسرای فیح با احرای اس سوط شده مغلای سیسترنر قب؟ و مکر سا لاحر دا س طرح حرب حبیوری اسلامی سرای سطعل کساندن داس کا هیا سا طه هرساری ناوسی و در مال بضم سورای اسلال منی سرسطعل کردن دعا بردا سهویان اسلامی موردموا نتیج سی صدر سریرا رسکرف و ترا رسیده که ۱۵ حردادا سگاهای بعد سا معلوم سطعل سیور کرد؟ و ...  
سایر اس سا سی سا هو ساری سا مدر مقا ل اسکووه ساکس کیا ار راحای سیسر الیم سکلای که ما را در مقا ل اسکووه سوطه های سی دعا م مسا و دساره کرد سا مابل ، ماب ایمه . و سا کسک . کارسا سی

۱ ارجمند

سطرها و موعدها حسین رویداده ای کا ملامحه مجمل  
امکان سدربراس و اس خط و ساسی اس که هشتب  
حاکمه کسویی سی ازووی کار آمدن خود آنرا دیسال  
گردد و سیه سراط و درب ساکسکی جوین آسرا  
مکدی و سایه سدت سیزده است، عین قتل از سد  
قدیم رسیدن رسم کسویی بکی ارمائیل میمکه در  
زمان بحصار و بخصوص در آساده فما میرکوه سیمین  
با موردنگفکو و مکانه سه سراان جمهوری اسلامی سا  
امیراللسی ها فرا ردا س ، موضوع حسین کلوسی  
ایران سود در اس موردو سرکی طبقه و مدهشی  
رهی اسلات و درب روحانی سون و سخمهای مدهشی  
واسسه ای اس راحلیت سوره را اعلاء میمی در  
حکومی سرخورد امریکا لیستهای اعلاء ایران در  
آن موقعیت اسلامی خا معمول میشان میل میل آن از  
حمله مسئله کسوییت خا سود رهایی که با بدھای سطام  
سلطنه در طوفان اسلات ایران روسه و برانی مرفت  
ورهای که سطام سرمهاده ری و اسسه موردنگا طریه  
حدی در رکریمه سود امریکا لیس آفریکا دار اسکیهاد  
ساسیهای خود دیسال اس مسئله میو دکھویه می  
سواد کموسیهای سروهای اسلامی را رقدار است  
کردن ساردا رد و در همس را طه سرای امیراللسیه  
تاسل فیم سود دکه و سرکی طبقه و مدهشی رهم ری  
اسلاط و مهدان لیس را ولی محض میسی سرای  
آسد و بخصوص در اس موردمیساد، امیراللسیم  
می سوائی اس اریا سی را داده سیا دکدر رهی  
حدس در مدل و غلبه کسوییت ها خواهد سودور هر ای  
مدهشی سرکه اریا سلند امریکا لیس آمریکا  
آکاهی دا سدربرای واد رکردن او سرمن دهه اس  
خود، اراده ای اس خس خود داری سکردید، در  
مذاکرات و زرال هوس روسیه سی و سارکان اسکویه  
مسائل سارجا موربد بحث خواهی میگردید، در این  
آیه اللدھیی خواهی مکدر دیاری سی سرمن درد، در  
سامای دکا رسیده ا و اطمیان داده که خود مایع  
ارقدرب کنیت کسوییت ها در اسرا حوا خدود،  
(مرا حمد کدست) دسخرا سی دکتر سری د رکا ج سا و ران  
در سال کدست )

طرح های توطئه گرانه قابقی و سرهنگ توکلی  
ها سطور که کفمین ارتسام ماجادسات و  
سرما مهای مخصوص ذرا سطح سرکوب سروهای اسلامی  
سوبر دکھوست ها سودا ام ارجمند سوپنه های سرکوب  
حب نه رب سودار با : اول ، طرح حسا سکا راسه بر و سر  
سامی کدلانا طلاق ارتسام ارام آن سرمه ردا سرسد  
بر اسان اس طرح مرا رسود که می فرماده های سارمان  
چیزی ساک و عسر داسکا رسدن سوهه های محلف  
سامی و بطا می ارکا سبای محلف مسلح . سطمر  
کجیده ها را و در روی سروهای سامی - سطماری  
کمیست فرا رده ده سادی سطمرس دهن سوده ها را ار  
ادا مه مار زده علددص املی خود یعنی امیرالسلیم  
آمر سکا و سرما سنداری و اسنده می ره دکدک موسی  
محرب کرد دموح ایل خود سادا من ردن بدحو صد  
کمیست . کمیست ها ایل عا می سد .

طرح سوطنه مسدرستکرده‌های حارجوب طرح  
اسی سود، سراسر هشک سوکلی معلوم احوال سود  
که ولین وردمناع جمهوری اسلامی ایران در کاسسه  
موقت نازرگان سود ایس سوطنه احیان روسا سودکه  
سازمان‌لادن آن نازرگان بحورسیدیس ارسنحد از  
این مردو رور پاک و نمره دادیس او ای ریوع همان  
دک ای ای



سیاست و کلیت حوزه سیاست

سوزروزرا زی ملی ستردرکلیت خودسیستی ساخته است  
که سروی سازی سوزروزرا شی در همان فاصله نشود ایام  
وا میرسا لیسم سکلیس که حا می ریزم منودا لی سود ،  
اصحاب لی و کشن سری ا میرسا لیسم آ بربکا دا س کسه  
موا فی سرفرا ری حاگمیت سرماده ای سود ، ا ما در  
منی رهه سا ا میرسا لیسم نکلیس که سکان شنژ حسیش  
تعلیمی در این دور دموجه آ سود ، داد رای طفیب  
سود و همن ا مرآ همبیزی پی داشت ، ایزوی دیگر سر  
ححلب سا زشکار راه سوسا پیکر سرورزها زی ملی که  
عملیا سا خود را بمحروم هنای ا بوزیسون ریزم موجود  
ترتسب داده و سعی خوا س و سعی توان نسبت به سبیج  
و رسیت توده ها سرای ا سخا م سعلاب بپردا زد ، و حتی  
در راهه ایو رسیس ا سخط و سی کفایتی رهبری  
جزب بوده ، در این حسیش ا سعلای فرا رگرفت ، نهی  
مو ایس سرروی لا بیز ا سوده ها را بچای هدا بدر  
محیر ا اسلاب در ماقنا تاب و ماجنات بوج بازلمانی  
نهدر دهد و سه این ترسیب فرست کافی به رتحا ع  
مرسید خورده ولی هشورسرگون سدداد اس بروههای  
نودر ا جمع و مسمر کرن شده و گودای صدا نفلابی را به  
سوده ها حجمیل ساید .

کوئندا مواضع آمریکا را در سیستم سویزه دارا وسیع  
حکم نمود. ولی سوانست سه بیرفورا ری خا کمیت می-  
خون و جرای این قدرت غا رشگر جدیدها نی منحر  
سود. رئیس امران محاجن و زمین نئمه مشهد دال -  
زمینه مسکن و تحت سیطره هم مسلط امیرا می-

جلودان باد خاطره  
۱۵ خرداد  
 نقطه اوج مبارزات  
 ضد امپریالیستی -  
 دمکراتیک ۴۲ - ۳۸

نکت مقتضای شیوه ها شیوه های که فهرمایی و  
قدا کاری حلقاتی را سرچهان و سویزه طبقه کارگر  
استقلالی دست آمد، صرب قطعی سربرگرسرا بهداری  
جهایی وارد آورده و ساچه کیری حسنی های استقلالی  
صدام پرسالیستی درسرا سرچهان، طومار استعمال  
کهی زادرهم بیجید.

س اموری و شذرمه بهداری در عصر امپراتوری  
ا و ماع و شراب طحیده داده و حکم جهایی دوم، امپر -  
با لسمم امریکا را در مقام امپرکردی امپریالیسم  
جهایی فرازداده، امپریالیسم خوار و پرتوان آمریکا  
ساکا مهای سلدو و مصمم، موافع رفتای خود را بکی  
سعدا رسکری درسرا سرچهان شخیر سرمهده و هرچاکه  
با می گذاشت، سعی داشت سیستم استعمالی سویس  
را که حاول و عارنگری های آشکارا امپریالیسم در  
برده برا رمی داد، سعی سیستم بوسیده و افنا شده  
استعمالی کهی ساده.

اسعکار مصنفین چیزی وصفی درمیهند ماعشار است  
سودا زیره همبا شدی استنداد دیسیا درضا حاسی ورشد و  
کسترن آزادی های دموکراتیک. چیزی وصفیتی  
بهمرا خود در نشستروها ای اتفاقیان و گشتن شریعته  
اسعاد دھیش پیوشه ای راسدا رمعان آورد. شعله های  
ضروران چیزی همدا میرپارالمستی - دموکراتیک  
نهای سرازرسیان مای را سورا ساخت و هر رور تزوده -  
های سیسترنی را دادا من هو دعای داده و بی پروزانه.  
در حال لبکه حرب سودا اسرائیل در سامه ای از ای ای ای ای  
و دیپرسه می روان کمومیست ای  
نا شورا های متعدد ساری کارگران اولیکسو و  
محفوست و ای  
و میوزه فدا کاری حسنه آفریکومیسته در جنگ  
جهانی دوم ارسوی دیکر. برق درن ترس و بیر سعدود-  
سرین سارمان ساسی کسور سحاب آمد. ولیسی  
سطب علمی ای  
سوسا سوس سوده های حریق و سوده های ملسوی اغمر  
حریق راسرا ای سارره' نطفی واصلی ای سریست  
سوده و سرای احلاط دارک چمه حانه سیند. از  
همین روسک کسوز رواری ملی سر هشري دکتر مصدى  
و دکترها طبعی در راس مسا رواب فدا میرپارالمستی -  
دموکرا سک ساله ای ۲۰-۲۲ که ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

## برقراریاد جمهوری دموکراتیک خلق

بیکار

صفحة ١١

مسارا نیستی و حاکمین سد سوی سولمند ماسد  
دری ساولند تخت مانند دنیوی ای محلی کرد.  
انسادام هو سازانه مرسا لسم هیا هسوار  
آمریکا استکان خود را در زیر زمین از خلا سور  
با خدا دعیمه و سدلات وسیع در عرضت دخنامان و نشسته  
کار رکرخای سیاد با خس نیمی کد دخنامان را  
از اول ساره ده سیان کسد دوا امداد رسیده  
خای رسدولدمور روسی دشپرا مدو اکان بیهودی  
سر اس طردی و اسحاد کار مسای دادرد کارخان و سوده های  
بیرون گاسیو رسد هر لکار کر گفتی سلاس سالیا  
۲۸-۳۸ می سوی سوی سوی سللات سایه ای  
احمای ری دیساند اعلای اسلامی در سیده داد و  
جود محیور سود سر غرب را دا سحطای و تروک را می ساند.  
جرد دس روزه ای و سوره راوی کوچک و مسوط سی کد  
ساره رکا های صمی اطر ترا رما من امی  
و همکی آن ایت سینا کروچی سودیکه در ای  
عصر ای دسها آسده ای جهت بیهوده رسد هزاره داری  
سا قید لکدر رسد و حاکم سودولدم رسانه داری  
اسدیا بودی سریع طمعه خود را می دسد ارهمن  
رودرسا سطی که اعلای اسلامی سلیمانی  
مرغ رب را دا سحطط و حامی و فریو ای راطی مکرد  
ساره کابوی کرم هماره ده و سلطه های فروران  
سللات اردن رسانه می کند اکرحدار من ای  
ساره دکان بیهودی سی سوپور سغا رهای محل قبض  
سرکر رسان در سرکی سولندی و حرا هروردن عنت  
بدون رفای ای  
محصوره ولی ای آسکا آیا یاه و برس سان جود  
را مسحونه دنار سرس دخان طوی سعی مرسا لسم  
زوره سردداد و اسندیو، بحق نیل سروران  
حمد اسلامی در دم حما موسی آن سعی می آمد  
تسویه عصی و کنیتی کند در دنار سان ساره زرقه  
وحوده ای ساده، حسای، حجوای و با سرتانه  
س دوکاون را سرکد کر ساروسی سما مدر سان  
زوره می دسما سان کا سد و ده، موضع و سخان رخرا  
ححالک روحا سی حلی سریع اسلامی خود را سردد  
دیواره سد و سرین ها و سختم های مسد دنار  
سیان داده و موضع کنیتی ها و حمام تعلیم دنار ای  
بیره سرخود را سرددی سعی محال قبض های روحتی  
مساره دم سخای می کناید.

س س دزدی سارخوب سودددور دور ۴۵-۲۴۵  
عدم آمورش سی و اسان سه محدودها . عدم حاکمه  
مسرا المهد موکر اسک رسیگر خود ، سرکوب خود  
حریان سوده دی سفدادار اسان بخلوای صاروه  
سامحان خلی و نیوی . همین ساوسنل بدسموانه  
- سرس سوده های روستکری . سادسازی و سراع سوار  
نموده هر سی ارسی ساده های روستکری کرد همی  
خرسکا درست همین های رداست . مخصوصاً  
من امور سوسم مکلاسی خوب سوده ر سکل می-  
داد من سوسم درسته دسته دشی خلی سدسار -  
دسته رسم برکت کند تی نبو سی رحیب سدر اسپ و  
مر سده د ، عدم رک مخدعه دسته دی ستد اس-  
و خوش سود سروی عظیم سوده ای در جهان راحون دست را  
مسی دی سی که راساً و در جهان راحون سو سس

نامه بازماندگان شهدای فاجعه سینما ریس آبادان به مطبوعات و رادیو تلویزیون (رونوشت هفته نامه پیکار)

سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

۵۹ / ۲ / ۷۸

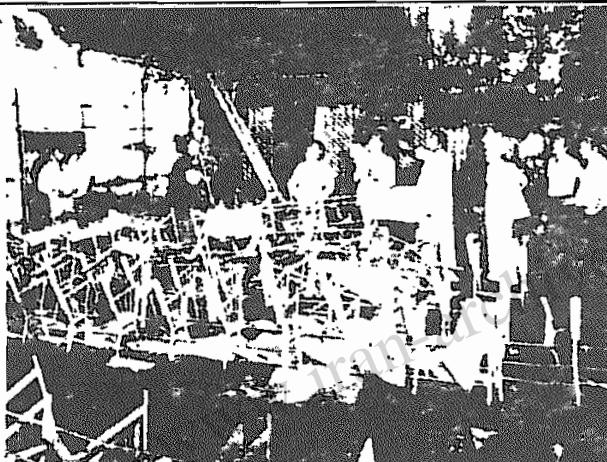
دا دکا مغلی و افیا سرومه و بخارا بام ملتن  
سریم و ما همکی اس عبیدرا سینه اس که دما مسخر سدن  
نالسان سپیدا سمان اراسا سیسم و هر روز که ارخصن  
ما میگردد در ارسکوب پرس، ما مصطفی استرس و  
مطا و مرسد و مسرا افیا اس فاعده هر روز اسر  
ار روز سی سوی هدف خود کا مردمی داریم و اوای  
مسئله برای ماروس گردید که اگر اس بحص ما را  
در هشتمین دستگرد هجخ عنوان نمی سوابیم سطوار  
دا سینه اس کند اساسا حسی کدار عاصه در طلب  
در هشتمین دستگرد خود رسیم و سپاهی در سکر صحنه  
اوس که دموا سیم خاتون را سردم بیرمیان در میان  
سکه رسم و همکی موچه داد سار برد غوریا سک مرداد  
جنیف خود را سکون مردم پیغمبار رسای سیم و سما  
بر روا اس سرورا با سعیت خواه سه مان ادا خد هم و

سیا محدا وسا دسپهادی فا حجه سیما رکس آزادا  
سعدا رکدست ۴۸ رورا ز شخص ماسار ماندگان  
سهدها فا حجه سیما رکس دراد روزه راشی و بندیسا  
۱۵ ما هرسیوس بر اس سرو ویده که مادل کار بهسا و  
برتگ سارهیای حاص هشت حا کمده همرا نشود، هنر ر  
هچ مقام مستشوی مملکتی حراب و حاعاب ایس را  
خودنداده کدر جهی ایس سرو ویده اس خیا س  
قد مردادر و همچنان سای سوچی و مکوب حاص خود  
سای داده اندکه ایس این سرو ویده مسواد مریه  
مهلک و سکان دهداده ای سادکه رهیب حا کسیده مداند و  
رسا گرا ایس مسدکه ای سکنه بر سر بر قدر همچنان  
نه سوشه های صدم درمی خودا دا مداد دوسرای آسان  
حون سهدها را ماقط مسمیکی حیب دسای سه جاه  
ومقا مسوده وس .

ماسا زما سدکان علیورغم مسا می مواسعی که در  
سررا دادا سیم خود رطول سخن وحدت در بسط ام  
جمهوری اسلامی که حدور راحمی عدل و دادگاه است  
نکرر اعلام کردند این که مسکل دادگاه عالی و اقای  
بر ویداد این حساب جوازه هم داشت می باشد ولی این  
سما محس سب مادرخانل مستولان مملکتی سما و عده  
و وعده های ردلیان خود رسیر طبقی که دادگاه است  
که این مرسود در اکردن را مویی بر اکرند و کم کم بددت  
سوم خود گفته ای این سد حذف این سه خود رساند و  
هر روز رکه را شخص می مکدر دسکور حاصل این سه می باشد  
نهایا بدگه عاصی ای رهبت حاکمه سر ای آشنا ده نکر  
مسکد رسیدم را این حساب بیهمد استاد.

ما می کوشیده کردی هیبت خا کمداد اس سوده ها  
تلایپیا می مرورا نمدم در حبیب روسوی سروی سرو و سود  
و حساب ارعاع دلیل من حد سپ سیار کن خان کندی سی  
سین سیست و اسکویدا حمال ساده ساسکا اسر  
واعیت اس کندو دود و حمور طرا خان اس آس سوری  
در همان حما سیسترا آآن اس کد ما مکر مکشم، هما  
هر حقدره هشخوا هندما سکوب مطوعات کدا اسی خودو اس  
ر دیوسلوریون اسحایی سار هم راس نا جهنه  
سربوش سگدا رسد، ما هم ارمطوعات و رادیوسلوریون  
این حنایی که حیثیت را واری و حلود سده هست  
استواری خواس مدارمه، وقی اس حس مطوعاتی  
ار درج بک سلکرا ب ما کنداده، د محصی سودا اس  
و حب دار دیو اکر هم درج کرده، د میسا سور هم راه  
سوده، وقی ر دیوسلوریون سیت مطالی کدار  
طرف ما فرسا ده مسودی سنا و سکنر دود خای بخی  
اسکو، مطال ب که ایسی سک خا سب سریک و روکردن  
دست مهیره های آمریکا سی و دمدمدی را در سردا رده  
حسی بر سرا مدعا شی سرای می اعسا کردن حسون  
پیهدا نا حادت سیما رگر می سردا دار حمله حس  
بر سرا مدر سوط سه تا چند مددگران و معاشره عرضی -  
اللودها چعد مر بر سرا با چعد سیار کن ا و بام سام  
در در سی دا ددر در روسی سرخا سی مرو سوط سه  
لیک سی دا ددر در روسی سرخا سی مرو سوط سه

سخا رکن سودا رسان از هر کسی خودنمایی نماید  
بسیاری همدستا ساکر سوهدانی است که دما اسپار  
آزاد است و سیمرا آرای را مدمدا رسم و کار را دیگر  
نمکاری می کنم کذا سرسوس ها و این سیمها وی  
دوار استشنا سری ناحد سیما رکن ما را سیم را  
سیم را خوبی ماردمی باشد کندله و حسب روم  
دستی س تا خدمتمن از محوری است کدامی  
که بیرون رای نباشد شدگاه خصی سیما را دارد می  
باشد شدکه رطیق آن مسوده خواه جو دینی سکیل



یشتمانی بیکاران

از بازماندگان شهدای سینما رکس آبادان

سادددعوب کاپور فارع - الحصلان سکار  
آزادان و خودم نگر ای هیمانی، برای حمام از  
حوالیانی سارما دکار سهدای سیارکس احتمام  
کردید. این راه هیما شی سامع سعد از طی روز  
محصه ۱۵۹/۲۳ از لکه سکاگ ۳ کوی احاد  
کوی سارکان اسماع - حساب سیما - سوطنہ آمریکا  
سرعو سد راه هیما سان در مناسل محل سخن سار  
هادکان سهدای سرمه میستند. سعدا بیرکار احمد  
سیار هم را دما مخصوص - یکی از تاریخ الحصلان  
سکار در در مسید خاب سیما رکس و سکون هیئت  
حاکم در ممتاز آن اینحرائی سود و سیسی ساد اسای  
ساز کسرا داسخوان سرکوب سکاران و کساز  
طبقه ها سرا داح - در بیان راه هیما بیان سا دادن  
با اینکه آن کار نموده باشد

سیده امیر حسنی مرتضی شفیعی نویسنده  
۱۱ صفحه اصلی ۱۵ خرداد ۰۰۰

کابوس اسلام حلقه ردد.  
حنا ح صرفی روحانی که سرخاپ حنا حبای داشت  
زمینه عادی میرزا لشی و استلال طلبانه حسنه  
با می خردید. گذشت روزی و همه آثاری  
در بادهای مبارد روحواهی سوده نفس مسرا رمه  
سردرگیری و سینه و روپوی سودهای مدن مسرا رور  
امسا مسعودی در اس میان آیت الله حسنه رور

حمله به نمایشگاه هواپاران در آبادان  
حومومنی آزادان مسلط است و عوامل ارتحان  
دسته های حماده رسانا حامدراهمی سی دری  
برای فروندگان رورسا مهمنتی سعی در انجام  
رکری دارد. در جریان درگیری های غیر معمولی  
۵۹/۲/۳ سا داران دکھانی رورسا مهمنتی را  
هدیده سلطانی کردند همچنان در اس روز آنها می  
توانند که هواپاران سازمان سختمان کار و  
رمایه در سطنه کفته آزادان رسانگرد دودست.  
مله کردند

و زور و سرد و اسلامی هرچه سمرتی را طن مودود  
را اسوزرسو طلسی و مصحح خواهی سوتی مسازد  
سی سادتر رسم و سلیع سوسکی و سوسن: کس  
رسم سمه مدار میم لسم و محكموسودن سر شل

یادگار

صفحه ۱۳

با میستم ارتش آ رسا مهرب دارد؟ بله — روز  
کردستان راهی همین ارش حمهوری اسلامی مکوبد و  
همین ارش زیرهدا بعوامل آمریکا در هشتمت  
حکم و طایف سرکوگران خودرا اداره می‌دهد. بله  
کردستان راهی همین هشتم حکم موربدیورش عرا را داده  
است و خون کشیده است.

حزب توده‌این واقعیات عربیان را پرده‌پوشی می‌کند و هیئت حاکمه را "علم‌لور" خواهد داد، او می‌کوشد ساده نقلاب را باش کند و توده‌ها را فربزدیده. وظفه حزب توده حقاً طی این نقلاب است. حال باشد پرسید صادق نقلاب کیست؟ از خدا نقلاب عمارت است امیریا لیسته، رژیم‌جمهوری اسلامی و ای ای ای سرکوشی، ای ای ای ها و پلا میزبانها و حزب توده و ... میباشد.

«فراموشگاری» حزب توده!

"حزب توده به انتفاضیون و خلق کردته بمن میزد  
که در کنار رژیم فاشیستی عراق ایستاده است. و اعیان  
چسب؟

۱- اولاً ساده‌گفت که اختلاف رژیم برای بار با رژیم عراق شعبان رسمی دارد و آنچه ناپذیر نیک است اخلاقی است که از موضوعی ارتقا عی برآید گرفته است. وجه ساده‌تر این طبقه در جهاد اسلام و رساندن دور زیم اختلاف ندارد. خود را ایکتار سکارا نمایند. حال آنکه نقل انسان و خلیف کرد از موضوعی اقلامی علمی رسم حاکم مرا زده مسکنند و هدف آنها، تأمین استقرار و آزادی است، است.

۲- ساسان‌آزادار "تراموسکاری" حرب توده‌ده محبوب! مکری‌حدی بنی سن سوّال امپرالیسم سوری و عزای می‌ساز سارا "کرمودوسا" های سرفران رسوئد؟ مکرخرز و وزیرشونست عراق در پلی‌سوم ۱۹۷۹ خودم طرح ساخت کرد زمام صدا محسن را سا س "را" در سدعمرس مساده ری "سرافوسا" لیسم بیداشت مروود و سخن صدا محسن می‌سخع ما سلب بدیسر ش

"حرب سود" روپرتوسیب دریا مام مسوارد  
سکوب میگدو و عوای مهربانیه روزنم عزای دستیار  
سد دوچال آنکه مام مطیع هشتم قردا که رواسط میین

سوروی: عزای سپاه را مرور گشت، سرای "حرب سوده" همس رژیم فاسیستی سدر زم منزقی، ملی و صد اس. المسیس سبدیل حواه داشت! مساع آزمدنه برو. اول ایرانی لیسم معاویت‌ش "حرب توده" است سپاه اس می سینم که واعدا جهانی در کنار ردم روحانی عزای فرا رکرفتن دند و را رگره شد و می سینم که "حرب سوده" چذف روی سکا ری میکند تا مرزا سقلاب و ضاد نقلات را مخدوش نمایند و از این طریق سقیمه در رفعه ۱۵

## "حزب توده" وادامه خپاٹ هایش

• «حزب توده» علیه چنیش خلق کرد با سرکوبگران خلق کرد همکاری میکند

صدما رکسپیستی "حرب توده" سورژواری ما همینا قا در است که سبب به حلنها اعمال شوستیم و سمد و گاهه سنما بدو "صلح عادلانه" را سعی حمکشان اعطای کنند! از نظر "حرب توده" شیها ایرانی که سرزم حاکم وارد ایستگاه و سرعت عمل سدا ردوا زابن عدم سرعت عمل "مذا علای" سهرگیری میکند و در کردستان سلوابابی می نماید!

"حرب توده" در راه سخگوشی بنه ارسان با ن سوسیا ام مهربا لیست اش همیشه دوسیاست اساسی مرتبط سهم را شغفیت میکرده است: سیاست اول-در پوزیک در قبال قدرت حاکم، سیاست دوم - توطئه و خیانت سمت به جنش خلق.

در زمان رژیم منور و رسپریده پهلوی حرکت "حرب توده" این دوحنه از گند می واحدر اروشنی

**حدائق‌لاب گیست؟**  
اما سینمما زیرکار و گزرا ران سویال امیرالبیس  
شوری در کردستان "فدا غلب" گیست؟ مردم "می-  
تویید": عمال رژیم شعی عراق و امیریا لیسم آمریکا  
در کردستان چون او سی ها بحسیار رها، شیخ حلال،  
کویله، شیخ عثمان، بیکار و... از سکو و عمال آشکار  
و سهان امیریا لیسم آمریکا و رژیم عراق در اورتش از  
سوی دیگر، همه و همه دست بد هم داده اندنا جمهوری  
اسلامی ایران در چون طلی کرد، بی‌سد اروسیا زغری  
شود؟ "حسا" (۱)

خط مشی از راه علی "حرب شوده" بین ارمنی‌ها و رومانی  
روزمه‌جمهوری اسلامی تدا و میباشد و بین ارمنی‌ها و رومانی  
توده تعمیرپسافت بهبود است. واژکی‌سکو در اینجا از سوی ارمنی‌ها  
سوزن‌البیر الایه ارتحاعی خواهد بود که اینجا رسوده بین  
ازرساواند اینان مقداری عقب‌نشینی کرده، ولی  
حمایت فعال خود را ارزیم؛ ارتحاعی خواهی حاکم‌دانه  
دایمو زمی دیگر سه حسنه کا و بکری حمله کرد،  
عوا مل رزیم غلبی کا رکرا اقلالی و شکلات مشرقی  
نوشته و بخت، سه نبره‌های کم‌ویست و اشلاقی  
بیبوسته حمله‌دهنده نقلالی سه‌دوک و کشترین حملات را به  
جنپیتی اسقلالی خلفیها و بطور مخصوص طبق کردوارد اساحب.  
حمله ارتادا ع "حرب شوده" ساختی طی کردند و  
سطنی دستی آشکارا این سیروسا اقلال طبقها می‌  
باشد، و در این راه همین‌دهنده‌های مکوشی سار و پرسو -  
سی‌های حاشیه‌جاتی و همه‌ها هم‌جدت ارجاع  
حاکم سرماده‌داری و بسته طور مستمر کوشیده‌اند.  
سداسی‌گر رزمه‌جمهوری اسلامی از همان ایندا  
دشمنی خود را اهلی کردیسان داد، این رزمه‌سرا رها  
مردم‌گردستان را اکننا رسود، چنینو حجه‌انان را  
با بهار ل کردودر مصالح حوا س خود ساختاری کردستا  
ب کلوبه‌دها باش داد، این رزیم‌ها هستی نمی‌  
توانست بدحوا سهای اقلالی طی کردیا سخ کویدو  
آشکدک دجاج، ارما خسی او سود و اص اسکه ۱ و

ولی تا زیر دوره های حرب و قعده دیگری را ساز  
ستان داده است و آن اسکله زمین مجهزه ای اسلامی  
مناساب امپرسانستی و ارحمله مناساب است  
امپرسانیم مرکز کار اساساً سودتساخ، عمدتاً فرازداده  
های اسارت بر اسنعاماری را درست بمحوره دیگه اشتو  
ارس شاهنشاهی را اسنعاماً بخدمت خود گرفت.  
سله زمین مورده حساب روپرتوسیستهای جزب بوده  
زیرالایم شاهنشاهی اسلاماً و در در اسرای سرکوب  
حستهای مردمی مذاقسوو سوی سپهان ماگسل  
داشته و ساران اوسی ها با اسرائیل و بخساره را  
دردان حرب داده اند و مذاقسوه ای از این

(۱) - برای سحلیل ارجحیت "حرب سوده" رجوع شود. مقاله "حرب سوده" را منروطه جواهی سفید محلو.

اتحادیه اسلامی دانشجویان "در امریکا و کانادا": سازمانی مورد حمایت و استفاده امیر باللس

امهرباً لمجمجهای سرای سارمان میان عارض  
گرمه خود سرای مکنن هر جستجو حلقه‌ای  
درست، سرای مهارگرد و سرکوب حنشه‌ای آزادی  
خش حلنه‌ها، به حلنه‌ها گوش‌گون می‌رسند.  
اسواع مسکن راه سه‌چهار مرسد، موساً ب طه هرامدھی  
فرهشکی، حمی سارمانیهای سه اصطلاح چپ (۲) را بخود  
من آورده و از آسیاهه مکنند و دین طربی هدفیان

ملاجای کرد. مکررهای این سارمان موافق نداشته  
علیه اسرائیل و سمع طبق فلسطین سداست و حسی از  
محکوم کردن رسمیا دهم خودداری مکرر. رسانی  
موافق این اتحادیه موجب سدّکه اتحمن اسلامی  
دانشجویان ایرانی عوام اتحادیه که عمدتاً اعضا از  
مرجع، لسرا و پاسوسکیل می سند بحث سار  
عا و سگرا به مدخل حقیقی جودا اساده میباشد.  
این رورها و دین من سیم که همراه ایام  
آمریکا - بدول سایر عربات - "سوارساز اسلام"  
سداده، با از "خوبی سر" - "صلح" و "عمرده" میزند  
ساده مخصوصی دارند این سواروسرا مدها در ورای  
عملکردها میباشند.

جومسا ورد جو سا و مدررسی خارج ارکور سام  
اسمحن های اسلامی دانشجوی ایرانی کسر و ره  
فارسی رسانی "را سروکددا رود دست عصایها دموا صنی  
سیما صرمیما به علمی حکوم سا دکربت .  
دکتر سردد و دکتر حیران در آمریکا و نطب راده  
در فرا اسود و مادی طبا طبا شی و دکتر بیمه در الاما  
ساقیم اسخن های قاعی سبب کرد .  
کروههای رسی رسان سحب قیار جومسا راتی موجود

طی ۳۰ سال کدسه ماسارس مدهای ریکارسک  
آمریکا رفیل دکرسن آرسیا ور "، امل ۴ بروم  
موسای بر هشکی سطر " اسیارا ب مرانکلین " اسخن  
سلیحاب احلاقی ، ساگا دل اسروه دهیا سوبه دیکر  
سچمله مجهو و اسلام سا و میار مسلیمان رویرو  
بوده اسکم که همکی آسیا حدی خرفی و ترکوت حلتهای  
حرمتا سله ما کموسم و سرکوب اسلامیون و کیوسیها  
و سوطنه حسین سدا ساهه اند (۳) .

در ایران و خارج کشورها سکا رسنی افراد سنسی  
ما روش رسنی داشتند بحث ملته مکتب مبارز که  
مواضع در حوزه آسارتکردن رسنی داشت. عسا صر  
پدموکرات درون کروهه ارسی رسان، کا هته ایسای  
کرا سهای راست داخل خمس کروهه می سردا جست.  
میلا بطردکرسنی که اصر ای و ورید این من اسلامی  
عای اسلامودس را دوس ادا حس کاری سنت  
که ایرسا رسنها رامه ادا کردی سنت. ما ای سروز  
هایه فایده ای. ای خلدو سکردنی! رسنی سردد -  
ای! خمس حدی سین سودکسل سکرکفت:  
سنه ای ادا من میافع آمرسکادرجا ورمایه.  
حد بی رالنداس.

اسکار ۸ سهمی ۱۵۸  
اکتوبر بین اوس متممه کوبا . سکی دیگر از  
سپاهانشی کذا میرسا لسم میرسکا کوسداد است از  
طرسو آن سهاده بدلخانی وریسکارا سه دوارت -  
کتره خودجا مده عمل سوساست . سوچکست :  
ر- همسه اول خردما دخاری ، سام دهمبر کیکر و

احسادهای احسان های اسلامی آمریکا و کامادا سب  
عسوان: آغوار ساردهمین ترن همراه و میانی کدما  
آن واحدا سب دواالب او خاسو- آمریکا سر-  
شودید. رادیو ویکلا در ۰۷/۲۰۱۴ کراوس مقطول  
را سدریک را این کنکرد احمدی داد و مطالعی را  
کند در جنسا آن موریخ سود و سوس داد. حسون  
آب اللهم سطیر همسا می ساس کنکرد رساده  
زمینهای اسلام عجداده ادا. در کیا، جبله به

سایر انشاعات

جهانی مکالمه همچو کارگاه های تخصصی می باشد که در این جلسه های تخصصی می توان از معرفت و آشنایی با اسلام و اسلامیت در سطح عالی استفاده کرد. این جلسه های تخصصی می توانند برای افرادی که می خواهند اسلام را در زمینه های مختلفی مطالعه کنند و آن را در زمینه های مختلفی مطالعه کنند. این جلسه های تخصصی می توانند برای افرادی که می خواهند اسلام را در زمینه های مختلفی مطالعه کنند و آن را در زمینه های مختلفی مطالعه کنند.

سفر را حویا می‌شود چنانیں می گوید:

نطرمن سفریسا رموعیب آسری سوده اس ار  
لخاط روش کردن موضع اسلحه اسرا ی  
ایسپا که در سرگی درجهان هستد، این جرب  
در راه کشورجهان عواده زد (وارحلمه اعماق آن  
جرب کارگر اسراشیل، جرب سوسال دمکرات  
آلماز، جرب کارگر اسکلسان و... میانند  
- پیکار) وطنمن ما ساسدان سماها را اداده  
دهیم و می نگیم که ارطوس اسپا که نحصیای  
سرگی در ساس است (منظور شخص هاشی حون  
وبلی سراس ارآلماز، اساقی راس اسراشیل  
کراسکی اراطوس و... - پیکار) ایسا محدود را  
به همه جهان رساییم. می خواست اسلحه را  
سکوش همگان رساییم که واعداً حلی نمی باست.  
(از کی نتاج حل جرب کارگر اسراشیل و آفاسان  
وبلی برانت، کراسکی و... سکه های اسلحه  
شده اند)

واما در همین خط و در همسر راسته و در تا شست  
محبت های پیشین ما لحظه ای بمحابا و اطهار از  
آقای علیرضا نوبنی رئیس کل سک مرکزی ایران و  
با روحدم آقای پیشی مددرباره "خ" حماسی الحلول  
موسال لبست ها "و" آقا یا به بالمه کوسزا لس و کرابیسکی  
سونه کسم ابنا (سوری) میگوسد:

۳- کنورسوند، اطربس و اساساً ارجحه کورهای اروپائی هستند که از اقلال اسلامی اسرار انسانی کرده‌اند و در سراسری از رسمه‌ها از جمله مبارزه مسلطه‌خوشی‌های از مردم‌سازی و عرب‌سازان موافعه می‌شوند که داردست.

ما قبل سهادی از ما هبّح معهّدین الملائی

موسـا لـسـبـ هـا رـا مـوـرـدـ بـطـرـهـا رـا دـادـمـ وـسـجـيـ اـسـكـ  
بـداـجـرـفـ، اـسـطـالـ اـدـعـاـيـ سـورـیـ هـا دـاـ سـرـمـنـارـهـ  
حـاـمـمـوسـاـلـسـبـ هـا عـلـىـمـبـرـاـلـسـمـرـاـسـمـولـتـ  
سـمـسـوـتـمـرـسـاـدـ، ولـی اـکـرـطـوـلـاـنـیـ سـدـ مـنـالـهـ نـاسـعـ  
مـبـسـدـرـاـسـخـاـ رـاـسـگـیـ اـبـنـ سـوـسـاـلـسـبـ هـاـ بـهـ

میرزا لسم غرب و سفن دلالی آسها برای آمریکا  
پیشرسن می گفتند: «جاوهندگان خود شهرسته  
ما هب مد اسلامی و فرسکار راهنمای ماسطه هست  
اسلامی ایران بی سربرد! ما آسجه که ما و دیگر  
میرزوها ای اسلامی و آنکه حلقو سرعم گفته ها و ادعاهای  
مردمداران و مسئولین رژیم میدانیم با این که  
ظنه ای رژیم ایران سوسائیتی در سیاست علیادی  
زندن رو اساطیر ایران و آمریکا و ترمیم خواسته ای  
ست که میرزا لسم درستینجه قسا م حلقلهای ایران و  
سوط زرمی و ایسه شا هاتحمل کرده است.

را سامپریا میلسها و سرما بهداران و دشمنان حلقوها  
سخام می دهد. آنها با بدیدن بندگه خلوقی حركت  
سایریح راسی سوان گرفت و تاریخ استرا می سما می  
طلایب خود را خواهد داد. تعدد های رحتمکن ساید  
احسوسی ایسرا درگ کنیدگه دشمنی با کمونیستها ،  
نهضت ردن سه آن را منع نمود از عملیات انتقالیستی  
سها دسکنیری و محاکمه و اعدام آسان جز سمع  
در کا سیست .

آخوندگان میگویند که این اتفاق را باعث شد تا ایرانیان در اینجا از خود بگذرانند و این اتفاق را باعث شد تا ایرانیان در اینجا از خود بگذرانند.

بقبة ازفچه ۲

که نداندا و با اوصاع "متمنش" نزیباً هردوخوا هدوس  
آیا دیدند که علیرغم کله تا کنکها و سپسنا بحشم  
تندوه ها برعلنه ای میرزا لسم آمریکا و هشت حاکمه  
شلتورسر میگردد. امیرزا لسم آمریکا بنده که  
وضع کوئنی ایران زمینه اسراى سودوبیشنسر  
موسال امیرزا لسم شوروی فرا هم ترمی شعاید و  
بوروزواری حاکم میداندکه "عدم تمنش" میان اسرا و  
مرا ریکا دورا رسنای اهداف اساسی آیا ن قرا و مسکنید  
پس عالفلانه آنست که با پیشه کردن سیاست عدم تمنش  
نقسمی سها مسود! درا رس راسته توجه به سخنان "رهره ای  
جا معهوس سای لست" روشنگر و آموزنده است، آنچا که  
دوسا ربرروی این مسئله تا کیدمی کنندکه وضع فعلی  
سیاست عدم تمنش بین آمریکا و شوروی را سطحمری -  
ندازد و این پردر "شیوه های نزیخواه" درجه ای  
تحم مسشود! آقای کرایسکی در این ساره جنگی  
می گوید:

"هرمادان کے اسرار درنہا سوائے انسانیت  
حکام پسٹن گیرد ورثتیں ہیں اعلانی  
سغرا سدپروری ملہی محروم و رشدمنار ارب  
برخواہ معاہد انشا اکالات سری شدہ انس  
ورعکن هرگاہ انتش ردائی و عاصمین اعلانی  
سط سامنہ دوریماں موقوف اعلانہائی  
بطراعلاب اسران بشرسده است".  
میدا سیم کہاں ن آفایا مان "موسالیب" ہا ہمه  
جا ہدف خود را زائدی سما بران "جمع آوری اطلاعات"  
"حکام بار اسقلاب اسلامی ایران" درہ ماحصل سوروی  
آمریکا ... سبلیع کردند، و فی الواقع آسہا خود را  
بیرونی متفرقی وحدا داریں دوکور بینیلخ یعنوند کہ  
سما ری خط "نهترقی، سہ غربی" "جمهوری اسلامی ایران  
مدها اند، آقای کراوسکی اسراز مندا را در:  
"مارای سان منع آمریکا سامنہ ام ار  
آمریکا مستغلیم "حریم امدادی را دیسال  
سکردد، ایم وسی کیم، سہ العیک مرسوم والی  
ار مکوہم مستغلم".

وآفای رشیس حمهور هم که در طاھر هرا مرسد بیان  
دوستن منstellen مینهاد باز ایدا واری مبکد که  
کشکشورهای دنبای سوم و سروهای مسرقی اروپا (یعنی  
عجمیں سوسالیست ها - پیکار امیتواند در طرس از  
من سردن روحبه سحا صوم و مقا سله ابر قدر نهاده موثر  
وافع شود".

در راهی دیگر آفای فقط زاده بیکی دیگر از اعمال  
دولت و شورای انقلاب در پایان خبرنگاری که گذشت

صفحة از مصحف

پهنه‌ی و دروغی و سرکوسی که کمپسینها چوددا ری  
جی کند، و سوده‌ها را علیه کمپسینها سیح می‌کنند  
حرکت آسان از اربیتریو بسوی نابودکردن سلطه و  
مود دهن اصلی ماستنی امیریا لیسم آمریکا و  
رماییداری و ایسنه محرک کرده، لیهی‌بیر جمله را  
سوی کمپسینها محوچه می‌سازد، سرحی آگا ها سه و  
روحی سا آکا ها مادر جها رحوب سرما مهادسترا تزریق  
امیریا لیسم آمریکا عمل می‌کند (۱) او سهرس کمک  
۱- توجه کمیسیون سخنوار اوسی که در همه کدسته گفت:  
دف مهمه مارا فدادم علیه ایران سرکوب کمپسینهاست  
همچنین توجه کمیسیون سخنوار رشیش همچو در  
اسوسکن بربر (او) را در ریشه‌ی کمک کفت: «داناد از ای  
هارا یکتند و ای امده می‌کنند» (گذا رجیسی کوشش  
هارا یکتند و ای ای زست آنها را حاتم کند! (۲) . . . .

انداخته، کما رگران را مورد ضرب و شتم فرا رداده آشنا  
را بازداشت و بیوزندان می‌افکند. دستگیری دهها و  
دهها کا رگران‌نگلیسی، دستگیری و بازداشت‌های  
کروهی بلزکار را سریبلی و بازداشتها و هدایت  
به‌آخرخواه کارگران آمریکا شواؤهدی از اقدامات  
ارتحانی بیوروز‌وازی است ولی ناگفته‌های‌نکده‌هایین  
اقدامات مسخره‌افشای بیشتر سرمه‌داران و دولت  
طبقای آشنا میگردد و آنکه هی و تحریمه‌ما روزاتی  
کارگران را ارتقا میدهد.

بله، اعتماد مدرسه سقط است و در این محدوده  
کارگران میباشند که همستانگی و روحیه میبازند  
جویانه حودرا مسیل مدهندند، ولی هرگز شباب دغدغه اموش  
کردند هم از این کارگران جهان سرمایه داری که  
امروز این دنیوی سودگر فرستاد زمانی که ممکن نبود  
آنها هم مارکسیستی - لیبرالیستی شناشد و توسط حرب  
راستین طبقه کارگرها است شنوده بپیروزی قطعی سر  
بورژوازی ناشی نخواهد داشت.

و ا Quincy است که مردم شکلات کموئیستی در  
کشورهای رسم بدهاد ری سیا راضی بود و قدس غذای  
توده‌ای می‌ساند، حال آنکه رویز بیونیستها و  
در میستهای عده‌حشی های کارگر راه‌ها رکده و  
ماسع از آن گشته‌است این جنبشها به تعریف طبقاتی  
علیبه سورژوازی دست رانند، بر اساس این نظر مانند  
جنوب بین اسلامی طبقه‌کار گرددور از جا که است  
رویز بیونیستها ره‌ساخته است، نه تنها تواند راه را  
- جو布 مناسات بورژوازی خارج کرده، فقط آن  
زمان طبقه‌کار گردد و حشنه طبقاتی اوسه بیرونی اعلیه  
بورژوازی دست خواهد داشت که سه مارکیسم لینیسم  
و حزب کموئیست اینکا داشته‌اند، تنها در جنبش  
حال است که طبقه‌کار گرددی نتوانند تقابل کرده،  
سورژوازی را سرنگون ساخته و دیکتا توری بروولتاریا  
را ببریا می‌ساید.

سید ارشاد ۱۳

سپهتریه فربا ددا نقلاب برستد، وفا حب "حرب سوده" زماسی اوح میکبرد که هزار سنه تسبیها پیغمبر کیان انتقلابی خلو کردار "ضا نقلاب" بیخواند، بلکه همچنین میازره خلو دلاور و مذا میربای لیست کرد را در خدمت توطئه های امیربا لیسبیها میداد س. ورق با زه "مردم" می سویسد: "...ای خلو رنجددگه کا اکسون با حون فوزند اتش سهال سوژه های امیربا لیسم آمریکا را ای ساری بیکرد...". (همانا)

این شما بیش غریباً نیست و رذالت حزب سود است که می‌باز روزه طلی کردرا در خدمت امیریا لیست آمریکا و نوتوشه‌های او بشما رمی‌آورد، خلفی که علیه رزیم حاکموا میریا لیست می‌خواست و برای حق خود رسید. محساً ری خود می‌خنکد، خلفی که درستی از فرزندان پیشمرگه خود رسید ریخ حما بیت می‌گفتند، سله زیست

حزب سوده "خا شن میبا رزه قهره ما نه خلو کرد" سهای  
نوطده های امیریا لبسم آمریکا را آسایی میکند .  
اینست عین خبا نشنهای رویزیوبسیهای "حزب توده"  
یعنی کاسی که حاضرندوراه منافع اوساسان روسی  
- سان و بخاطر در پیزگی دربرابر رخاع حاکم  
کثیف سرین خبا نشنهای علیه انتقلاب و طبعه کارگر و  
حلقهای ایران انجام دهنده دور و شن است که "حزب  
توده" برا سان ما هیب خود چنین میکند .

پاد شہیدان خلق عرب را گرامی پداریم!

حنش دمکرا سک - ضد امیرالیستی طبقهای قوهای حکومتی  
ن شامل دساوردهای گرانبهاشی سای خلنهای ایران  
طبقهای زحمتکش مادوش دشوش همدرا انقلاب شوکه هند  
مان حاسارهای کوده اسدهریک حواستار  
سبب خود مرسرنوشت خوش و رفع ناردهای سال ستم  
وطبقاً شی از دوش خوش می سانند. اما از همان  
بعد از عیا مدت است از انتلاب، مرور دسوز ش  
اع و اع گردید و طبعهای کرد، سرکن و طلق  
کس عرب سه موارب هم مورد سهای حموکشا روزیم  
گرفتند. طلق رحمتکش عرب که سالهای سال در  
فقر و محرومیت و سملی سرسزده است بعد از  
دست شاه یا خانشکلهای طلقی خود زدن بازاره  
بر پرسته همیستگی شما می طبقهای ایران برای  
کمال حقوق خود ادا مددحه. هیئت حاکمه نه  
در بیرون و در خواستهای عالانه طلق محروم عرب  
ترین شناسنی نکرد بلکه از همان آغاز شنکل  
ن فرهنگی طلق عرب کینه و پذیت خود را اس  
رات سرخو اس خلق رحمتکش شما دادو سا  
دن نسخه اس هشتهای "مدی" سه سایه داری  
سان دسب شه کس از حسکان عرب و د مدیسی  
میره رکوب کر روزم رهای آغاز اسحاب خود،  
دنسی شوح و سران مربع عساکر اس سلیمان  
هر سانه و کوس در جهیط طلق سلاح طلق عرب باز  
سوطنده ای فروکدا رکورد و دسوز هشت حاکمه در  
جچ ریسته ۵۸/۳/۹ سو سط ساداران به  
ح اعلاب و از رس مدخلی ساحله سدکا سون  
ک جله عرب در جه صیغه می طلق عرب بسی اس

با روپیکر، همراه مام کلبه که مونستها و انتلاسون  
ای سین سیپیما، ساده شدیا طلاق متعدد عرب را  
ترامی میدان ریسمان شدکه در پرتو وحدت هیا رزاتی سما  
عظمه، رسنه های حا میان امیرا لیسموا و تحسیع  
ا، حلی ایران ریگردیده شود.



حلی عرب فرسا د مزید : ماجریه طلب نیسم، ماحواهان حقوقی ملی جوینش در رجا رجوب ایرانی مستقل و دمکرا تبک هستم!

ای رضی	کلوب اریحان را حوا هم مسرب	سادتو	ای سپهده سرح
ای هم رزم	بگدا ریکووم	سادتو	ای هم رزم
ای سار راسین بیولیمارا	رمایکه سروشیم ما	سادتو	ای سار راسین بیولیمارا
ای سار دانتو.	ستارگان اشغال را خواهیم درخاند	سادتو	ای سار دانتو.

## توضیح درباره کمکهای مالی حسو طناب ساز ارگنا

سازمان ما هم را بسته می وحتما ب همه -  
حاج مدهشما سوابسه است اهداف اسلامی خود را پیش  
سرد. کسکهای مالی خود را ره طرس که مینتوانند  
بدست ما رساسند.

سرای اطمیان را رسکه کمکها سان بوسط  
سازمان دریافت سده، عددی بکریمی، با دور رفته و  
سازه رفته (حداکثر شرطی) آن دلخواه میتوان "کد"  
اصحاب کرد و همراه با حرف اول سام خود را دریافت  
کنیده، کمک مالی بدهد.

$$\Delta A \times 100 = \Delta A\%$$

کمکهای مالی دریافت شده

٥٥	ك	٥٩٧٠٠	د	٩٨٩٠	ـ
٥٦	ك	٤٥٥٠	س	٣٣٢٢٥	ـ
٥٧	ل	١١١٠٠	س	٢٥٥٠	ـ
٥٨	ل	٢٨٠٠	س	٢٦٠٠	ـ
٥٩	م	١٥٧٢٠٠	س	١٥٤٨٥	ـ
٦٠	م	١٠٠٠٠	ص	٥١٨٠٠	ـ
٦١	م	٢٣٠٠٠	ط	٨٩٠٠	ـ
٦٢	م	٢١١٨٠	ط	٦٩٠٠	ـ
٦٣	ن	١٩٠٠٠	ع	٥٠٥٠	ـ
٦٤	ن	١١٠٠٠	ع	٢٤٨٠٠	ـ
٦٥	ن	١٠٥٥٠	ب	٤١٦٠٠	ـ
٦٦	ن	٣٦٠٠٠	و	١٠٠٢٢٥	ـ
٦٧	ن	٤٧١٠	و	١٢٢٠٠	ـ
٦٨	ن	٩٣٤٠	ك	١٠١٨٠٠	ـ
٦٩	ي	١١٣٤٠	ك	٣٤٨٢٥	ـ
		١٥١٥٠٠	ك	٤٠٤٩٠٠	ـ
		١٩٨٠٠	ك	٤٣٣٢٥	ـ

این شعر از فرق کارگرب - ن برای رفیق شهید  
احمد موذن و نظام رفقاء جان باخته در راه آزادی  
طبقه کارگرسونه شده است.

نادمہن

۵۵۶  
ای سامیت سر آغاز فرباد  
ای جون سوخاری در مسا  
ای "مودن" آزادی  
ای رقصو  
سامیت فرباد است در گلبو

مبارزه‌ها امپریالیسم از مبارزه با ارتقای دادنی جدا نیست



موضع اخیر سازمان چریکهای فدائی خلق:

## تھا جم گستردہ روپیونیسم علیہ مارکسیسم-لنینیسم

مقدار: ۵۰

حساب بابدسرها دها و ساقهاب داسی سیسی  
کنیده سرما بددا ری و اسنه، بن ارسنا مسر کحا کان  
ادا مدعا پیسا است، حرا که علیرغم از میان رفتن  
سلطب، طبا مرمرا بددا ری و اسنه با مادوا تقا،  
حسن روابط اسما رکارهای مالیع مستواتست  
سبدا و محراجاهای اسلامی حامعه کردد. اسن  
بحارهای سپاهان کنور فروکن بکرده، بلکه از کسو

اویطمبا مکنکره سال در ساردمکوم سودن حسک  
امبریالیسی و سدل آن به اصل را احتماً مکند  
لکن رمایی کدحران حیان امبریالیسی صرا -  
می آورد، در سراسر اوضاع متحول، حریاها و  
سارمهای ساسی سرددسوس دکرکوبیا کساد  
ساسمهای می کردید، دکرکوبی هائی کدکسل  
قطعنی مخصوص کنیده حرکت و اتفاق و چپ طبقاً ساس  
می ساد.

پس از غلبه منی جزئی بر سازمان چریکهای فدائی، این سازمان به موضعی  
سانتریستی و بینی در غلتبید، لکن موضع بینا بینی میان مارکسیسم-  
لنینیسم و روپیونیسم نمی توانست مدتی طولانی دوا آورد. می جزئی  
را هر برای اس اعد روپیونیسم و غلبه آن در سازمان هموار شمود و کرا بش  
نیرومند روپیونیستی و در عین حال جهت دهنده موجود در سازمان، برای این  
زمینه منابع و درسرا بی اوج گیری مبارزه طبقاتی و زیکرا کهای خدانقلاب  
پسیو انسجاً موسیستها تیز نمودن خود حرکت کرد.

علم ما هب سوررواٹی هشت حاکمه و سلاهی حسکی  
با بدیر آن سرای سارساری و سرمه سیم و سندیه  
امبریالیسما رسوی دکر دلیل عدم طرفت اسن  
پیشتم و سدههای ساح سدجرهای و حل آسیا و سر  
دور دهدی ارجحهای حادا فصادی - احتماً عی  
کدکسورهای امبریالیسی رادر کما موس کسدنه  
مرا باد دیکرس و سطور دالکسی سب سندیه  
ما را در طیا سه و دهود بسیج سارس ساره  
اپسنه کردیده است.

کفسی اس کدکر حدس ارضا مودرساری ار  
ما طی، سیم خانه سوهه دهه سبدها سرهی اس رهبری،  
رهبری حسنه و سوهه دهه سبدها سرهی اس رهبری،  
ساده اس سیم اعلای اسلامی سوده و سهمی حور دو سکن  
و سعید ردهه حاکم کان سوده و سهمی حور دو سکن  
ما را بادهای و حلها هور رواج سیمی کرمت  
و سا سا سوده ها بحث دار سراط طاف فرسای ریدگی  
و با اردی دادن سدر سیمی سوهه مان، هر رور سیمی ارسیم  
سیمی رهروی می آوردید، و اس روح حسنه اسلامی در  
سد و محدودها مت سدی حدس و سهمی سیمی در منسی  
اعلای سیمی مرا کرمه است، سدید حران اسلامی  
وا وج کری مدار طبقاتی، سطور احتما ساده  
اریکسیم سدید صادها و ساقهاب هشت حاکمه  
کردد.

"را دهارای جرا اصل را رولنا ریا و حودیدا رد و  
آبویه در لحظه اسکه اس اصلات آغا و مکردد و  
حاشا س، سرلول، سا آکا حاده ساح اعتماد  
قوه العاده ای سب سد سورروا ری سخسی  
کا میهای خود را سرمه ارد در حس لحظه ای  
اکرس سسوان "سوسال دمکراسی" تا زیان  
سیپای "سوسال دمکرات" و روسا مدهای  
سخودر مردم سد، سسوان سیم حساب و ریهیده .  
را دارساده روسا سال سیم درسی کرسته و  
سورروا ری ملی "حسن" کرویده است".

(وطایف برولنا ری اس اعلال ما)

حلانه اسکندر سراط سحول احتماعی، در سر  
و سحوده ساره بدهی اس و در رمایی کدیخو آر سار  
برولنا را حا سارهای سیمی حور دو سکن  
سوروا ری کدد رای کراس اس ایور سیمی و روسی  
سوسی سرمه دی می ساد، دل سکرمه های  
سوروا ری سرمه داد، اس اعلال هر اسده، سبرولنا ری  
سک کرده و سطور کا مل سدا ردوی مدا اصل مکررسد  
در اس منطق حرف آحر کفت سسوزورا دفعی اسحاب  
می کردد.

☆ ☆ ☆  
حراسی اسلامی حا مددکدر منطقی ارجح  
حود طهار ریم سلطی رادر هم سحد، معوان سمحه

سیدا دهای املاک در سیم های سیدا رسی، در  
عرمه های کوسا کون، سعی و حول سوسی رامسحود  
می آورد، در سراسر اوضاع متحول، حریاها و  
سارمهای ساسی سرددسوس دکرکوبیا کساد  
ساسمهای می کردید، دکرکوبی هائی کدکسل  
قطعنی مخصوص کنیده حرکت و اتفاق و چپ طبقاً ساس  
می ساد.

اکرد رسان ط عادی سروهای ساسی می اس  
دور صدی می گوسدی طراب سایح و مسح برو لایا  
و سرور ارای رادر اسدهای خوده حسندی مسرك  
بروسا سد، در مطلع سحر اسی ساکر سریزک مو منع  
ساسی جو پیم می ساسد، بحران حا مده سحو لاب  
طغایی، آسان راسوی اسحاب حا کما و دعی  
طغایی سان سریا - مکد، سحب و سوی طغایی سان  
واسی ار هرمان دیک عربان می ساد دهیداً هیای  
سای - ابد شلوریک سه عاری آسکار کسندسده و  
رسا حام اسکنکرا سعاب می کند، لس در اس  
حصوص سوس :

"حصه در دوران حس سحر اسیاتی اس که  
کرده هدی حرسی سروهای احتماعی اس سالهای  
رسادوحی سرای دهیا سال معم مسود، ملا  
در آلمان سمه حس سحر اسیاتی حکمیای سال  
۱۸۶۶ و ۱۸۷۵ و در روسه حواد سال ۱۹۰۵ مسح  
دون مراجعت حواد سال ۱۹۰۵ مسح  
ما هب احرا ساسی کوسرما می سردد و مسح  
سرای خود روس سخود کفلان سایمان حرب در  
روسه ساده کدا مک ار طباب اس ".  
(لس - احر اسی)

در سطح ح مده حر ان رده، حسکا مکد ماره  
طغایی اوح سری می باد و روسوی اسقلات مکند  
و بدن سری سطم کپن را دسخون سرلول و عمد  
سای می سند، آن سروهایی کدا بوریو -  
رسیدا روسه و سیدی در آسیا سخود کرده بود  
اعاده هر اس خود روسی عیان ساحد و مسکون  
سخوروا ری را ارسخون ماره طنخه کارک و سخوده  
و سری اسقلات بر هاست، در سخود حس سلای اس  
کدا سخور سیم خواه سدا می کند و سخود روسیم  
آسکار دهی ساده .

کاشوکی کد سخود کوس مکردا سا  
مارکسیم اس سخور سیمی ملی سر ده ۱۹۶۳ تا  
را در سدن سه ده در ز سخور مکن ده در آن آغار  
عصر اسقلات در عرصه دهیا را علامه ساده و سخوده  
ساده دهی سرای سرک در اسقلات سر سخون سخوده

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را بر افراشته تر سازیم



پیکار

سیحه اسلامی نمی سادبا سدیدکاره این اختلاف  
سرخاسته رکذا ممکن است طبقاً سی و درجه بیک داد هدف  
طباقی فرازارداد.

سازمان حرسکاری خداشی خلی در تحلیل خود،  
حکومت را "مذا مریسا لیست" و "امودسا خانه طبله"  
سرمهاده اران را استناد موده و در عین حال وسناگزیر  
این طبقه را "مذا مریسا لیست" ارزش بی کرده و به این  
خطه رجکار متریالیسم را در درروون ایران بهین بست  
رسد دخلوه میدهد. سطورهای زمان حرسکاری فقط  
امیرا لیسم آمریکا در جهان را از مزراها و عناصر مزدوری  
حدردارا حل هستیدکه دری سرکوب حنین حق میباشد  
سطران حرسکار طبقه را به ایران و دولت  
طباقی او دری سرکوب روحکیان سینه داد، آسان  
"ظلمواهی" می‌سادکه ساده مورده حمایت فرازگردند  
هیان دیده ای که مسحور دیقروتوکا مل ساخته شد

کردن حننس اشغالی دمکرا سک - خدا صربا لیسی  
توده های بحث مسمیت گرد و مکاری کبرد -  
سامی امکانات مادی و معنوی و اعمال فسار همه  
حاسه های رگران و روحانیان ارسامه داران دفع  
میکند، با سرکوب دهه ایان و خلوکسری ارمصادره  
اراضی ارز منداران برگ و حاسیای موضع حمایت  
کرده و آنها را سرعاله دهه ایان مسلح میکند، حلقوی  
دلارکرد سرکمن، بحر و ... را وحشی سرکوب کرده  
و شاخص این راهای ساخت ایمنی لیسیا ساحک و حوز  
می کشوحی کودکان سرا آتسی کشیده و درا مان  
سی ما سد، سرعاله سوده های مسدیده کسرای بدب  
آوردن اینداشی ریزین خواسته خودیها امسد  
فریمان "چهاد" مددک (فریمانی کسر علیه های حاشی  
سیرداده دسود او و ... آتا همه اسپیاه متعی و وحد  
نطر اساسی هشت حاکمه ای ایمنیها و ارجمند

سورزوازی، (ا) سورپوشیم و ورگستک  
اسریا سوٹان (دوم)  
روبریو پوشیم حوا ها ان اهلات نسبت، روپزیو-  
پیشنهاد کرد ارادا معلم و سازن سعیت صار ره  
طبیعاً نی و کسب آرایی هائی ارسطام حاکم مسوان مردم  
را بده و اوضاع کم و پسین پیشودا سفر همیون ساحب و  
برور سارمان حریکهای قدا شی در سحب حاکمیت  
سورزوازی، محجب از "صلح عادل" میکند و هشت  
حاکمکارا "مذا میرالمس" و "میرسا لیسرما" صد  
هشت حاکمه (۵) فلمجدا میکند و بجهات آنکارا  
اردربر ساسی حاکم سرمی حمزد.

چگونه سازمان چریکهای فدایی  
از بورژوازی حمایت میکند؟

حرس ای سه کمپرسوار مان حرکت‌های دادنی در مذاقی ای رعده‌ر سا می موجودی سو سد: "امربالا لیسم آمریکا سا گکه سرطنه سرمه دار ایران و سکی ای ای حود و سکته های حا سوسی "درسی بخوبی" روح‌دار مان بدکار و رسم سا می طبده‌ر سا مده دار ای ای رمسدا ران برزک و فرم سده ای آمریکا ئی و هرا ای سا وا اکی می سا سد: .

ولی سین دریفی نا سدا صرسا لیسم که همان طبقه  
سرماددا را رس می سوید:

۱۰ صرسا لیسم آمریکا... سدا سیحده رسد اد  
که سپاهای سریکوئی حکومت کیوی و روی کار  
آوردن عناصری مثل بحث اور بریده و مالیه  
و با شدرب رساندن سرمادها نطا می بیواه  
سایهای خود را در ایران دستال گذوه دهد خود  
را گذرسک کنند و سرکوب حسن طی مسا  
اس سین سرد ۱۰ بروگا ملا اسکار اس کد  
سلان ا صرسا لیسم آمریکا سرای حمل سک  
سات معن سو سط مهره های خود در درون  
حاکمیت سا سک روسو سده اس ا راسرو در  
سر اسط کوئی حبیک تکری عدداد صرسا لیسم  
اعمال صاره ای ارسرون اس "۰ کاره ۵

سیم آنالیس طوراً نسبت دارد؟  
هگاه مسکه هشتم حاکمه با سما مقوای از همان روز  
و ل رای بارسازی و سرمم سیم سرمائی داری  
با سیمهای بیناللسم می کوسد اندون سرمه داری  
سیمه ها و از راه ساحلی اعضا داده مدهشی سوده ها  
برای سرمم ماسن دولتی و سوردا رکان سرگوب  
ما معراج حشوی و ایستادن سعی ارسن ایستاده  
مسکید، همین وی خوب است ای سرگوب و ملا

(۵) - مطور مانعی و خود هرگوشه مساد میان هشت حاکمه  
بخصوص حماحی از آن سا مرسا لیسم آمریکا سیستم  
اصادی که داده عصب هم دارد، بلکه میتواند بقیه حلالیت  
مساد مساد مرسا لیسم این ساده و عملکرد آن در  
یا خوب فدا بعلای جیانت ایست.

● بنظرهبری سازمان جریکها فقط اعنای صرمذوری چنددردا خل هستند که بنظراین جریان طبقه‌سما یهدا را زمکسان نیستند، آن‌ن "ظلوماً، گیرند، همان دیدگاهی که بصورت دفعه حزب توده و "سجهانی" را شمی دهند

ضریباً لیسم آمریکا در جهان رخوب مذا تغلق خیاً نسی  
نست؟ آما حسین کارا مذاً بسان نمی‌بدهد که هشت  
ماکمه در مذبت سا اتغلاب و سدا و آن ودرسرکوب  
مس در حال اوح مذا هیوی لیسمی - مدیرها سداری  
اسند و سروهای اسلامی دارای هموچوی اساسی  
ما امریباً لیسم آمریکاست؟ وسا لاحرآ سانی سانسیها  
عقلکرددا درخدم امریباً لیسم و مبنی سا منافع  
ن سنت؟

حرسان حاکم بر سارمان حریکهای مذا ائی آسکارا  
سب بد محربت روپریوسنی مبرید، و حسن و اسود  
سوارکه حکومت کویی حکومی مذا امریباً لیسمی  
سب واران لحاظ ا مریباً لیسمدری "سرکووسی"  
ومساد، حسن در کی هست معنای دیگری بذا رخدحر  
سیکدا راطرا من سارمان طبعه احمداعی مسلط طنجه  
اء، "مذا بسالیب" بساند.

سنددلل ؟ بدان دليل روس کهار طرما رکبیسی هر دولتی ساپسدهک طبقه معین حسما یعنی اس، ما هشت دولت و در درس ساسی حاکم اسطه میگشی سانشیده حسما یعنی صلطنه دارد. هست ولت "ما روا" طبقه ای و "سما محلشی" وجودیدا رد. دولت رگان حاکمی و سرا رسکوب سک طبقه وسط طبقه دکتر است. در ایران عاصماین که زور رواری طبقه مسلط راسکل میندد، ما میداییم هماییں دولتی حاکم رگان ساد بور رواری ایران مداعع سیسم رسانیده را و ایمه می سادویا لاجه سادایم که سور رواری حاکم پیغوجه خدا امیرالسلیس سوده دوبا لطبع دولت طبقه ای اویز هرگز میتوسد ادا میرا لیست ساده ای و سطرا رکبیسی هر حالات امیرا لیست ساسی صافه مدا میرا لیستی و

## هرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق‌های ایران

عین حا طرما و زده علیه میرزا میرزا مسکن نسبت مگر  
وطربی می از راه علیه بستا دهای ای ای صادی - طبقاً سی  
موجود و در در ساسی مذاقع آن در حامه این مبارزه  
نکسر مسکن نسبت مگر صح رهبری طهمکار زکر حمال  
آنکه روپریوس سیا اس مها هم را محبت کرده و از  
تحا که دهسا رس طبقاً در علیه و سیکرس در در سراسر  
سور روا ری کشیده دهاد، اساساً سیمیا سندیک  
من از رهدا میرزا لیسی معا عرا را مدینیس سرشن.  
آیا همدمها سور روا ری، مارهدا میرزا لیس در  
حروف را مارهدا فاعی حا مرسید. جرب سوده حا شنی  
می سو شد هر چشم می کوشیده اس در حال لکدا ز حان  
دیگر به می، استلال، لکده می، وا سیک، داشتم

سا طفه‌سرم‌ساده‌دار "رامطوح میکند، اما مبارزه زا  
دولب‌حا و شما می‌دهد آن را "فردا موسی" میکند! این  
سارمانا طفه‌مرکزی و محصر صراحتاً ملابی سوده‌ها  
مرعلمه "طفه‌سرم‌ساده‌دار" را "ادسوس" می‌نامد دور  
مسا رویدن نرسی دهن آسای را از "سائل اسا" می‌خواهد  
سا سب عینی ساحمان قدرب دولی" (۶) محرب  
مکنده‌ها را در آسای راست عرصه‌ای مکان‌دکده  
"سا حمان قدرب دولی را سابل سود" (۷) آسا این  
ساس خرس‌اس‌لنرا ای و روریویسی حزدگری  
می‌تواند مسده‌سود و آشام مسوان گفت که  
سارمان ح.د. بح. "طفه‌سرم‌ساده‌دار" را در عرصه‌سیاست  
به "فردا موسی" می‌سازد؟!

بخشیده و تسودهه را به ایجادک حبشه  
با بورزوازی دعوه نماد. رهسری سارمان حربکیا  
هذا شی مکوسدیا دولت مدھنی موحدورا "دایپر" -  
مالبس " خوده دهوده و سدهها راهه حما ی سعال ار  
این ارگان طھا سی بورزوازی سکايد. آری حربا ن  
حاکم برسا زمان حربکیا نداشی جواهار سی  
حاکمیت طھا سی بورزوازی و سیوپ ماس دولسی  
او میباشد، او حواهان تحفیض و سوچت سیا زرطھا سی  
ومخالفا مغلاب سودهه علیه بورروا ری خودی می -  
با سدوبروا صاح اس که جنین ساسی سان عرسان  
سیا سزا زن طھا سی و روپرسوسم اس .

البسملة ابتسارهان جريكيهان فدا شاهي  
اعبر عن كشكدهكم "ظفـهـرـمـاسـدـهـ" رـاـسـكـاهـ  
اميرها لـسـمـدـرـاـسـاـنـ مـدـاـسـمـ وـآنـ رـاـزـدـهـوـسـىـ  
نـكـرـهـاـ بـمـ.ـ حـاـنـمـدـرـورـيـهـاـ اـنـ اـعـبرـ اـنـ سـاحـ منـكـرـهـ

می رزیده اسک طبقه احتمالی برای اساس از طریق  
می رزیده علیبدولشی که می بیند و حافظ متفاوت اساسی  
آن است میتوان سپبیش سرد، می رزیده ولتا را با  
طبقه مسلط انتخاب دی (وردا یعنی طبقه سرمایه دار  
بران) اگر بخواهند هنذ (که می بید) از جها رحوب تنگ مبارزه  
فتخابا دی فرا ترزو رو دو سه عرصه سیاست کشانده سود،  
بننا گیریم با سمت سمت دولت حاکم و قدرت ساسی  
یا ساده رمنای این طبقه چیزی نماید، می رزیده  
برولسا ریا و توده ها فقط در جنس مورثی است که  
میتوانند معمون و محتوا ای انتقلایی داشته باشد و از  
آن رزیده طرکب برخی امنیات زداده دارند این داده  
اظاهه سرمایه دار "سیوان" که طبقه انتخاب دی، سه  
می رزیده سماع رسای ای و انتلاقی سنت-پترزبور  
سرگوی طبقه مفروض، از طریق سرنگویی دولت  
می ستد آن را برخی سایی می رزیده سماعی "طبقه  
سرمایه دار" می ساید که این میرزا لیم، حزا ز طریق  
می رزیده دولت خا می آن، می سرست و سعدون آن  
عیار بزدباری سوچ ایست. بترا مان ح. بح. می رزیده

ما میپرسیم در هیئت حاکمه ایران  
میکنند؟ ما میپرسیم حکومت حاکم  
جهطلبقا نی را سرکوب میکنند؟ ما  
با اسلام و مکالمه آنرا در جهان

رہبری سازمان حربیکهای فدائی  
بے جند "مہر" خلاصہ کرد و طبقہ  
حاکمہ سوق دهد، این جریا نہ  
امیریا لیسیمرا مخصوصی آشتی  
با بورژوازی دعوت نہما د

## نفی مبارزہ طبقاتی تحت پوشش مبارزہ ضد امپریالیسمی

دستیم که هر یکی از حاکم‌سازان زمان حرسکهای خدا شی  
ما سینه روز برویوسی دوبل و طبعه حاکم و ای  
آمریکا لیست قلمدا دکوه، سیسیدسا سهای  
برویا لسمد و حموی سرکوب حسین نوده ها رکا سال  
حکوم را بهی که کرد و طفعه کارگرویا برویوسده ها  
دهماین ای سرور واژی در محواده  
ای سارهان در ادا مسخر و در روز برویوسی حود  
قدرب ساسی "حسین مکویه"  
و اعیب است که آب الله حسینی رهبری  
هزمه ای امریکا لیست آمریکا را محابان در دست  
دارد و شنز ای سا وزه ا مروریا رو مدد  
امیریا لیست جیا سی سرکردگی ای امریکا لیست  
آمریکا را بلرده درا و دده اس و "ساز و مور" -  
انگیزه ماتاکنون مدیر و روزیها حسگری دست  
با فتد است. (کار ۵۹)

اما مارمان جرسکهای فداشی حلی حد میگوید و  
جمهوریکه؟ رهبری این سارمان، حصورا میریالیسم  
را در اسرا در حرج "مهده" در حکم می سند و در  
سا روسودیطمسارهای سرداری و افسوسه، سه دار آن طبقه و  
ندرت ساسی ای که میسیی را مارازی میکند تا  
میریالیسم شما سد، و مرا رهدمدا میریالیسمی را  
در هیا هوی سوره روازی و دسما خرد و سوره روازی مرغه  
سریگ در تدریت ساسی می سبد. حال آنکه واعتب  
حرسکه کریست، اگر میریالیسم، دههان "جنس" کردی  
رسودگه سوب بسنه میسد، ما کوکد "مدا نفلانی" سیده حی  
رسودگه که میریا ران میکس، سآ آن کارکر "حالگلکری"  
رسودگه که علیه سرداری و استندا عنصارات را می دهی -  
آسدا زد و زنندان می افتدی آن دههان "کافری" که  
رسیهای فتوvalیها را "غصب" (و سطرماده مکرده)  
و هر ران سیچنوا فسرا می سند ما آن سازما بهای  
"جب آمریکا شی" سوندندکه دس سدا میگری حنا سا ب  
رژیم میردهدا دسای سودهها را آگا ه و میکل کنند و بده  
ما آن حا طریمور دخرب فرا رهی گرفتید، در این صورت  
وا معا مسوان گفت می راه علیه میریالیسم را سا  
گکون هشت حا کجهه رهبری "حاج حسین" تحوبی به  
مشت برده است

۷- مسازه‌های میرزا لستی و اعیان کذا می‌باشد؟  
۸- روز بی‌پلاسک دستا مگوشه سما میرزا لستم نسبت. این  
۹- روز بی‌معنی سکاروسای ناسوئی نهادهای اقصادی  
۱۰- با سی نظامی و فرهنگی و انسانیه میرزا لستم بی‌معنی  
۱۱- سرد علیه‌منبرهای اجتماعی ای که همه‌جا شنه در  
۱۲- ناع از سیستم سراسر اداری و انسانی، طبیعت‌گرا رکر،  
۱۳- ودها و طبقه‌ها را سرکوب مکنند. سلطه و نفوذ میرزا  
۱۴- مسنتی و ادا مه آن در بیک کشور مرسیس مکریه‌ای اتکا  
۱۵- بقدام طبقه‌نی در مناسبات اجتماعی - افتتمادی  
۱۶- شخص که زمسه طبقه‌نی این شفود را بدست آورند، به

دا سه ماسد، اکبر دیرور و حدب ساخاچی از هیئت  
حاکمده سعا رساریان حركتکهای جدا شی سود، اکسون  
و حدب سا همه حجا خپا در میسور کارا رمکرود و آبیم  
و حدسی سربریزم "خط امام" حراکه هشتری جدا میز -  
مالیسی "ام" نک "واعیع" س- والیه خربکهای  
 جدا شی هما س" و "اعیع" را دیر فرمید. آنی لیس الیاهی  
در سوریست و استاد رکارا رسازمان حركتکهای جدا شی  
سربریزمی و احکم رد آنند! ای سپسازی طبایی و  
تفاصل.

امیرا لیسمچانی را پلر زه در آوردید، معما  
دیگری بدید راجز خط سلطان کسدن رسپنگری طبیعه  
کا رکونن اساسی اور داعل دمکرانگ و مسد  
امیرا لیستی مینه ما، رمایی که "ما رازات" خوده  
بیور روازی مردم پیش در در در، امیرا لیسمرا به  
"بر در آوردید" دیگر خدا حساحتی بسطنده کارکر  
می ماد؟ دیگر خدا ری به بحاجت مصلحت طبیعه  
کا رکرمی ساد؟ دیگر خدا روشی برسما برخاست  
دیگر ایسم زلیل ایسم باشد، می ماد؟

## توسیعه و تکامل انقلاب و هراس رویزیونیستی

س اوسا، ادا موایاسکی سدا میرالیس  
ادا مدیران اعصابی، ادا مدیر و غلک بودهها و  
سرکوب کسردودهها بوسط رسیم حمپوری اسلامی  
موحد دسودههای سیسی سدا رسود و وهمهای  
سیب دولت قزوینی و مبارزه طبقائی عحق سیسی  
بحسد. قزوینی و هم و غربان سدی ما هیب مسد  
مردمی اس حکومت، همی سواب سورد استیوال  
سرهای کمپس و اسلامی غرا رسکردن، اما روسرو-  
رسیسیها اراس امرکاران سوده و می با سدر برآ  
آسان دافع همس رسیم سوده و جواهان اتفاقیاب سید.  
حال سیسیم موضع رهبری سارحان حریکیای فدا شی  
در اس مورده حسب و حکومه مفهوم ما رسکسی دولت  
را تحریف مکدی:

...و اوس در حالی اس کده محاصل جنگ افروز و  
سرکوبکردن هست حاکمه کدها قاهرکوبه مجرمه  
سای سوده و بحاطرا عمال و حرکات خدمتکاران  
و حسنهت سارخودا کنون مسلسلیسا اس از مردمی  
راکهد رهبری سرکوبی سا دهنلاشد در مارزه  
سرکت دا سیدی مغلل سا حده و سطقداری ار  
جهیه لیس الیها و ادا ستد اس ... اکروچع مدنی  
مسوال سیس رسوده مهوف مداری برا لبستی بودهها  
چان صعفت میسود و نسخه درگیری و حسنه  
میان مردم جان با لامگیرکرد که استخناه جناب -  
نا بدیران قدر بگ من حیله هدا نغلاب و بعدت

سماز روپریوئیتی و دم رکسیسی سار مان  
حرسکهای فدا کی حزاں نسیساوندیا اسد: "همه‌ها هم"  
در ریرسچرم آمام "حیث سوم بنا اسان ای سار،  
بلیغه‌گارگریووده‌های سندیده‌ای بدروکیا ریورزوزاری  
مدخلخی و عنان حریر بمحی حون سپسی ها، مطلب زاده‌ها  
با زرگانها، ریسخایی ها، مدنی ها، سی صدر جاو...  
جمع سوندیا سوا سندیده "برور پهای حمکری" اتل  
آسیدا

امیریا لبسمبا رزه طقا تی رانفی مبکند و بورزوای  
و درت سپاسی آن را علا از حدمت مبارزه سوده ها  
مدون مدارد .  
رهبری سارمان جریکهای فدا تی درسی سخا  
بورزوای و فدر ب طبقا سی اوا ز پریب مبارزه طبقا سی  
شوده ها است . ا وبا " فدا سرما لبست " نیا دادن کسانی  
که سرسکوب و حسیا شموده های خلمهای ما منغولند ،  
دریبی فربت توهده ها و تبدل کردن آنها به زا شده  
بورزوایی است .

سازش طبّاقی و نفی انقلاب

رهبی سازمان حربکیا فدائی سان شیدرزم  
جمهوری اسلامی، با حمایت از هشت حاکمه کشوسی، با  
خوبی «رهبی آیت الله خبینی» هیچ راهی دری  
نمایند راه را درجا نمکنند تا اغلب وسیع رهبری پرلشاریا  
بررسد و بین خطی است که وزیر پونیسته آنرا شغفیب  
می کنند. بیان اینکه مردم متحت هدا مستحبی از  
هزیست حاکمه «سرپوزیهای حشمگیری» ناشی سده است  
بیان اینکه می بازد بحسی ارهیست حاکمه «تار و سود

رویزیونیسم را در هر پوشه‌ی افشا و طرد کنیم

و نیز اقدامات آن را شستنی حب نهادن "فرا رمی" -  
کرده، این تحریف آنکه از موقیع دولت جریحد دنطر  
درمان را کسم - لشتنیم و جزا سعاد و بیریونیم حمز  
بکری سمعنا بدیا سد.

سرکوب طبقاً مخصوص هر دولت طبقاً ای است . دولت ارکان سازی بک طبقه دیر طبقه دیدگار است و سه بیان دنکرا سراسراً اعمال دنکسا سوری بک طبقه معسر اجتماعی است . ماسن دولتی حافظ می اسات طبقه ای موجود است و در اسکال کوشاکون میگشود که حکمت طبیه مسلط و داد و آبراسا دری بعابده منزه ای که میباشد ره طبقه ای رسیده مکدسه ا عملاً سرکوب آنکاربر و همه خانه بدرستی می شارذ . رسربیونیشنیها سوسنده ایں مقیوم اساسی ای دولت را تحریف کرده و میگشند ای مازه طبقه ای مسوده ها - که اسکار بر لیند میگشود - به میوه حکمل ها سین دولتی بلکه مسوخه ای خرو و با آن خرو : اراما سن دولتی و با مسوخه مسوده ای و عملکرد های ماسن دولتی ماسد . رسربیونیشنیها ندر در همکنی ماسن دولتی که عبارت از رسربی های سرکوب همچون ارسی ،

رسیدن حکومت دست نساندها میریا لیست  
آبریکاست". (کار ۵۹ - باکیداز ماست)

۱- میدانیم که بحث میهمی از نواده‌های خلوٰ ما در تحریبه مستقیم خود و سبب نابراہمناکری و عالمیانی آکا هکرا بنبروهای کمونیسی و اسلامی ارهاشیت حاکمه، بین از میں آکا دکسته‌وا زهیلک حاکمه برده اند، اما کچھ دیس از میں امردانی بودد که سرانسر عملکرد ریجاعی دولت حاکم و صعف عصر آکا و بسط فشان آکا ہی، بمسوی عناء صرسخی نظر سخوار و سالیپرا لیا اس طاھر محال حارج از جکوت متحابل کسید، ولی اولاً اسی عدم تناسب مسوده‌های میلسوسی تسلیل سوده و سائنسی اسی عدم اساس ارقام و مرقد حامد سودا ند، حال آنکہ "میلسوسیاس ازمودم" (در کردستان، سرکمن صحرا و ...) بدسال غربیان سندی

● این سازمان حضورا مپریا دریا را در چند "مهره" در حاکمیت می بیند و هدرتا روی و دنیا مسما بهدا ری وابسته، نهدر آن طبقه و قدرت سیاسی ای کدیسیستمی را با زاسای میکنندتا امپریا لیسمفا سا بدومباره خدا مپریا لیستی را در هیا هوی بورژوازی و دستا مخدده بورژوازی مرفة شریک در قدرت سیاسی می بیند. حال آنکه واقعیت چیزی دیگری است.

جوهر کلام رهی سازمان حرسکاری فدایی انتسب  
اعمال ساس سرکوب هشت حاکمههت حدهکردن  
انقلاب ، اعمال ساس سرکوب و چنگ افروزانه  
هشت حاکمههه کارگران وزارتکستان دورود ،  
ادبیمک ، انزلی و علمه خلی دلاورکردسان و اعمال  
سas سرور و حقان در قال شبروههای کمیسیون  
انقلابی نهادنی ارام هست طبقاتی دولت حاکم ، لکه  
نهادنی ازدواج است : **قدمان "تجربه سپاهی"** "محاظی  
از هشت حاکمهه و شر "جویانات انحراف به "جب" و  
"لبیرالها". بدمیان دیگر ، از شفته نظر و زیبونیستی  
این سازمان ، اگرحتا نجه محافل فوق "تجربه سپاهی  
بیدا کشند ، ساست سرکوب را کتا رکذا شخواه دند و  
شنبیز "حوسا ناب انحراف به "سنجشنا نجده نداش  
آنا و سبستی "تنما بیدختک افروزی ازین حوا هد  
رفت . هریا ر روزبیونیستی فوق دو تحریف اساسی  
خدما ما رکیسیستی بعجل می آورد :

۱ - سرکوب و اعمال دیکتاتوری جزو ما هست طبقه  
حاکم استشرا رگرنیست و این سرکوب ضرورت بقای  
منظما سرما سده ری و اسندها میریا لیسم بسما رنمی-

لایلیس، را شنا رصی بدستگا م سوروکار اسی، زندا نهاد  
دایگا هیا و .. سلکدروری بینها را حس ما هم  
طبقاتی دولب و خارج کردن آن از پربرده مسازه  
طبقاتی سودهها می باشد. آنها خواهان کسب برخی  
منیا زاب و با سپمه ارقدرت در همین ماسن دولسی  
جا همیست.

سرخورد<sup>۱</sup> کا ر۹۵ ”دیعا سانکریک سنت رویزیو“  
 نیمسنی در سخور دیده دولت میباشد، فیلا دیدبم کے  
 حکومتیں بیگانہ طبقاً نتی دولت در ایران را کدد رحس  
 غالب خود ہماں سورزاوازی اس سپاہ کردند و دعا  
 خانا را دولت حاکم بردا حسید، حال درگ رویزیو –  
 نیمسنی در نقل قول فوی عنان ترگردیده است۔  
 رہسری ساران جربکیاں داداشی درست جنگ صحبت از ”محائل“  
 جنگ افروز و سکونکر درون هیئت حاکمه که فائدہ گر کوئے  
 تحریر ہے ساسان، ”رسقالد کا“ اس مکتد، بایان نہ نسبت

نمی تواند انسان را در راه آگاهی بسیند بهموده ها  
و تشکل آنها هرچه سیر نزیر غیب سکندوبا لآخره این امر  
نمی سواند بروز واری و روژیوبیسیا و اورتوسینها  
را هر آسان شناساره و اعانت این است که سارمه ای  
ج.د. ج. "معمال" و سیاست پاسفیسی کوشنی خود  
نسبت به مبارزه طبقه ای را بحساب "بنفعال" سوده ها  
از این سازره می کند رید!

- جریان مسلط بر سازمان حکمکنها در  
کرسن در فریبا ل بورزوواری تأسیدا نجایی میروند که  
مقوله دولت از نظر مرا رکسنسی را آسکار انحراف  
مکنند. لئن من می نویسد:

"دولت سازمان خاص از شیر و سختی سازمان فوه  
فیزیه برای سرکوب طبقه معین است."

(ادهاب ماقبلات)

# حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقه است

از آنها درجهت بیرونی انقلاب استفاده کنند، بهاینکه فقط این نخاده را ببیند و سعادتمند آنها در صدد تطهیر هیئت حاکمه و منحرف کردن جهت ضربه اصلی انقلاب باشد.

اما دیدگاه رویزیونیستی که جنم بوفرم دوخته است، از تمامی امکانات خوبی پیش میگیرد تا به فروکش کردن بحران کم کند، تا مصون داشتن قدرت ساسی از ضربات می زندوده ها به لاملاحت موردنظرش که هرگاه مجبی شوده ای بمراتب بیش از آن بدهیاران رویزیونیستی در زمان حریکهای رویزیونیستی که از جنبش شوده ها و حست زده داده اند، با هرچرکت این چشیش فردان از "حب روی" و آنا رشیم "بعرش میرسد و میکوشند با نرساندن شوده ها از انقلاب، آنها را پس کشیده و روزیم را تشییع کنند و

## رویزیونیسم: نقی مبارزه طبقاتی و انقلاب

رویزیونیسم سنتا بدیک جربان اندیلوژیک سورزاشی دارای سکسیتم نظری معین میباشد و دیدگاه رویزیونیستی حاکم بریک سازمان در تمام عرصه های عملی و نظری خود را بنا یافش میکند. هم از نظر کوئیدیم سیدگرا سی روسیونیستی و تکامل آن بدهیاران رویزیونیستی در زمان حریکهای فداشی خلق نمی توانست در اساسی شرین سوائیم این از زمان انشکاد استاده باشد. حال اتفاقاً اس دیدگاه در در راسته ساحران انقلابی حامه و مازر طبقاتی سوچوخ مبنوان متأهد نمود.

تحقیق ملح آمیز مطالاب خلق کرد و پرور روت کوس سرای سان دادن به جنگ کردستان سخن گفت و با کندکردکه مکان حل ملح آمیز سحران کردستان وجوددا ردویا باز جیسی امکان نمی بسریں سپهه کبری را کرد، رشیس حمیور سا ایتحاد با روس فرو هریسای مذاکرات ملح می کنند که رئیس حمیور بیهاد آندا زده ای سحری و آگاهی سیاسی و ماریجی برخورد را سکه ای را درک کند که سحران کردستان به همچ رواز راه طی می حل سوچه هدید" (کار ۴۵ - تاکید از ایستاد)

لین می گفت رویزیونیستها مسورو را ای اعتماد دارند، در حال لیکت نسبت به سرولنارا بی -

اعتمادی می ساند. سازس طبایی را سول دارند، در حال لیکه می رز طبایی و اسلوب راسی میگیسد.

امروز جربان رویزیونیستی حاکم سراسر زمان حرسکیا سرزمین می رادریس کرند است، ای طبایا -

جریان سرکوب حزمه می دولن بورزوی نست و این طبقه هاینا "ملح طلب" می ساسد در حال لکه هند

او روزی ارجاعی خروما هست نشووهای خط مها و مت و رهروان پرولسرا مانند سازمان سیکار در راه آزادی طمعه کار، کوشه و ... می سادی ساید از

رویزیونیسم او سریوسیم آنکه بودیا "تحقیق ملح - آمیز مطالبات خلی کرد" سخت حاکم بورزوی را

سلیخ نمود، بورزوی را از هر حنایتی مرتبا ساج

و مردان سپرده ای انقلاب ناشروهای فدا نقلاب

ما نندلیسا لهی را محدود نمود. سهای کسانی جنیس می کنند که سرولنارا را سنت کرد و به حمیه بورزوی روزی آورده اند.

رهی چربیکهای فداشی میگوید:

"سردها و عنایی که با حرکات جب روانه همود علا درکنا را میریا لسم قراز گرفته و بزرگترین صربا را به حمیه میین ما وارد مسازند، می -

کوئندتا جنیس را با نجرا ف کنند" (کار ۵۹)

پس زده می دبورزوی "ملح طلب"!، زده باد

حاج "فدا میریا لبس هیئت حاکمه" که میسا رز ات مردم را هدایت میکندوا میریا لسمرا "تلر زه" اند اخنده ایست!

می سیم حکونه رویزیونیستها که میلسان

مالامال از عشق و اعنای دیده بورزوی را زی و مخالفت

نسبه نقلاب است، جنایت سرورزوی را زده می سیم طبایی اور ایا پرده ای ری می سوا نند، می سیم

که رویزیونیستها حکونه آب تظیر بر سریوسی بورزوی را زی می -

ربیزند، او را "فدا میریا لست" و "ملح طلب" معرفی می کنند، قتل عام تندوها را توطی دولت بورزوی را

تفی میکنند و میسیم تریب حاده میزش طبایی را

دولت بورزوی را زده می سخا سرکوب سرمایه داران

علیه طبقه کارگر و سرپوشیده ها نمی کرده و سرای کسب

امتیازی حندا ربورزوی را حزبی دی "با لا" آشکارا

مارکسم را سحریف می کنند.

● جالب است که از مان جریکهای فداشی حتی دیگرا زمان را رزه با "محافل لیبرال درون هیئت حاکمه" که تا دیروز آنچنان برآن می فخرد و میزد و خود را با دیگران بر سرای میگرد، بصر اموی سرده است و این میبا رزه را بسکوت برگزرا میکند، آنچنان رویزیونیستی میزد و داده که اکنون رهبری سازمان جریکهای فداشی همچنانچهای هیئت حاکمه را از جمله بورزوی را زی را که تا دیروز آنچنان بر سرای را رزه خود بیان آن تا کید میگرد به وحدت بخاطر "میبا رزه با امیریا لیسم" زیر بترجم "ما م" فرا میخواهد.

ابنچا سست که سه حلفه دیگری از سیستم رویزیونیستی ای سوچو خویش میگیرد، ای اشده سه سوچو خویش جربان مسلط فداشی ها می برسیم، این جربان سا ارا شهربنار مدها شی خندمیگوشت بدشیبیت رزیم کمک کند تا ناریم "فدا میریا لیست" بین اندسا حیا ل آسوده به "سازده با امیریا لیست" ادا مدده دنبا با زهم "پیروزیها ی چشمکیر" دیگری که فقط جندیوندان را در سطوح بیشین برشمردیم، بدست آورد، برنا منسبیت رزیم که توسط این جربان رویزیونیستی ارا شده دش مل دوبخش اساسی است:

## الف - تشنیج زدایی

زیر بنای این قسمت بدینصورت فرموله میشود که "... محافل جنگ افروز و سکوی بکار روند هیئت حاکمه...، هنوز سه عمل جنگ افروزانه و خس دمکراشکن خود را میدهند و درست در ساربراین محافل، جربان ای اخراج به جهت چنین گویندی و لیبرالها روز بروز بیسته ریه ای عمل آن رشیستی و سوارهای سرگوشتی کشیده میشوند...، واگراین وضع بین متوال پیش رود، مخوف فدا پیرها - لیستی نزد ها هنچنان تخفیف میشود و تشنیج درگیری و حسونت میان مردم چنان با ای ایکیر د که تینجاها جستا ب تا بذیرا آن قدرت گرفتن چبهه فدا نقلاب و بقدرت رسیدن حکومت دست نشاند امیریا لیست آمریکاست." (کار ۵۹ - مخدو ۲)

این جربان سا از جنین زمینه چینی هائی، نشووهای کمونیست و میبا رزی را که در مقابله رزیم ایستادگی کرده و سا معا و مت حویس آنرا بیش از بیش

بنده حرف کت خط مفی مارکسیستی از اینچا سست که حون سدون سایودی سیسیم سرما بدوا ری و ایسنه امیریا لیست و قطعه و ایسیگی ولا جرم سرنگونی فدرت ساسی مداعع اس سیستم سجنوان هفت استراژیک انقلاب و سدربر رسیدن شخشدتا ستوان متأکیه سر برولت ریا، هیکونه ماکانی برای رهایی کار و گران و زحمتکار از پندرگی و سراط طاقت درسای طبایی و وجودندار، سنا براین باید بیش رفت و از موضع میبا رزه طبقاتی نخادهای طبقاتی ای راکهزایید و همین سیستم هشندست شخشدتا ستوان متأکیه سر مازدها و چون گرفتند هندها و سازما ندھی و شکل آن ای و نتا میزی رهی چربیکونه ماکانی برای رهایی کار و گران و زحمتکار از پندرگی و سراط طاقت درسای طبایی و وجودندار، سنا براین باید بیش رفت و از موضع میبا رزه طبقاتی نخادهای طبقاتی ای راکهزایید و همین سیستم هشندست شخشدتا ستوان متأکیه سر مازدها و چون گرفتند هندها و سازما ندھی و شکل آن ای و نتا میزی رهی چربیکونه ماکانی برای رهایی کار و گران و زحمتکار از پندرگی و سراط طاقت درسای طبایی و وجودندار، سنا براین باید بیش رفت و از موضع میبا رزه طبقاتی نخادهای طبقاتی ای راکهزایید و همین سیستم هشندست شخشدتا ستوان متأکیه سر مازدها و چون گرفتند هندها و سازما ندھی و شکل آن ای و نتا میزی رهی چربیکونه ماکانی برای رهایی کار و گران و زحمتکار از پندرگی و سراط طاقت درسای طبایی و وجودندار، سنا براین باید بیش رفت و از موضع میبا رزه طبقاتی نخادهای طبقاتی ای راکهزایید و همین سیستم هشندست شخشدتا ستوان متأکیه سر مازدها و چون گرفتند هندها و سازما ندھی و شکل آن ای و نتا میزی رهی چربیکونه ماکانی برای رهایی کار و گران و زحمتکار از پندرگی و سراط طاقت درسای طبایی و وجودندار، سنا براین باید بیش رفت و از موضع میبا رزه طبقاتی نخادهای طبقاتی ای راکهزایید و همین سیستم هشندست شخشدتا ستوان متأکیه سر مازدها و چون گرفتند هندها و سازما ندھی و شکل آن ای و نتا میزی رهی چربیکونه ماکانی برای رهایی کار و گران و زحمتکار از پندرگی و سراط طاقت درسای طبایی و وجودندار، سنا براین باید بیش رفت و از موضع میبا رزه طبقاتی نخادهای طبقاتی ای راکهزایید و همین سیستم هشندست شخشدتا ستوان متأکیه سر مازدها و چون گرفتند هندها و سازما ندھی و شکل آن ای و نتا میزی رهی چربیکونه ماکانی برای رهایی کار و گران و زحمتکار از پندرگی و سراط طاقت درسای طبایی و وجودندار، سنا براین باید بیش رفت و از موضع میبا رزه طبقاتی نخادهای طبقاتی ای راکهزایید و همین سیستم هشندست شخشدتا ستوان متأکیه سر مازدها و چون گرفتند هندها و سازما ندھی و شکل آن ای و نتا میزی رهی چربیکونه ماکانی برای رهایی کار و گران و زحمتکار از پندرگی و سراط طاقت درسای طبایی و وجودندار، سنا براین باید بیش رفت و از موضع میبا رزه طبقاتی نخادهای طبقاتی ای راکهزایید و همین سیستم هشندست شخشدتا ستوان متأکیه سر مازدها و چون گرفتند هندها و سازما ندھی و شکل آن ای و نتا میزی رهی چربیکونه ماکانی برای رهایی کار و گران و زحمتکار از پندرگی و سراط طاقت درسای طبایی و وجودندار، سنا براین باید بیش رفت و از موضع میبا رزه طبقاتی نخادهای طبقاتی ای راکهزایید و همین سیستم هشندست شخشدتا ستوان متأکیه سر مازدها و چون گرفتند هندها و سازما ندھی و شکل آن ای و نتا میزی رهی چربیکونه ماکانی برای رهایی کار و گران و زحمتکار از پندرگی و سراط طاقت درسای طبایی و وجودندار، سنا براین باید بیش رفت و از موضع میبا رزه طبقاتی نخادهای طبقاتی ای راکهزایید و همین سیستم هشندست شخشدتا ستوان متأکیه سر مازدها و چون گرفتند هندها و سازما ندھی و شکل آن ای و نتا میزی رهی چربیکونه ماکانی برای رهایی کار و گران و زحمتکار از پندرگی و سراط طاقت درسای طبایی و وجودندار، سنا براین باید بیش رفت و از موضع میبا رزه طبقاتی نخادهای طبقاتی ای راکهزایید و همین سیستم هشندست شخشدتا ستوان متأکیه سر مازدها و چون گرفتند هندها و سازما ندھی و شکل آن ای و نتا میزی رهی چربیکونه ماکانی برای رهایی کار و گران و زحمتکار از پندرگی و سراط طاقت درسای طبایی و وجودندار، سنا براین باید بیش رفت و از موضع میبا رزه طبقاتی نخادهای طبقاتی ای راکهزایید و همین سیستم هشندست شخشدتا ستوان متأکیه سر مازدها و چون گرفتند هندها و سازما ندھی و شکل آن ای و نتا میزی رهی چربیکونه ماکانی برای رهایی کار و گران و زحمتکار از پندرگی و سراط طاقت درسای طبایی و وجودندار، سنا براین باید بیش رفت و از موضع میبا رزه طبقاتی نخادهای طبقاتی ای راکهزایید و همین سیستم هشندست شخشدتا ستوان متأکیه سر مازدها و چون گرفتند هندها و سازما ندھی و شکل آن ای و نتا میزی رهی چربیکونه ماکانی برای رهایی کار و گران و زحمتکار از پندرگی و سراط طاقت درسای طبایی و وجودندار، سنا براین باید بیش رفت و از موضع میبا رزه طبقاتی نخادهای طبقاتی ای راکهزایید و همین سیستم هشندست شخشدتا ستوان متأکیه سر مازدها و چون گرفتند هندها و سازما ندھی و شکل آن ای و نتا میزی رهی چربیکونه ماکانی برای رهایی کار و گران و زحمتکار از پندرگی و سراط طاقت درسای طبایی و وجودندار، سنا براین باید بیش رفت و از موضع میبا رزه طبقاتی نخادهای طبقاتی ای راکهزایید و همین سیستم هشندست شخشدتا ستوان متأکیه سر مازدها و چون گرفتند هندها و سازما ندھی و شکل آن ای و نتا میزی رهی چربیکونه ماکانی برای رهایی کار و گران و زحمتکار از پندرگی و سراط طاقت درسای طبایی و وجودندار، سنا براین باید بیش رفت و از موضع میبا رزه طبقاتی نخادهای طبقاتی ای راکهزایید و همین سیستم هشندست شخشدتا ستوان متأکیه سر مازدها و چون گرفتند هندها و سازما ندھی و شکل آن ای و نتا میزی رهی چربیکونه ماکانی برای رهایی کار و گران و زحمتکار از پندرگی و سراط طاقت درسای طبایی و وجودندار، سنا براین باید بیش رفت و از موضع میبا رزه طبقاتی نخادهای طبقاتی ای راکهزایید و همین سیستم هشندست شخشدتا ستوان متأکیه سر مازدها و چون گرفتند هندها و سازما ندھی و شکل آن ای و نتا میزی رهی چربیکونه ماکانی برای رهایی کار و گران و زحمتکار از پندرگی و سراط طاقت درسای طبایی و وجودندار، سنا براین باید بیش رفت و از موضع میبا رزه طبقاتی نخادهای طبقاتی ای راکهزایید و همین سیستم هشندست شخشدتا ستوان متأکیه سر مازدها و چون گرفتند هندها و سازما ندھی و شکل آن ای و نتا میزی رهی چربیکونه ماکانی برای رهایی کار و گران و زحمتکار از پندرگی و سراط طاقت درسای طبایی و وجودندار، سنا براین باید بیش رفت و از موضع میبا رزه طبقاتی نخادهای طبقاتی ای راکهزایید و همین سیستم هشندست شخشدتا ستوان متأکیه سر مازدها و چون گرفتند هندها و سازما ندھی و شکل آن ای و نتا میزی رهی چربیکونه ماکانی برای رهایی کار و گران و زحمتکار از پندرگی و سراط طاقت درسای طبایی و وجودندار، سنا براین باید بیش رفت و از موضع میبا رزه طبقاتی نخادهای طبقاتی ای راکهزایید و همین سیستم هشندست شخشدتا ستوان متأکیه سر مازدها و چون گرفتند هندها و سازما ندھی و شکل آن ای و نتا میزی رهی چربیکونه ماکانی برای رهایی کار و گران و زحمتکار از پندرگی و سراط طاقت درسای طبایی و وجودندار، سنا براین باید بیش رفت و از موضع میبا رزه طبقاتی نخادهای طبقاتی ای راکهزایید و همین سیستم هشندست شخشدتا ستوان متأکیه سر مازدها و چون گرفتند هندها و سازما ندھی و شکل آن ای و نتا میزی رهی چربیکونه ماکانی برای رهایی کار و گران و زحمتکار از پندرگی و سراط طاقت درسای طبایی و وجودندار، سنا براین باید بیش رفت و از موضع میبا رزه طبقاتی نخادهای طبقاتی ای راکهزایید و همین سیستم هشندست شخشدتا ستوان متأکیه سر مازدها و چون گرفتند هندها و سازما ندھی و شکل آن ای و نتا میزی رهی چربیکونه ماکانی برای رهایی کار و گران و زحمتکار از پندرگی و سراط طاقت درسای طبایی و وجودندار، سنا براین باید بیش رفت و از موضع میبا رزه طبقاتی نخادهای طبقاتی ای راکهزایید و همین سیستم هشندست شخشدتا ستوان متأکیه سر مازدها و چون گرفتند هندها و سازما ندھی و شکل آن ای و نتا میزی رهی چربیکونه ماکانی برای رهایی کار و گران و زحمتکار از پندرگی و سراط طاقت درسای طبایی و وجودندار، سنا براین باید بیش رفت و از موضع میبا رزه طبقاتی نخادهای طبقاتی ای راکهزایید و همین سیستم هشندست شخشدتا ستوان متأکیه سر مازدها و چون گرفتند هندها و سازما ندھی و شکل آن ای و نتا میزی رهی چربیکونه ماکانی برای رهایی کار و گران و زحمتکار از پندرگی و سراط طاقت درسای طبایی و وجودندار، سنا براین باید بیش رفت و از موضع میبا رزه طبقاتی نخادهای طبقاتی ای راکهزایید و همین سیستم هشندست شخشدتا ستوان متأکیه سر مازدها و چون گرفتند هندها و سازما ندھی و شکل آن ای و نتا میزی رهی چربیکونه ماکانی برای رهایی کار و گران و زحمتکار از پندرگی و سراط طاقت درسای طبایی و وجودندار، سنا براین باید بیش رفت و از موضع میبا رزه طبقاتی نخادهای طبقاتی ای راکهزایید و همین سیستم هشندست شخشدتا ستوان متأکیه سر مازدها و چون گرفتند هندها و سازما ندھی و شکل آن ای و نتا میزی رهی چربیکونه ماکانی برای رهایی کار و گران و زحمتکار از پندرگی و سراط طاقت درسای طبایی و وجودندار، سنا براین باید بیش رفت و از موضع میبا رزه طبقاتی نخادهای طبقاتی ای راکهزایید و همین سیستم هشندست شخشدتا ستوان متأکیه سر مازدها و چون گرفتند هندها و سازما ندھی و شکل آن ای و نتا میزی رهی چربیکونه ماکانی برای رهایی کار و گران و زحمتکار از پندرگی و سراط طاقت درسای طبایی و وجودندار، سنا براین باید بیش رفت و از موضع میبا رزه طبقاتی نخادهای طبقاتی ای راکهزایید و همین سیستم هشندست شخشدتا ستوان متأکیه سر مازدها و چون گرفتند هندها و سازما ندھی و شکل آن ای و نتا میزی رهی چربیکونه ماکانی برای رهایی کار و گران و زحمتکار از پندرگی و سراط طاقت درسای طبایی و وجودندار، سنا براین باید بیش رفت و از موضع میبا رزه طبقاتی نخادهای طبقاتی ای راکهزایید و همین سیستم هشندست شخشدتا ستوان متأکیه سر مازدها و چون گرفتند هندها و سازما ندھی و شکل آن ای و نتا میزی رهی چربیکونه ماکانی برای رهایی کار و گران و زحمتکار از پندرگی و سراط طاقت درسای طبایی و وجودندار، سنا براین باید بیش رفت و از موضع میبا رزه طبقاتی نخادهای طبقاتی ای راکهزایید و همین سیستم هشندست شخشدتا ستوان متأکیه سر مازدها و چون گرفتند هندها و سازما ندھی و شکل آن ای و نتا میزی رهی چربیکونه ماکانی برای رهایی کار و گران و زحمتکار از پندرگی و سراط طاقت درسای طبایی و وجودندار، سنا براین باید بیش رفت و از موضع میبا رزه طبقاتی نخادهای طبقاتی ای راکهزایید و همین سیستم هشندست شخشدتا ستوان متأکیه سر مازدها و چون گرفتند هندها و سازما ندھی و شکل آن ای و نتا میزی رهی چربیکونه ماکانی برای رهایی کار و گران و زحمتکار از پندرگی و سراط طاقت درسای طبایی و وجودندار، سنا براین باید بیش رفت و از موضع میبا رزه طبقاتی نخادهای طبقاتی ای راکهزایید و همین سیستم هشندست شخشدتا ستوان متأکیه سر مازدها و چون گرفتند هندها و سازما ندھی و شکل آن ای و نتا میزی رهی چربیکونه ماکانی برای رهایی کار و گران و زحمتکار از پندرگی و سراط طاقت درسای طبایی و وجودندار، سنا براین باید بیش رفت و از موضع میبا رزه طبقاتی نخادهای طبقاتی ای راکهزایید و همین سیستم هشندست شخشدتا ستوان متأکیه سر مازدها و چون گرفتند هندها و سازما ندھی و شکل آن ای و نتا میزی رهی چربیکونه ماکانی برای رهایی کار و گران و زحمتکار از پندرگی و سراط طاقت درسای طبایی و وجودندار، سنا براین باید بیش رفت و از موضع میبا رزه طبقاتی نخادهای طبقاتی ای راکهزایید و همین سیستم هشندست شخشدتا ستوان متأکیه سر مازدها و چون گرفتند هندها و سازما ندھی و شکل آن ای و نتا میزی رهی چربیکونه ماکانی برای رهایی کار و گران و زحمتکار از پندرگی و سراط طاقت درسای طبایی و وجودندار، سنا براین باید بیش رفت و از موضع میبا رزه طبقاتی نخادهای طبقاتی ای راکهزایید و همین سیستم هشندست شخشدتا ستوان متأکیه سر مازدها و چون گرفتند هندها و سازما ندھی و شکل آن ای و نتا میزی رهی چربیکونه ماکانی برای رهایی کار و گران و زحمتکار از پندرگی و سراط طاقت درسای طبایی و وجودندار، سنا براین باید بیش رفت و از موضع میبا رزه طبقاتی نخادهای طبقاتی ای راکهزایید و همین سیستم هشندست شخشدتا ستوان متأکیه سر مازدها و چون گرفتند هندها و سازما ندھی و شکل آن ای و نتا میزی رهی چربیکونه ماکانی برای رهایی کار و گران و زحمتکار از پندرگی و سراط طاقت درسای طبایی و وجودندار، سنا براین باید بیش رفت و از موضع میبا رزه طبقاتی نخادهای طبقاتی ای راکهزایید و همین سیستم هشندست شخشدتا ستوان متأکیه سر مازدها و چون گرفتند هندها و سازما ندھی و شکل آن ای و نتا میزی رهی چربیکونه ماکانی برای رهایی کار و گران و زحمتکار از پندرگی و سراط طاقت درسای طبایی و وجودندار، سنا براین باید بیش رفت و از موضع میبا رزه طبقاتی نخادهای طبقاتی ای راکهزایید و همین سیستم هشندست شخشدتا ستوان متأکیه سر مازدها و چون گرفتند هندها و سازما ندھی و شکل آن ای و نتا میزی رهی چربیکونه ماکانی برای رهایی کار و گران و زحمتکار از پندرگی و سراط طاقت درسای طبایی و وجودندار، سنا براین باید بیش رفت و از موضع میبا رزه طبقاتی نخادهای طبقاتی ای راکهزایید و همین سیستم هشندست شخشدتا ستوان متأکیه سر مازدها و چون گرفتند هندها و سازما ندھی و شکل آن ای و نتا میزی رهی چربیکونه ماکانی برای رهایی کار و گران و زحمتکار از پندرگی و سراط طاقت درسای طبایی و وجودندار، سنا براین باید بیش رفت و از موضع میبا رزه طبقاتی نخادهای طبقاتی ای راکهزایید و همین سیستم هشندست شخشدتا ستوان متأکیه سر مازدها و چون گرفتند هندها و سازما ندھی و شکل آن ای و نتا میزی رهی چربیکونه ماکانی برای رهایی کار و گران و زحمتکار از پندرگی و سراط طاقت درسای طبایی و وجودندار، سنا براین باید بیش رفت و از موضع میبا رزه طبقاتی نخادهای طبقاتی ای راکهزایید و همین سیستم هشندست شخشدتا ستوان متأکیه سر مازدها و چون گرفتند هندها و سازما ندھی و شکل آن ای و نتا میزی رهی چربیکونه ماکانی برای رهایی کار و گران و زحمتکار از پندرگی و سراط طاقت درسای طبایی و وجودندار، سنا براین باید بیش رفت و از موضع میبا رزه طبقاتی

میباوره آشنا از تاکبکیهای رعمریستی نیز استناده میگردد، فقط میتوانند برای رویزیونیست هادستاوبری برای اتحادیاً «جناح عالی قلتوردورانندس تن» هست که کامنه و نوجیه خیانتاً سه مرانقلاب سادجو داشته‌اند که سه نیز امریکاره شوده‌اند و علیین سارتبیست که استنحا رگران برای سروکوب شده‌ها از خشی مزدورانی استفاده میکنند. تجربه سسرا ری از کشورها را تغایرها وجودچنین داروسته‌هاش را انسان میدهد؛ با این‌نحوه ای سیاست‌گذاری این قیوه‌ای

تنتجه وسرا نجا مدت کسیدن ازما رزمه شهنا براي  
بدست آوردن حقوق ابتدائي خود بلکه همچنان  
برای حقوق انقلاب حال بدنشت که برده جلدی با فی  
های یک سینس روپریونیستی کا حل را کن ریزشیم  
تابیینیم واقعیت چیست ؟

افکار کرده و بیمهرا متوجه های آگاه بیر علیه آن مبارزه  
می کنندیه "جب روی و آنا روشیم" ، "خیانت سه جنبش  
ضد امیریا لیستی" و "در کنار را میریا لیسم فرا رگرفتن"  
متهم شموده و (بی حجا با) آنها را در کنار "جنا یشکار"  
آنی که دستور کشنا ردا نشجوبان زندانی را مبدهند  
میگذارد، ما مجددا به شوشه خود آنها استناد می کنیم  
شیریه کار می نویسد:

ما می پرسیم کا رگرا در زبر سلطه بورژوازی برای چه دست به افزایش تولید بزند؟ که بیشتر استما رشوند؟ که نرخ سود بورژوازی افزایش یا بد؟ برای چهار زمان روز دست کسیده و به حران انقلابی خاتمه دهد؟ که به تدبیر بورژوازی ارتقا یابد؟ برای حدبای دست از اعتتاب و تحصین برای گرفتن جزء ناچیزی از حقوق خود دست بکشد؟ برای حدابین "مدرسه انقلاب" را تعطیل کنند؟ که باید حکیم ریزم حاكم بیست و بیست سو سوئی که هرگز تدریجی خود را تداوم بخشد؟ سکی نیست که دستما مرویز یونیتیها ئی که دیدا من بورژوازی پنهان هردها ندوره بیری سازمان حربیکهای فدائی برای این سئوالات با سخنای آماده ای دارند، امدادا یعنیم سکی نیست که دیدن سخنای چیزی جزا برازی جدید برای فریب کا رگرا و بمنظور قربانی کردن آن در آستان بورژوازی نیست.

درون این دیکتاتوری اسas سرماده ری وا بسته  
ادا مهیا بات آن هر لحظه در معرض خطر حدی قرار می -  
گیرد، چرا که مدت استسما رکارگران و معاشران وارد  
بررسای رفنا رحلی کوچکترین امکانی برای بقاء  
سرماده ری وا بسته بودون دیکتاتوری و سرکوب باشی  
نهی گذا دودرا این مورد سجره زیبم گذشته شده است  
دلیل است، این دیکتاتوری و در دسورد اشم بود ن  
سرکوب چیزی نسبت بگذریم تطاس روئنای اسas  
سیسمبا زیربنای حا م خود و سنا را این اس مسئله  
کدر کننا رتا کتک احلى سرکوب، تا کتک پی - ای  
ری مبسمی همک و سبک بکار رود، تا سری درا مسل  
قفسه ندا رد، چرا که در فرمها ی خدا نعلیس نز، زمانشگ  
می روزه توده ها درا عتلابوسا رفراترا زا این رعهمها  
طی طریق صیکن جیزی نسبت جزئی از سرکوب ب

(۸) - البته سازمان جوکتیا فدائی این نوشته را بدینگرگان آن کارخانه هاش میکنند که در آن "شوراهای واقعی" وجود دارد. این دیگر عذربریدتر از گفتار است! فدائیان درست در آنجا بیکنگا رگران از طلح آکا هی بیشتری برخوردار شد و سخت فشار حسود، نما بیندگان واقعی خویش را در "شورا" نشانده اند، از آن دعوت میکنند که جرخ دستگا بهره کشی سرمایه داران را سریعتر بپرسانند! یعنی از کارگران درست همان چیزی را طلب میکنند که بین خود تنفسی "سورای واقعی" و پروروت وجودی آنرا حاصل میکند. آیا شوراهای زردردگار رخانه ها و سرمهای داران ( و طبیعاً دولت سورژ او بازی ) این جزی جزای از سوراها "وکا رگران طلب می کنند؟!

برآلمان هستلری اگر ووهای دست راستی سرگیرید  
تو کلکس کلاسیا در آمریکا و... همگی سان دهداد بی  
مسئله هستنده استم رگران بوربرو و زی رمایی  
نمی‌نماید و مصالح طها سیان اسحاب کند در گناه  
رگا سیاهی رسمی سرکوب مصل ارسن، سلس (و در  
سورما امام خیر اسپیاس داداران)، ارازی اسپای  
سررسی سرکوب سراستهاده کرد و حوا هدکرد.  
ما از این سارمان می‌سرسم، سفرم ای پاک  
بهری ساده‌ای سا در درست جناحی ار هشت حاکمه  
ساده، این امدادلیل چنگ افروزشون این حناج  
نیس، آساکس ار لطفهای کرد و شرکم و عرب و...  
وردموا فتف همه حنا چیای هشت حاکمه شود؟! اسا  
عدا مهای دسده‌جمعی وفا سیسی مبارزی دنگدسان  
جوزستان و... مورددا شدمای محنای حناه فرا ریگرفت؟  
با مشئول کسای روا سارب کارگران سکاره روسا غل،  
هها نای، دا نجوسیا و دا ن آموزان، همه حنخایی  
بیث حاکمه بنویند و آسا سیا سبودکه برای کستار  
لطفهای روح‌مکان و نیها جهوده‌اشکا و... گوی سهف  
ا زنگنگری رسودد؟! گر همی سنی در "ا" ملاح -  
طلب "سودکهنس از بیرون و حسنه‌چهارس از زرهرا ن  
علی ترکمن (که زعم سما سیدا آسان مخالف بسوده  
ست آساکا را علامداست که اگرا و هم‌های سر ع بود  
نهایا را به اعدا محکوم می‌کرد؟! پایس شما ای من  
شوا لات از نظر ما می‌بیست. حال آنکه این با سخن  
ز جان بدبگا و رویزیونیستی که دریی تحصیل ساز  
ما بورروا زی ایست منفی ساسه.

حال سردا زیم به مسئله افراد ایں سولید و پیور و زی  
هدا نای قدر دسوسا، العمل حا در دندنه ای طرف ای جه ای

ندون این بیکتا توری اساس سرماده ری و باسته  
ادا محبات آن هر لحظه در معرض خطر حدی قرار می -  
گیرد، چرا که سدت استسما را کی رگران و مسا رهای وارد  
بررسا پیرا فنا رحلی کوکتیرین امکانی پیرای بقاء  
سرمهاده ری و اساس بدلون دیکتا توری و سرکوب سافی  
نمی کذا رود و در این مورد جرسه رزبم گستاخ شنید  
دلیل است، این دیکتا سوری و در در سوردا شنبود ن  
سرکوب جیزی نسبت مکمل روزون طاسی روشنای این  
سیستم با زیرینای حاضر خود و سنا سرا این منتهی  
کهد رکنا رتا کنک اعلی سرکوب، تا کنکپ سای  
رفوب مبسوی هم کم و سین بکار رود، تا سری در مصل  
قضیه ندا رد، چرا که رفرمهای خدا نغلای شر، زمانشکد  
مبا رزنه توده ها در اعتملاویسسا رفرا ترا زابن رفرمهای  
طی طریق میکند، جیزی نسبت جزئی از سرکوب ب  
مبا رزنه نغلای توده ها، مقدرت سیاسی حاکم در حنث  
سیستمی برای دفاع و حفاظت از موجو دست سستم و  
طبقات و فشاری که این سیستم در خدمت آنان است،  
وحودا این قدرت سیاسی نزدیکیان مدافع آن حدمت  
میکند، جراحتی جز سرکوب کارگران و زخمگذان  
ندا ردو طبیعی است که این نیز سرا این نجات خوبی  
و دفاع از م وجودی بخود جراحتی جز مبارزه با قدرت  
سیاسی حاکم و تا سودی این منا سیاست ستمگرانه و  
استثنای ری نخوا هنده است، هشت حاکمه غلطی شر  
بینا به ما هست و سیاستها و عملکرد ها س خارج از این  
قاعده نبوده و نخوا هدوس دوان مسئله که جنایی از آن  
 فقط بر تا کنک سرکوب اصرار مببور دوچنان دیگر  
غضن قبول و اجرای تا کنک سرکوب بعنوان ساکنی  
اطلی، برای شجاعی بیست توده ها وافت و انحراف

## فان، مسکن، آزادی

پیکار

سازمان جوگیرکاری فدا کی مطرح میکند:  
”ما با رها اعلام کرده ایم که سیاست ”بر  
نهی تواند سیاست بسود بیان را زد  
لیستی و دمکراتیک خلچهای ایران  
آبد“ (کار ۵۹)

در بینجا سازمان جریکهای سرازیر کرتن خود در  
سپاه بوروزواری دست به تحریف میزند، همه میدانند  
که در حال حاضر هیچ نیروی کمونیستی بعلت فقدان  
موقعیت عمومی اقلالی و ضایع ذهنی لازماً انقلاب  
نمی‌گذرد "براندازی" را مطرح نگردد و درستور روزخونه‌گزار  
نمی‌داند است. ولی این امریک جنبه فلسفی است، حال  
آنکه باید افزوده هیچ شرسی کمونیستی توقف در  
مبارزه طبقاتی علیه رسم حکمران طرح نگردد و نشی -  
توها ندهم بگنده هیچ نیروی کمونیستی با یان انقلاب  
را عالم نگردد و نصی نواده همکنند، همه کمونیستها  
مکوسنندن سمت می‌گردند از قلایی شوده‌ها علیه هبشت  
حاج کمونیستی و امنیت اسلام، سمت بد محور املکی  
مبارزه حفظ گردد. همه کمونیستها و نقلابیون وفا دار  
می‌باشند از قلایی شوده‌ها علیه هبشت دستور روزخونه‌گزار  
بیویسته "ساختمان قدرت دولتی" را تعقیب نماید.  
ربیرا این شنها سیاست پیگیر است.

سازمان حکومتی گویند:  
 ... ما مصممیم که بیش از بیس برای استقرار مطلع  
 در کردستان و جلوگیری از گسترش دامنه جنگ در  
 این منطقه تلاش کنیم و راژداشت های مسلح طلبانه ای  
 که در برخی محافل حکومت دیده می شود استقبال  
 می کنیم (کار ۵۹)

و سیس اف اف میکند :  
"... در مغایل جنگ افروزیها نا آنجا کم در  
شوا نشان بوده است ایستادگی و مقا بلکه کرده ایم  
... ما محمیم سا توجه به مسئولیت عظیم سار زمان با  
حرکات آنا ریستی و سوا راهی سرنگونی و بوبیزه  
حرکات حب روا شدای که تو سط آنا رسید ها در  
میان طبقه کارگر میهن مادام زده میشوبد کیونه ای ۵  
جانبه میباشد کیمی (عیناچا نا کیدا : ماست )

نماینده سورا زوای و مدافع نظام سوسیالیستی دار  
واست، جراحتیدون این نظم مقابی ایمن  
طبیقه هرگز میسرخواهد و با توجه به تمام این دلایل  
است که گوئیستیهای راستین که در آرمان طبقاتی  
برولتاریا می چنگید علیرغم تماشی معرفت ها و محدوده  
ستهای راهی ندارد چرا منکرهای دون تزلزل، خط سیاره  
طبقاتی و خط انقلاب را دشنال کنند، حال آنکه  
بورورا زی قریبی کار ایران سمعنطیه انتحراف گشایند  
سبت انقلابی این جنبش، سیاست "حماق و بنان  
سیرینی" را در بیان گرفت و رویز بیونستهای خائن حزب  
سوده شناس اتواع و اقسام متهب ها و نزاکاتی خانه  
اسلطانی را به نیروهای انقلابی راستین وارد نمودند  
و می سپیند.

امروزه هر سازمان حربکایی فدائی در حیات اسراروزواری سیاست خود را می پنگر را درسی گرفته است. این رهبری نیروهای را که خواهان ادامه روح طبقه ای و انقلاب میباشند "حب رو و آن ریست" می خواند، آنان را دوکنار عوامل امنیتی سیم جای میدهد و آن را منهم میکند که "تزرکریں خدا شما را به چشم خدا میرا لبستی طلق ماروا می دارند" (کا ر ۵۹) و ما همگوشی عجیبی بین حربکایی بینی صدر، حب نوده و هر بری سازمان حربکایی فدائی خلی می سینیم! منی صدر هم مبکوند "گروههای غیرمسئول و حب رو به ملت خیانت میکنند" ولی روسن است که در کار او ز "ملت" همان طبقه سرمایه داران میباشد و هر چون غریبه به منافع این طبقه است شما را گررا "خیانت" ارزیابی میکند. حال رهبری سازمان حربکایی فدائی که بتواند میتواند مسخره ای مساوی با آن کنده ساخته است تا ندبه شرروهای سپاه اسلام را زد زیرا این ویجای مبارزه طبقه ای مستمر بدهی ساز می آیندند.

ب - سیاست صلح با بورژوازی

کافی نبیت که اذاعن کنیم میبا رزه طبقاً تینها  
وقنی واقعی بیگر و شکا مل نی فاشه مشودکه  
سیاست را در بر گیرد در سیاست تیزی بن امکان  
وجود داد که خود را محدود به جزئیات کرد و یا  
عمق تربه مسائل اساسی ببردازیم ما رکبیم  
تنها هنکا میبا رزه طبقاً تراکا ملا نکام  
با فتو و سرتاسری میداند که تنها میاست را  
در سوی گیرد بلکه مثائل اساسی میباشد بعنی  
ساختمان قدرت دولتی را مطرح سازد...  
لیبرا لیسم میبا رزه طبقاً تی در حیطه سیاست  
تنها با سرط اینکه ساختمان قدرت دولتی را  
سا مل شنود موافقت مینماید".  
(لنس - درسا رهبر لیبرا لی و ما رکبیستی  
ما رزه طبقاً تی)

همان نظرکار در سطور میل منوجه شدیم، «از مان  
مرکشکای فدا کی با طرح صورت حما بات از بورزوای زی  
ر دولت حاکمه نهی بسیردا مرانقلاب و مساره طبقاتی  
بسیرد و نیروهای پیگیر را که خواهان همراهی سا  
بیبا روزه طبقاتی می ساختند» آنرا رسیست «قلاده دمی»  
شد، حال آنکه سیاست رویزبونیستی و انحرافی  
عبارت است از آن سیاستی که در بسیاری سرمایه ای «ملح»  
بین سرولنها را و بورزوایی است، سیاستی که در بسیاری  
نکام می بازد طبقاتی و کسب فدرات سیاسی نمی باشد  
سیاستی که در بسیاری منحرف کردن سنت اعلیٰ صبا روزه  
طبقاتی، «معنی» «اختیار فدرات دولتی» میباشد.

وروزیان بینی صدر عوام غریب نیز هست که در هر کوچک و بیرون و در هر سخنرا نی ترا آن تا کیده کنند. واقعه این است که گرچه کارگران خود می‌آیند از قبیل موحد در طول و پس از آن سیاست‌پریان دادا کارگارها را کردند. بسته‌بین کشته‌ها را دادند و می‌رازات قهرمانانه نهان نهاده بود که نقش قاطعی سربازان حاتم‌نشین سلطنت داشت، اما شهادت‌ها کمترین سیره‌ای از این همه‌دواکاری و می‌زدند و نهادند، بدینها روابط استیحانی حاکم از زین بر قوت (که بعلت حاکمیت فدرال سیاسی حاکم‌شن) استطاعه ری سوزنا درست و می‌رسی سوده‌های بیانی است. هشت حکایه اوسما سداوان هرا ری مکررا داده بود که در کردستان و کردستان و بده استیحان رخود را داده بودند. کارگران سازکاری استادی است داشتند ترین حقوق خود می‌زدند و می‌کردند و موردن سرکوب و اخراج و دستگیری و بیهوده شدند این اسلامی است. کارگران بیکار را زخم حیات نزد محروم‌شدند و در ما نون اساسی ارجاعی جمهیه و ری اسلامی (که الیه حیرتی جوا بین هم‌ستوات است) باشد. اسرا را استادی می‌زدند کارگران بیعنی اعتماد شیخ منصور اعلام‌سده و حزا بهایی سنگیتی رای بکار بردن آن سنس بینی گردید. سوا را اساسی حکومت سوروزوازی در تما مدت بین ای سعدیت رسیدن این بوده: کارگران عزیز "صبر نقلایی داده باید" که نیز خواهد بود، ما بسته‌کار کردند و بسته‌تلبد کشند ما می‌بریم کارگران در زیر سلطنه بوزروزوازی برای چند دست به افزاییں تولید نشند؟ که بسته‌استخراج شوند؟ که نرخ سود بورزوآزی افزایی باشد؟ رایی خود زما زدست کشیده و سحران انقلابی خاصه داشتند؟ که بسته‌تسبیب سوروزوازی ارجاعی کمک نمایند؟ رایی خدمات داشت از اعتماد و تحصیل برای گرفتن جزء نهایی از حقوق خود دست بکشند؟ رایی جداین "مدرسه نفلایب" را تعطیل کنند؟ که ما تحکیم رزم حاکم بسته‌رو بسته‌رسکوب شوند؟ که مرگ تدریجی خود را تداوم و حسنست؟ شکی نیست که شما هر چیز بینشیده ای که میدان من سوروزوازی بینا میردها ندوره هری سازمان ج.ف. خ.

سراي اسن سئوالات سخنچای آماده‌ای دارند، اما روابط هم‌شکی نیست که اسن با سخنچای جزا زرا ری جدیدرایی فربیت کارگران و بمنظور قربانی کردن این در آستان ببوروزا ذی نسبت.

حال اگر توجه کنیم که تحلیل ما رکسینی ساخت جتمعاًی - اقتضاًی حاکم بر جا معنی ناس مبده دکمه سیاره زده امیریا لیسم از کانال صیاره زده با سرمه یه - اری و بسته و قدرت سیاسی حاکم دفاع آن بیگذرد گر توجه کنیم همین تحمل نشان مددگاری ایران در حال حرفگر ها هتخدا های سیستم جهانی امپریالیستی بود و بصورت "حلقه ضعیف" این سیستم در آمد است و گرهنوز به نزل لشنسی "فریزه زدن به سیستم جها نی" مروسا لیسم در حلقة ضعیف آن "معتقدنا سیم بوضوح می بینیم که می رازم شریوهای ما را کسیست - لذین است که رگرا و وزیرنکان سو علیه قدرت سیاسی حاکم شد رحیب بخوبت من از همداد امیریا لیسمی، بلکه دیگران رحیب است نکما ماین می رازم و در رحیب رها شی زحمت - ایمان است هچ نیروی بیگیری نمیتواند علیه اس نیشت حاکمه دولت طبقاتی او من از دنکد، هچ بیرونی سکریو نمی سواند نجحت عنوان امکان تجاوز طباطبی امیریا لیسم "تا سورزوا زی حاکم من از دنکد بیرونی این دولت، ارکان طبقاتی سورزوا زی و سر خد نقلاب است، وزیر این دولت ما هیئت دارد سه رزه مدد امیریا لستی نسبت، وزیر این دولت خود اساساً



بويز بيشا هرم رويز بيوتسي سوسال اميربا لسسى  
موروى سى سوا سې بەراچ شدن بىكىرى ازا حزاب  
حرىبا باب "مرکر" ناسا سېسى حىنس كەمۇنىسى و  
كاكا مل و ويربۇنىسى آپا سۈنۈ خودىرىغى مىخدى.  
سا سوجىھە و ماع سن الطلى، درا يېران درىستەر  
حران سپا سى - ا جىسا عى و سىدىدىما رەطلىما سى  
دال سىن خط مى ماركسىسى -لىسىنى و حەط  
سى روپرىوپىسى سى سوا داواچ سكىردو ماسىل و  
و سدا دەھاي طەلتى جىددىگا دېچىدە سى سوانند  
برۇوهارا سوئي سا ساح مەھى سرو مرىھىركىسا دۇا سى

میخنی کم بیها دادن به مهار زده علیه روزی و بیرونیسم و  
بیرونیسم میباشد. این فریسرای بکار ریدگر  
نهان مسیده دهنده جمهیزان میاره علیه روزی و بیرونیسم در  
جشنی کمونیستی از اعیان هفت طی سرخوردا رسید. در  
واقع کسی که ساده میباشد میارزد کم بیها مسیده شد و در  
مقابل آن کوشی میکشند، زمانه ساز روشنوس  
روزی و بیرونیسم میباشد ای احاطه بورزوایی میباشد  
و خود نیز اگرچنان نجدار نخرا ف حوش سه بیس روید ،  
تریبا شان روزی و بیرونیسم (در اسکال گوتا گون) و  
موسیل امیریا لیسم حوا هندگشت. کسی که این حتف

جوہر کلام سخنان فوں جیسے؟ این جریاں معتقد است؛

- ۱ - تحقق خواست عالدالنہ خلیفہ کرد بعینی خود محتا ری
- ۲ - تحقیق تعبین مرتضوی دستورتخت شرایط حاکمیت بورزووا
- ۳ - زی محتاج مبارزہ طبقاً تی ننمی باشد.
- ۴ - امکان ملح شوده های نحت ستم را زیما سنتھار کران موجود است.
- ۵ - از محل ساورزووازی حما بنت کرده و از ادامہ بسیار روزہ طبقاتی طلوبگیری می کنیم.

سنا براوین منوجه میتویم که نفعی می بازد علیبه  
قدرت سیاسی نمی توان ندبده مصلح با بورزوای نکد.  
وهیری سازمان رهیکها در شرایط سنت طبقاتی و  
امیریا لیسی، ملح اجتیاعی را موعظکردند و میکردند  
تاتا زگشترش می بازد طبقاتی جلوگیری نماید. حال  
آنکه کوشنستها و طبفهدا رنکددا منته و عمی می بازد و  
طبقاتی را هرجذبیشترا می نموده و آنرا بسیروی  
انجام اتفاقات اجتماعی رهمنوون گردند. ولی رویزیو  
نشست ها که زا انتخاب و حشت دارند، سازس طبقاتی  
را مطرح کرده و مقول لئین "همترین مطابق  
ما را کیمیم بعنی آموزس مازره طبقاتی را مسورد  
تجددیدننظر قرار و می دهند.

«كلام آخر»

کرا یش رو بیزیونیستی حاکم بر سازمان ریکارڈ که در تکا مل خود بیک جربا ن رو بیزیونیستی در خط متن خود، به تجدید نظر در ربا ره مفا هیم ما رکسیستی - لندنیستی دولت و مبا رزه طبقاتی سردا خته است، هر جندکه این تجدید نظر را کا ملا شنویزه نکرده مباشد. تحریف رو بیزیونیستی مقوله دولت، «حما یست و پستیبا نی از دولت بوروزوازی و دولت طبقاتی او، تبلیغ سازس طبقاتی و نفی مبا رزه طبقاتی، ردسوههای انتقلابی مبا رزه وروی آوردن به مسیوه رفرمیستی واصلح طلبانه در بر را بر دو لب بوروزوازی، تا ئبتسوبسال امریبا لیسم سوری بحثنا بیک کسور "سویا لیسی" ، تا ئید حزب توده خائن و ورسکسته، این کا رکزا رسوسیا ل امریبا لیسم بمتا بدهیشی از خبرش کمونیستی ایران، همه و همه مو ردبا رزا این تحریف ای روز بیونیستی توسط این حریان است و اگر همین روند همچنان ادامه مبا بدیا دکار تدا دکا مل این جریان از مارکسیسم - لندنیستی انتقلابی، خواهد نجا مید.

مرسیوه خودسمی سواده رحه میسر حبزه روی مرسیم  
را عربان بکد .

رسودوکا مل کراسن روی مرسیمی در سارمان  
حرسکیای داشتی در میسر مخصوص سخنوار ملی و سین -

لمللی حرب مکرر . عربان گردیدن هر خود میسر  
و بروی مسما رمان حرسکیای داشتی خود مخصوص  
سیگر دادسا آمکان اباحه مبررسی های دستور و  
حقیقه گشته دهقون حبس کhosیی اراده سدها و  
فکا ردمدا رگمسی ژوی مرسیمی سوسنده آشکار ،  
پیش رسداده . حال کوسیس های سدها سخنوار  
گناه سپر خورد سمهود و سکو سدا رطیو سرددیک  
ساز ره ساسی - ابدی شولوریک بتعال ، اس مررسدیها  
خرجه آکاهای سرور و سفر مورس کرد . بدون اسنن  
ساز ره میکردار و مرسیمی حبس ما رگمسی -

تیسی تی سواده طرد همه حاده روز مرسیم  
محبوس قطب ابدی شولوریک برولسا رسا و سام سو سعده  
تی خودنا کل آند . بدلون اس ساره ابدی شولوریک  
هم سوان و حدت حبس کمیونیسی و اباحه حرب را سر  
ساده سویا اسوا ره رگمسی - لیستیم سرشار ا  
با جت .

۱۱) اسکار ریمکند، مارکسیست - لیستیست سینما سد  
با بدایا هب سوره او اشی رورپریوسیم را در ک و میا ره  
ای همچنان شده را غلبه آن سارمان داد "سدون حسن  
سازه های سنا و سکال ما رکسم - لیستیم در  
میهن ما مسرنحوها هدگیب و اس و افعت سینما  
سما مسره وها و عنا مرم ل حسن کموسیی ، بلکه  
محضون حرمان و عنا صراحتی ووفا داریدما رکسم -  
لستیم در دردروون سازمان ح.ج. را سادیدا رس  
سموده و کوس و سوان آشنا را چه سازه های بیکر  
علیه این نیس رورپریوسی غالب بر سارمان  
ج.ج. ر. افروزرسانید .

در عرصه بین الطیلی ما رکسم - لیستیم حدال  
سینمگیسی علیه رورپریوسیم (در اسکال حروش حقی -  
برتری، حسی و ... ادریس دارد. و افعت ایسکه  
تறن سورروا ری علیه سرولیا را محبوب گردیده سا  
نکسری اردسا و زده های سوسال لیستیم موتنا ارسی  
برود، سوروی سوسال لیستی لیس و اسالیں نه  
سوروی سوسال امنیا لیستی و حسی سوسال لیستی  
نه حس دورپریوسی نتیل مکردد. اس تحولات  
خدادار، جیت، کجه سینه. بـ. الـ. مـ. نـ. بـ. حـ.

هما نگونه که دیدم، کارا س روبرویوسی حاکم  
بر زمان ج، ف، ج، در کامل خود بسیار  
رویز پونیسی در خط می خودد و چند نظر دارد  
مما هم رکبیتی - لنسنی دول و صما ره  
طبقانی برداخته است، هر چند که این نجده نظر را  
کا ملا تئوریه هنگرده ساد، بحراف روبرویوسی  
مقوله دولت، حما بی و مستانی از دولت سورزوا زی  
دولت طبقانی او، سلیمان سازن طبقانی و نهضتی  
می بازد طبقانی، رسیده های این نقلالی می بازد "وروی  
آوردن بوسود رفرمیستی و اصلاح طلبانه در بر ای  
دولت بورزا زی، با شدیوسیار - امیریا لیسم  
سوری بینا دیگ کسور "سوالنسی" باشد حجز ب  
شود و رکسته خواشن، این کا رگزار سوسیال  
امیریا لیسم بینا شخصی از جنبش کمونیستی ایران  
هم و همه مو ردا رازان تحريفات رویز پونیسی  
توسط این جربان اسب و گرهیں روند همچنان ادامه  
با بدیهی و تدا دکا مل این جربان از تارکیم لیسم  
انقلابی خواهد نجا مید.  
لیسم نوشت می اس ا سوروسیم و روبرویوسیم

لبن نوست ساس اسوریوسیم و پیریوسیم  
معنی "همکاری طباق، استکاف از دیگار" اسوز  
پرولتاریا، اسنکاف از عملیات اتعلایی، سنا اشی  
بدون مدد و سرط فوانین بوروزایی ای اعما دی  
سبب پهپولتاریا و اعتمادی پهپوروزایی" (اوریوسیم  
وورکسکی انترنشنال دوم)

وا مردمی سنتنضمون اساسی چربان حاکم بر  
سارمان حرکت‌های فدائی سرایین حکملین انتظامی  
دا رد. روس است که حاکمیت حرمان رویزیوسیمنی  
سرایین سارمان یک مردمه بر جنسی کمونیستی اروا د  
است. میرهای کهیما، یک حقیقت فراموشی بیدار.

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتقای داخلی جدا نیست